

بعد از اینکه نظایر آنرا معین کردیم و دیدیم يك راه علاجی غیر از این ندارد آنوقت باز گفتند والا اینطور که نوشته شده است چگونه میتوانیم رأی بدیم بهتر این است که آقای مخبر قبول کنند و اینمطلب را در تحت چند ماده بنویسند پس رأی داده شود .

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده گمان میکنم این فصل اینمطلب را غیبی خوب واضح کرده است مخصوصاً غیرقابل توزیع را بخوبی معین کرده است مینویسد اداره پست مجاز است مراسلاتی را که بیک علتی امکان ندارد بصاحبانش برساند پس میکند و اما آن فرمایشی را که آقای محمد هاشم میرزا فرمودند و بنده تصدیق دارم عرض میکنم برای هر يك از فصول این قانون در نظامنامه ترتیبی معین میشود و اقدام مراسلات غیر قابل توزیع تماماً معین میشود حالا اگر ما بخوانیم بمطلب راجع بغير قابل توزیع در قانون بنویسیم شاید پس از اینکه قانون تصویب شد ممکن است یکوقتی يك مطلب دیگر هم پیش بیاید غیر از آنچه در قانون معین شده است آنوقت اسباب اشکال میشود ولی نظامنامه داخلی اداره که می نویسد مراسلات غیر قابل توزیع کدام است اگر يك روزی يك مطلب دیگری پیش آمد می تواند بموجب معین فصل در نظامنامه همان مطلب را معین کند

ارباب کبخی - این عبارتی را که آقای معاون خوانند در اینجا نبود نمیدانم از کجا خوانند در هر صورت آن کسانی که مخالفت دارند در عبارت مخالفتند یعنی این عبارت که میگوید غیر قابل توزیع چون توضیحی ندارد ممکن است هر طور بخواهند تفسیر کنند باعث اشکال عمومی شود .

رئیس - مذاکرات کافی است (گفته شد کافی است).

(پیشنهاد آقای سردار معظم بمضمون ذیل قرائت شد) در فصل یازدهم نوشته شود - اداره پست مجاز است مراسلاتی را که بواسطه معلوم نبودن گیرنده و یا مشخص نبودن فرستنده در صورت احتیاج بپست نمودن آن باز نماید تا بتواند الی آخر . . .

معاون وزارت پست و تلگراف - مفاد این پیشنهاد عین مفاد قانونی است که وزیر پیشنهاد کرده است .

رئیس - پس میخواهید برگردد بکمیسیون .

مخبر - برگردد بکمیسیون اصلاح میشود

رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون فصل دوازدهم بمضمون ذیل قرائت میشود

فصل دوازدهم - جوهانی که اداره پست سیرده میشود و جوهی که در بانکهای غیر قابل توزیع باقی میشود بستانه بهر چه نمیتواند بصاحبانش برساند پس از انتضای مدت ۳ سال از تاریخ تحویل به پست خانه ضبط خزانه دولت میشود و همچنین اشائی که در امانات پستی غیر قابل توزیع یافت میشود صاحبان آنها معلوم نیست به ترتیب و مدتی که اداره پست معین مینماید بفروشد زوجه قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانشان مطالبه نشود پس از انتضای موعده فوق الذکر متعلق بخرزانه دولت خواهد بود

مجلس - اینجا نوشته اند جوهات بعد از مدتی ضبط خزانه دولت میشود این یکی از عایدات بستانه نخواهد بود بلایی ضبط دولت میشود ولیکن باید

بمصارف خیره عمومی برسد لهذا پیشنهادی کردم که يك کلمه بر این عبارت افزوده شود .

مخبر - اینکه بمفرمانند تکلیف اداره پست نیست تکلیف اداره پست این است که بخزانه دولت تسلیم کند پس از آنکه تسلیم خزانه دولت کرد دولت بھرطوریکه صلاح میدارد بمصرف برساند مختار است راجع باینکه پست است که اینکار را بکند و نباید در قانون پستی تصریح شود .

ارباب کبخی - در اینجا نسبت باین کلمه که آقای مخبر اظهار کردند که خزانه دولت هر قسم میخواهد بصرف رساند آزاد است میخواستم عرض کنم اینطور نیست که هر قسم خزانه داری بخواهد رفتار کند - و اما ایرانی که بنده نسبت باین عبارت داشتم اینست که اینجا نوشته اند جوهانی که اداره پست سیرده میشود این جوهات در يك نقطه به بستانه سیرده میشود که بنقطه دیگر برساند فرضاً اگر در يك نقطه مقابل صاحبش پیدا نشود در نقطه اولی که پیدا خواهد شد چگونه میشود که صاحبش پیدا نشود .

مخبر - فرض بفرمائید از این جا امانتی فرستاده میشود بقم وقتی که امانت بقم میرسد آن کسی که باید بگیرد مسافر کرده است و وگرنی هم معین نکرده آنوقت این امانت بر میگردد بوقت پستی که مرستاده شده در آن جا هم میخواهند بصاحبش که فرستاده بدهند او هم مرده با مسافرت کرده وگرنی هم معین نکرده است پس در این صورت تکلیف اداره پست چه خواهد بود در این صورت ناچار است باین ترتیب رفتار کند .

سلطان العلماء - اینطوریکه آقای مخبر فرمودند از اتفاقات نادره است در صورتیکه اداره پست نتوانست وجوه سیرده شده را بدهنده فرستاده مسترد دارد که تقبیل حال صاحب اول و یا وکیل آن را مینماید در این صورت بخزانه داده نخواهد شد

مخبر - اینمطلبه گویا در اینماده کاملاً تصریح شده و این از برای موازینی است که صاحبش پیدا نشد آنوقت باین ترتیب رفتار میکند مسلم است بعد از آنکه تقبیل خود را کرد و گیرنده فرستاده با وکیل آنها را پیدا نکرد و هیچ شکل نتوانست آنرا بصاحبش برساند آنوقت باین ترتیب رفتار خواهد کرد

رئیس - مذاکرات کافی است با کافی نیست (گفته شد کافی است) دوقلم پیشنهادی است یکی از طرف مدرس و یکی از طرف عبدالسلطانه قرائت میشود (پیشنهاد آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که بعد از (ضبط خزانه دولت میشود) زیاد شود

و بر طبق مقررات قانونی بصرف خیرات عمومی خواهد رسید .

رئیس - در پیشنهاد آقای مدرس چه مینمائید قبول دارید یا نه بگریزم

معاون وزارت پست و تلگراف - جواب این پیشنهاد که داده شد باید رأی گرفته شود

مدرس - اینکه میگویند باید تعویب خزانه دولت داده شود این عایدات دولتی نیست بنده فرض

اینست که يك عبارتی نوشته شود که بعد از آنکه بخزانه دولت داده میشود معلوم شود که جزء عایدات پست خانه نیست مالی است بی صاحب و مال بیصاحب در ملکات ما ملک دولت نمیشود باید مصارف عمومی یعنی دارالمعزیه مدرسه ایام و این قبیل چیزها برسد و اگر يك عبارتی اینجا نوشته شود که مهم باشد آنوقت تصور میشود جزو عایدات پستی است و مثل سایر عایدات دولت بمصارف و مخارج دیگر خواهد رسید و حال آنکه بصرف خصوصی این مال بصرف علیحده است در دوره سابق هم از این قبیل مطالب نوشته است گویا خاطر بعضی از آقایان نیست بآنمضمون عرض میکنم این جور قول ها مال دولت نخواهد بود و باید صرف دارالمعزیه و دارالایام باشد

معاون وزارت پست و تلگراف - از فرمایشی که آقای فرمودند بنده هیچ داخل مذاکره نمیشوم و عرض میکنم این مسئله ربطی بقانون پستی ندارد و در این موضوع شاید بنده هم آلمان موافقت را داشته باشم ولی وقتی که بنا شد در قانون پست نوشته شود وقتی که صاحبش پیدا نشود باید بفلان مصرف برسد آن کسیکه باید بصرف برساند کسب اداره پست که نخواهد بود اداره پست این وجه را بصندوق دولت میدهد اگر بخواهند در این باب پیشنهادی بنمایند باید قانونی از برای مالیه وضع کنند که این قبیل وجوهات بجه مصرف برسد والا اداره پست که نمی تواند آن پولها را بآن مصارفی که بمفرمائید برساند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند (غلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - پیشنهاد آقای مواد السلطانه قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم در فصل ۱۲ بعد از کلمه (مدت سه سال) اعلان در جرایم هم علاوه شود **مخبر** - بنده هم اینمطلب را قبول میکنم غیر از این هم مقصودی نبوده است (فصل سیزدهم بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل سیزدهم - فرستنده هر شیئی حق دارد که بمسول خود را از بستانه پس بگیرد یا آنکه از اداره بخواهد که آن شیئی بمسول شخص دیگری غیر از صاحب و عنوان اولش داده شود یا آنکه به عمل دیگری فرستاده شود ولی وقتی که مسول به عمل مقصد رسید صاحب عنوان اولی از ورود آن مطلع گردید یا از بستانه مطالبه ضرر دیگر بدون رضایت او فرستنده نمی تواند هیچ تصرفی در مسول خود بنماید

سلطان العلماء - لازم این مطلب این است که تا فرستنده اجازه ثانوی نداده باشد بتواند مختار باشد مسول خود را پس بگیرد مثلاً بنده يك چیزی برای زید میفرستم بعد مطلع میشوم که ورشکست شده چه مانی دارد که نتوانم پس بگیرم

معاون - گمان میکنم این فصل همان امانت بدست آنطرف ترسید فرستنده حق دارد اینکار را بکند البته وقتی که آن مال بدست آن شخص نرسید آن مال مال او خواهد شد و از دست کسی که

داده خارج شده و مالکیت آن شخص که آن شیئی را دریافت کرده در آمده است و دیگر اداره پست نمیتواند آن شیئی را از آن شخص پس بگیرد

حاج شیخ اسدالله - آقای معاون تصدیق کردند که تا بدست طرف فرستنده حق پس گرفتن را دارد بنده از آقای معاون خیلی تشکر میکنم زیرا که بعضی از فرمایش را تصدیق کردند ولی اینجا مقصود ایشان نوشته نشده اینجا مینویسد تا وقتی که طرف از ورود آن مطلع شده و مطالبه کرد بنابراین مطابق فرمایش خودشان باید عبارت اصلاح شود

معاون - البته تمام آقایان مسبقند که اداره پست بجه ترتیبات اشباع را میفرستند اداره پست آن قبض است که در جوف یا کت میگزارند و از برای طرف میفرستند بعد از آنکه آن قبض بدست طرف رسید مال مال طرف میشود بجه علت بدست اینکه بعد از آنکه مال مسروق یا تلف نشود همان سند دولت را با اداره پست میآورد و وجه فراموش دریافت مینماید پس آن سند ستمعالی است که او به بستانه داده و بعضی آنکه آن سند بدست او رسید و مطلع شده کاین امانت رسیده حق مطالبه دارد و اگر امانت هم بیک علتی در بستانه مانده باشد مادامی که سند بدست او است آنوجه متعلق باو و او مالکیت او است

حاج شیخ اسدالله - این فرمایش که آقای معاون فرمودند غیر از فرمایش اول بود فرمایش اولشان این بود که تا زمانی که بدست طرف نرسیده فرستنده حق مطالبه دارد و حالا می فرمایند بعد از آنکه قبض فرستاده شده باشد و بدست طرف رسیده باشد آن وقت اداره پست ضامن است و شخص گیرنده بموجب آن قبض که در دست دارد و میتواند مطالبه کند بنده عرض میکنم اگر مقصود سند است فرستنده هم همان سند را از دوامادامی که بدست طرف نرسیده در ملکیت شخص فرستنده باقی است و تا وقتی که بصرف گیرنده در نیامده از ملکیت فرستنده خارج نمیشود همی تواند انواع تصرفات را در آن بکند میتواند بواسطه خود اداره پست تلگراف کند که این امانتی که باسم فلان فرستاده شده است بفلان بدهند این مسئله را باید ملاحظه کرد و در اینجا باید نوشته شود تا زمانی که بدست طرف نرسیده حق دارد تا اینکه مطابق با موازین شرعیه هم باشد

معاون - اگر اینطور باشد يك ترتیبی پیش میآید که بکلی اداره پست بی اعتبار می شود برای اینکه بمفرمائید هیچ وقتی سند بدست نگذاریم و حال اینکه ما قبض پست را يك چیز مهمی می شماریم و بازم عرض می کنم اداره پست که امانت مردم را میبرد وقتی که قبض اداره پست بآن شخص رسید آن قبض حکم يك براتی را دارد و اداره بهر چه نمی تواند قبض خود را رد کند و بگوید بتوسط دیگری رد شد بنده تصور میکنم که این ماده خیلی لازم است و اگر غیر از این باشد اداره پست دارای هیچ اعتباری نخواهد بود

رئیس - مانده چهاردهم قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

فصل چهاردهم - امتیاز انحصاری طبع و فروش نمبر پست و سایر علامات راجعه بحقوق پستی با اداره پست است

سردار معظم - اینکه مینویسد امتیاز انحصاری فروش نمبر منحصر باین اداره پست است بمقتدیه بنده این امر مختص بدولت است با اداره پست نیست منتها این است که بتوسط اداره پست اجرا میکنند و عقیده بنده اینست که این ماده باید اصلاح شود و بجای لفظ اداره پست دوست نوشته شود مطلب دیگری هم هست که آتم خالی از اشکال نیست و آن معاوضه و قبول کردن نمبر پستخانه است که باید در هر موقع بخواهند با نمبر های دیگر معاوضه کنند اداره پست معاوضه نماید بامر وقت پول آنرا بخواهند بدهد با وجود اینکه نمبر پست اختیار انحصارش با دولت است نمبر و باقیمت دیگر معاوضه نمیکند و در عوض پول نمیدهند و این مسئله بهر چه صحیح نیست بجهت اینکه این نمبرها در واقع سند دولت است و معتبر است و باید بستانه نمبرها را هم عوض پول قبول کند و هم با نمبر های دیگر مبادله کند لهذا برای این دو مسئله بنده پیشنهاد کرده و تقدیم نمودم

رئیس - آقای معاون در این باب اظهاری ندارید .

معاون وزارت پست و تلگراف - چرا پیشنهادشان خوانده شود بجهت نظریات خودم عرض میکنم (پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل چهاردهم - امتیاز انحصاری طبع و فروش نمبر پست و سایر علامات راجعه بحقوق پستی با دولت است بنابر این اداره پستخانه مکلف است بقبول کردن نمبر در عوض وجوه نقدی و معاوضه نمبر است .

معاون - اولاً در این موضوع که میفرمائید باید لفظ اداره پست برداشته شود و لفظ دولت نوشته شود اداره پست هم خود دولت است بجهت اینکه اداره پست یکی از ادارات و در تحت ریاست و وزارت يك وزیر مسئولی است اگر این طور باشد که ایشان میفرمایند پس باید در تمام مواد این قانون لفظ دولت نوشته شود مقصود اداره پست در این قانون همان دولت است اما در خصوص معاوضه نمبر نمیشود گفت صورت قانونی داشته باشد بخصوص در این منکات زیرا بعضی اوقات اداره پست مجبور میشود که نمی تواند نمبر را به نمبر دیگری تبدیل کند بجهت اینکه در این ملکات گاهی بعضی سرقشها میشود و نمبرها را میفروشد وقتی که نمبرها بسرقشترت اداره پست مجبور است برای پیدا کردن سارق و برای اینکه بعد از آن نمبر هادر کجا سرق شده و کجا رفته و چه حالی پیدا کرده مجبور است گاهی مبادله نمبر را موقوف کند در این صورت گمان میکنم این مسئله را تصدیق فرمائید و اشکالی نداشته باشد ولی البته در نظامنامه اداره این مسئله ذکر میشود و اداره پست نمبر بزرگ را به نمبر کوچک و همچنین با پول تبدیل میکنند و حکم پول را خواهد داشت

نمبر پست و سایر علامات راجعه بحقوق پستی با اداره پست است

سردار معظم - اینکه مینویسد امتیاز انحصاری فروش نمبر منحصر باین اداره پست است بمقتدیه بنده این امر مختص بدولت است با اداره پست نیست منتها این است که بتوسط اداره پست اجرا میکنند و عقیده بنده اینست که این ماده باید اصلاح شود و بجای لفظ اداره پست دوست نوشته شود مطلب دیگری هم هست که آتم خالی از اشکال نیست و آن معاوضه و قبول کردن نمبر پستخانه است که باید در هر موقع بخواهند با نمبر های دیگر معاوضه کنند اداره پست معاوضه نماید بامر وقت پول آنرا بخواهند بدهد با وجود اینکه نمبر پست اختیار انحصارش با دولت است نمبر و باقیمت دیگر معاوضه نمیکند و در عوض پول نمیدهند و این مسئله بهر چه صحیح نیست بجهت اینکه این نمبرها در واقع سند دولت است و معتبر است و باید بستانه نمبرها را هم عوض پول قبول کند و هم با نمبر های دیگر مبادله کند لهذا برای این دو مسئله بنده پیشنهاد کرده و تقدیم نمودم

رئیس - آقای معاون در این باب اظهاری ندارید .

معاون وزارت پست و تلگراف - چرا پیشنهادشان خوانده شود بجهت نظریات خودم عرض میکنم (پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل چهاردهم - امتیاز انحصاری طبع و فروش نمبر پست و سایر علامات راجعه بحقوق پستی با دولت است بنابر این اداره پستخانه مکلف است بقبول کردن نمبر در عوض وجوه نقدی و معاوضه نمبر است .

معاون - اولاً در این موضوع که میفرمائید باید لفظ اداره پست برداشته شود و لفظ دولت نوشته شود اداره پست هم خود دولت است بجهت اینکه اداره پست یکی از ادارات و در تحت ریاست و وزارت يك وزیر مسئولی است اگر این طور باشد که ایشان میفرمایند پس باید در تمام مواد این قانون لفظ دولت نوشته شود مقصود اداره پست در این قانون همان دولت است اما در خصوص معاوضه نمبر نمیشود گفت صورت قانونی داشته باشد بخصوص در این منکات زیرا بعضی اوقات اداره پست مجبور میشود که نمی تواند نمبر را به نمبر دیگری تبدیل کند بجهت اینکه در این ملکات گاهی بعضی سرقشها میشود و نمبرها را میفروشد وقتی که نمبرها بسرقشترت اداره پست مجبور است برای پیدا کردن سارق و برای اینکه بعد از آن نمبر هادر کجا سرق شده و کجا رفته و چه حالی پیدا کرده مجبور است گاهی مبادله نمبر را موقوف کند در این صورت گمان میکنم این مسئله را تصدیق فرمائید و اشکالی نداشته باشد ولی البته در نظامنامه اداره این مسئله ذکر میشود و اداره پست نمبر بزرگ را به نمبر کوچک و همچنین با پول تبدیل میکنند و حکم پول را خواهد داشت

چون اداره پست يك ترتیبی دارد و يك دفاتر و ثبت هائی دارد از روی همان دفاتر فوراً سارق را پیدا میکنند ولی چنانچه عرض کردم این مسئله در نظامنامه اداره مسلماً تصریح خواهد شد ولی نوشتن آن در قانون مستلزم این عیب خواهد بود اما در آن قسمتی که فرمودند اختیار طبع نمبر نباید با اداره پست باشد عرض میکنم اداره پست حالی هم که قانون نگذاشته است بدون حکم دولت و دستور العمل هیئت وزرا (کماند) نمیدهد و مسلم است هر

يك حقوقی است که منحصر بدولت است و آنمطلب را اگر دولت خواست ممکن است بتوسط اداره پست اجرا کند و اگر نخواست بتوسط اداره دیگری اجرا میکند ولی آن دلیلی که آوردند که اداره پست گاهی بواسطه سرقش نمی تواند نمبرها را بپذیرد و عرض میکنم باین واسطه و باین وسیله بهر چه از سرقش جلوگیری نمیشود وزیرا اگر يك کسی يك مقداری نمبر در این جا دزدیده باشد ممکن است در جاهای دیگر آنرا بفروش برساند اینمطلب هیچ محل اشکال نیست و از این منظر نمیشود از سرقش جلوگیری کرد ولی اگر دولت نمبر خودش را معتبر کند و منحصر بفروشد بکند و بگوید که این نمبر من در تمام ولایات و راج است طبعاً مکلف است که تمام وسائل اطمینان آن دوره کوچک را فراهم بکند مثلاً بنده يك نمبر پنج قرانی خریدم و امروز محل احتیاج من نیست باید حق داشته باشم که بروم با اداره پست بگویم که این نمبر پنج قرانی بگیرد چندان نمبر دیگر بدهد یا اگر فرضاً بنده قدری خریدم و حاضر دارم بعد از اینکه من او را با اداره پست پس داده باید پولی که از من گرفته است همان پول را بمن پس بدهد والا اگر غیر از این باشد نمبر معتبر نخواهد بود حالا اگر يك سرقش واقع شود باین جهت بکشوری بدولت متوجه شود ممکن است دولت نمبرهایش را عوض کند و از این امورات جلوگیری نماید ولی بجز این مسئله ممکن است که يك سرقش بشود دولت نمبر خودش را قبول نکند بظن بنده خیلی چیز غریبی است

معاون وزارت پست و تلگراف - گمان میکنم این فرمایشاتی که فرمودند بآن چیزهایی که بنده عرض کردم مخالف نبودند عرض نکردم نمبر منحصر بدولت نیست و عرض نکردم مبادله نمی شود نمبر دولت حکم پول را دارد و در بعضی اوقات عوض میشود با نمبر کوچک هم مبادله میشود عرض کردم در بعضی از مواقع اداره پست مجبور است موقتاً مبادله نمبر را موقوف کند اما اینکه میفرمائید اگر چنانچه اینطور اتفاق افتاد سرقشی شد خوب است دولت فوری نمبرش را عوض کند نمبرها را نمیشود آبی فوری عوض کرد مثلاً در يك نقطه پنجاه هزار تومان نمبر سرقش میشود درات فوری نمی تواند نمبر را عوض کند در آن صورت مجبور میشود حکم بدهد موقتاً نمبر را تبدیل نکنند و الا تبدیل نمبر بیول باین نمبر بزرگ به نمبر کوچک همیشه معمول است اما اینکه فرمودند بطور میتوانند از این راه سارق را پیدا کرد بنده عرض میکنم فوراً پیدا میکنند زیرا بعد از اینکه این حکم بطور موقت داده شد که نمبر را بیول تبدیل نکنند آنوقت شخص سارق مجبور است آن نمبرها را در روی پاکت استعمال کند .

چون اداره پست يك ترتیبی دارد و يك دفاتر و ثبت هائی دارد از روی همان دفاتر فوراً سارق را پیدا میکنند ولی چنانچه عرض کردم این مسئله در نظامنامه اداره مسلماً تصریح خواهد شد ولی نوشتن آن در قانون مستلزم این عیب خواهد بود اما در آن قسمتی که فرمودند اختیار طبع نمبر نباید با اداره پست باشد عرض میکنم اداره پست حالی هم که قانون نگذاشته است بدون حکم دولت و دستور العمل هیئت وزرا (کماند) نمیدهد و مسلم است هر

وقت تبر وارد شود با اجازه وزراء و حکم دولت خواهد بود و همیشه تمیز شکل و مقدار آن تمبری که لازم است بحکم دولت و اداره پست هرچوقت تا کنون بدون اجازه وزراء داخل این مطالب نشده است .

رئیس - گویا موقع رسیده باشد که در پیشنهاد رأی بگیریم .

مخبر - بفرستند بکمیسیون در آنجا ملاحظاتی شود .

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود . (باین مضمون قرائت شد)

فصل یازدهم - افتتاح کلیه اشپاتی که به پستخانه سیرده میشود با استثنای موقعی در فصل یازدهم تصریح شده و انکشاف مندرجات مراسلات بهر وسیله که باشد و اطلاع شخص ثالثی از مرابطات اشخاص بین یکدیگر قذف آید است .

رئیس - در این ماده مغالطی هست یا نیست ؟ (مغالطی نشود فصل شانزدهم بمضمون ذیل خوانده شد) (تفرقه و شرایط حمل و نقل)

فصل شانزدهم - حقوق پستی پاکت متعارفه که از زمان ارسال بپول پست آن ادا شود و از داخله مملکت بداخله مملکت ارسال گردد در صورتی که پیش از دو منزل وزن نداشته باشد شش شاهی است و برای هر منزل پاکت متعارفه شاهی بر آن افزوده میشود و پاکتهائی که از یک نقطه الی دو فرسخ اطراف فرستاده میشود که در آن محل پستخانه باشد اداره پست ممکن است تخفیف در حقوق پستی بدهد ولی حقوق پستی پاکت هائی که در یک محل تعویض و توزیع میشود حداکثر ۲ مثقال ۳ شاهی و حداقل ۲ مثقال یک شاهی است و موقوف بنظر اداره پست است .

رئیس - در فصل شانزدهم ایرادی هست یا نیست

مدرس - بنده لازم میدانم که این مطلب را تمیز بکنند و اینکه نوشته شده موقوف بنظر اداره پست است این یک چیزی است که در موارد مختلفه نظریات مختلفه میشود و اینها خوب است اگر صلاح بدانید قدرش را تمیز کنند والا پاکت اداره پستی اینجا هست که یک نظری دارد و یک اداره پست در یک شهر دیگری هست یک نظر دیگری میکنند و نقش با مال میشود خوب است اندازه اش را تمیز کنند تا در تمام مملکت بیک نحو نسق جاری شود

مخبر - بلی اینکه معین نشده است که در اینخصوص چه قدر حقوق باید گرفت و بنظر اداره پست واگذار شده و کمیسیون مقدار آنرا معین نکرده از همان نقطه نظر است که آقای مدرس فرمودند چون ممکن است در طهران ۳ شاهی و در سمنان یک شاهی بگیرند چرا پست این که پست شهری وقتی که دایر میشود مثلا طهران یک شهر خیلی بزرگی است و از برای پست شهری مصارف زیاد میشود و فراموش نباید نگاه داشتند باید به سکت سوار شوند که نوشنجات را بفرستند برسانند البته اینها مخارج گزافی از برای دولت تولید خواهد کرد باین جهت در شهر تهران فرضا سه شاهی گرفته میشود و اما در سمنان یک شاهی داشته باشد همان یک نفر

فراش سهولت بتواند تمام شهر نوشنجات را برساند و در اینجا مخارج زیادی باین کار تعلق نمیکرد در اینصورت اینجا را ممکن است یک شاهی قرارداد و از این جهت اینطور نوشته شده است

سرشار سعید - بنده عرض میکنم منظور آنست که در داخله مملکت یعنی جاهائی که فرسخ باشد تا ده فرسخ هم را مثالی ۳ شاهی بگیرند خوب است در داخله شهر ها هم یک مقدار معینی بنویسند و همان مقدار معمول باشد

منتصر السلطان - اینکه مذاکره میفرمایند که در تمام ولایات یک اندازه معین شود مشکل است

زیرا پست شهری در ولایات فرق میکند بجهت اینکه پست شهری که دایر میشود صندوقهائی تأسیس میشود که روزی دو سه نوبه فراش های پست باید پاکت ها را از جوف آنها بردارند و ببرد برسند در بعضی شهر ها مکاتبات شهری زیاد است و بعضی شهر ها هست که خیلی کم است پنجاه تا شصت تا بیشتر نمیشود آن شهرهائی که مکاتباتشان زیاد است تمبر زیادتر استعمال میشود دولت میتواند تمبر را اینجا را تخفیف بدهد مثلا پاکتهای تمبر بکشای به چسباند بجهت اینکه عمل کرد آنجا زیاد است عمل کرد که زیاد شد دولت میتواند تخفیف بدهد آنجا هم است استعمال تمبرش کمتر است یعنی مکاتبات شهری زیاد نیست برای دولت خرجش زیاد تر میشود زیرا آن مأموری که باید پاکت ها را برساند حقوق دارد و شاید پنج پاکت بیشتر نباشد باین طریق برای دولت مخارج تولید خواهد شد و آن مأمور حقوق مدت استخدام خودش را باید بگیرد باین جهت دولت برای جلوگیری ضرر و خسارتی که باو عاید میشود قیمت آنرا زیادتر میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند یعنی سه شاهی میکند و اگر فروش تمبر زیادتر شد دو شاهی میکند و اگر خلی زیاد تر شد یک شاهی معین مینماید و در واقع حد اقل و اکثرش برای او تصور شده این مثل مسئله پاکت ولایات نیست که در تمام نقاط شش شاهی باشد اینکار برای سهولت امور مردم است که اگر فرضا یک کسی بخواهد از اینجا آدم خودش را به شهر نو یا دروازه قزوین بفرستد و برای او اسباب زحمت باشد بگمانه پاکت پست شهری میدهد و با یکشاهی آن کافد و بآن محل میرساند بجهت این که خیلی مکاتبه میشود و اداره پست می تواند یک شاهی بگیرد و اما در فلان شهر که در روز پنج پاکت شهری داده نمیشود یک شاهی قرارداد زیرا دولت نباید از محل دیگری پول وصول کند و برای آنجا خرج کند و از بودجه محل دیگر بردارد و روی بودجه آنجا بگذارد

ارباب کیخسرو - بنده باینکه هم در مجلس سابق هم در این مجلس همیشه طرفدار این مطلب بودم که هر قانونی وضع می شود مواد مجازات آنهم بهای آن همان قانون باشد اما هیچوقت تصور نکرده ام که یک شخص مجازات داده شود که بی تقصیر است

آقای مخبر اینجا یک توضیح فریبی دادند فرمودند که اگر یک کسی پاکتی را بدون تمبر بدهد باید طرف مقابل دوبرابر بدهد که دیگر این اتفاق نیفتد اعم از اینکه در کافه فحش هم باو داده باشد بنده گمان میکنم اگر اینجا ذکر کند که هرگاه طرف مقابل پاکت را قبول کرده همان میزان معمول را بدهد و زیاد بر آن را روا نداریم بهتر است

معلل الدوله - اگر در تحت این عنوان که ذکر شد یعنی عنوان جرم یک شخص دیگری کافلی نوشته و بدون تمبر برود بخواهند محصل بر آن طرف مقابل بگذارند و بعنوان جرم دو مقابل از او بگیرند واقعا خیلی بد است که گناه را بکنند دیگری بکنند و دیگری جرم بدهد و حال آنکه اینجا مقصود این نیست مقصود اینست که اگر یک پاکتی را عمدا یا سهوا تمبر نزده باشد چنانچه غالبا اتفاق می افتد مثلا یک شخصی گمشته یک آقاائی است برای کار لازمی احتیاج دارد که کافلی برای آقای خودش بفرستد پول هم هیچ ندارد در اینصورت آن پاکت را میتواند بدون تمبر با اداره پست بدهد و پستخانه هم قبول میکند وقتی که آن کافد رسید آن شخص هم با کمال داغوشی آن وجه را میدهد برای اینکه یک خبری که برای او لازم بوده باو رسیده اما چرا دو مقابل قرار دادند برای همان نکته بود که آقای

محمد هاشم میرزا - اینطور که اینجا نوشته شده اگر پاکتی تمبر نداشته باشد و فراموش کرده باشد تمبر بزنده از طرف مقابل دوبرابر گرفته می شود علت اینکه دو مقابل گرفته می شود چه چیز است در حالی که باید حقوق معینه را از او بگیرد مثل اینکه فراموش نکرده بود علت این که دوبرابر باشد آنهم از طرف مقابل چه چیز است در مجلس سابق خاطر هست که اینطور قرار شد که طرف مقابل بتواند از قبول پاکت امتناع کند و پول ندهد خوب است توضیح بدهند تا بدانیم علت دو مقابل گرفتن چیست

عصر الملک - البته آقایان می دانند اگر دو برابر نوشته نشود آنوقت تمام نوشنجاتی که مردم به پستخانه می دهند بدون تمبر خواهد بود و این مسئله تولید اشکالی خواهد کرد بجهت این که اداره پست مجبور است برای حمل نوشنجات یک مبلغ مخارج بکنند و وقتی که این نوشنجات بدون تمبر رفت و بی یک معنی رسیده همانطور که در یک فصل ذکر شده است آن شخص گیرنده مخارج خواهد بود که پاکت را قبول کند یار کند در اینصورت اداره پست یک پاکتی را از یک جایی بجایی برده بدون اینکه یک دینار حقوق از طرف گرفته باشد و چون طرف مقابل در رد و قبول مختار است باین جهت در اینجا نوشته شد که اگر قبول کرد دوبرابر گرفته شود که بعدا نظائر آن اتفاق نیفتد و همه بدانند که اگر یک پاکتی را بدون تمبر بفرستند یک اسباب زحمتی برای طرف خواهد بود طرف هم احتمال دارد قبول نکند والا دو برابر نوشته نشود برای اداره پست یک هرج و مرجی فراهم خواهد کرد

سابق هم در این مجلس همیشه طرفدار این مطلب بودم که هر قانونی وضع می شود مواد مجازات آنهم بهای آن همان قانون باشد اما هیچوقت تصور نکرده ام که یک شخص مجازات داده شود که بی تقصیر است

آقای مخبر اینجا یک توضیح فریبی دادند فرمودند که اگر یک کسی پاکتی را بدون تمبر بدهد باید طرف مقابل دوبرابر بدهد که دیگر این اتفاق نیفتد اعم از اینکه در کافه فحش هم باو داده باشد بنده گمان میکنم اگر اینجا ذکر کند که هرگاه طرف مقابل پاکت را قبول کرده همان میزان معمول را بدهد و زیاد بر آن را روا نداریم بهتر است

مخبر فرمودند که اگر چنانچه یک برابر باشد آنوقت اینکار جریان پیدا میکند یعنی معمول و متداول میشود و همه کس پاکت خودش را بدون تمبر خواهد فرستاد و اسباب ضرر و اشکال خواهد شد و این دو مقابل هم ضرری ندارد و بجهت اینکه اختیار با طرف مقابل است که اگر بخواهد پاکت را قبول بکند یا نکند وقتی که قبول نکند اداره پست ناچار خواهد بود از داشتن دفتری برای آن پاکت هائی که قبول نکرده اند چون اداره پست وقتی که اینها را قبول میکند بدون تمبر نمیتواند بفرستد چنانکه در واقع تمبر یک تقبلی است برای پاکت هائی که از محل بمعنی دیگر می رود والا ممکن است تمبر هم نکند و بفرستد و این تمبر برای سهولت است که ملتفت شود که طرف مقابل اینرا گرفته است و وجهش را پرداخته یا خیر و این قانون فقط برای مواقع نادره ایست که یک کسی احتیاج پیدا میکند و در یک موقع سختی واقع میشود و پول ندارد و اداره پست پاکت او را قبول میکند این در واقع یک رعایتی است که مردم میکنند و این نکته را باید ملاحظه کنیم که اداره پست یکی از اداراتی است که برای سهولت امور مردم مملکت ایجاد شده است و این قوانینی که پیشنهاد کرده اند قوانین مالیاتی نیست و ما باید همیشه قانع باشیم که اداره پست مخارجش را بدهد و این پاکت ها که بر میگردد و طرف مقابل قبول نمیکند دوبرابر فراداده شد که تلافی آن ضررها را بکنند

اعزاز السلطنه - در این مطلب که در کمیسیون مذکور شد بنده مخالف بودم همیشه عرض میکنم که چه تفاوتی است که فرماندهان کشتی که تبعه خارجه هستند یک برابر بدهند و در داخله دوبرابر همانطور که فرماندهان کشتی یک برابر بدهند برای داخله هم باید همینطور قرار داده شود

منتصر السلطان - نمایندگان کمیسیون بودند در این مسئله ۳ نفر بکطرف بودند و سه نفر طرف دیگر بدین واسطه نتوانستیم اکثریت پیدا کنیم فرار شد که این ماده پیشنهاد دوز نوشته شود بعضی از همکاران بنده دلننگ شدند که در صورتی که اکثریت پیدا نشده است چرا مخبر دفاع میکند بنده مجبور عرض کنم که اداره پست باید در هر محلی که پست دارد بآنجا پاکت فرستاده میشود یک دفتر مخصوصی برای اینکار داشته باشد و پاکت بی تمبر را حفظ کند و پس از اینکه شخص اظهار کرد که این پاکت باسم شما آمده یا قبول نمیکند اگر قبول بکنند باید در آن دفتر ثبت شود و مجددا بآن محل که پاکت فرستاده شده عودت داده شود در واقع این دو نوبت گمراه می دهد یک دفعه در موقعی که فرستاده شده و یک دفعه در وقتی که صاحبش امتناع کرده و عودت داده اند اگر مادر اینجا دوبرابر نکنیم معمول میشود که هر کس پاکت خودش را در جیبی است میاندازد و تمام پاکت بدون تمبر حرکت خواهد کرد پس برای تنبیه مردم و جلوگیری از خسارت دولت از حیث دو مرتبه حمل و نقل کردن لازم است دوبرابر گرفته شود و اما اینکه ذکر شد که این پاکت چه تفاوتی دارد با پاکتی که از طرف فرماندهان کشتیها داده میشود معلوم است بجهت اینکه پاکتی که فلان فرمانده جهاز میدهد بفلان بندر

البته باید بقیمت معمولی شش شاهی بدهد چنانچه در مواد روز گذشته ذکر شد دولت میتواند موقتا یک قرار دادی با کشتیها به بندد و کشتیها اغلب پاکت شخصی دارند که میدهند با اداره پست و این هیچ فرقی با سایر پاکت ندارد و همان یک برابر گرفته میشود و این دوبرابر راجع به پاکتی است که بدون تمبر از یک شهری بشهر دیگر می رود و یک دفتر و اشخاص متعددی برای حمل و نقل آنها لازم است

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد چهار نفره پیشنهاد از آقایان ناصر الاسلام - محمد هاشم میرزا - عدل الملک و حاج فخر الممالک شده است پیشنهاد آقای ناصر الاسلام آقای محمد هاشم میرزا در واقع یکی است قرائت می شود و رأی میگیریم (پیشنهاد ناصر الاسلام بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که همان حقوق مقرر گرفته شود

ناصر الاسلام - این کلمه حقوق مقرر پیشنهاد شده است معنی اینکه اجرت پست متفاوت معین نشده باشد و در هر موقع برای پست یک اجرت معینی بدهند این توضیحاتی که آقایان موافقین راجع باین ماده دادند تمام دفاع بود از اشخاصی که دهنده پاکت هستند که بعد از این پاکتها را بدون تمبر بفرستند دو حالتی که جریمه را متوجه میکنند به گیرنده پاکت بنده تصور میکنم که این صریح نیست و باید بطوری نوشته شود و این دلائل هم اشخاصی که مخالفت دارند اسکاات نمیتوانند چرا باید جریمه بگیرند همان حقوق مقرر باید از او دریافت شود بجهت اینکه ممکن است طرف در محظور باشد گاهی ضرورت اجازه بدهد که آن پاکتی را که برای او فرستاده اند بگیرند پس باید فقط همان حقوق مقرر را کفایت شاهی است از او بگیرند مسئله امتناع هم در ماده دیگر معین است دیگر جزء کردن آن در این ماده لازم نیست

معاون - بنده گمان میکنم که اگر بخواهیم در این پیشنهاد مذاکره بکنیم و بگوئیم حقوق مقرره پستی را بدهند و تمبر هم نزنند دیگر معتدل نمیشویم که این ماده را بنویسیم اما خوب است به پیشنهاد برای چه این ماده در این قانون نوشته شده است البته هر کس در پستخانه یک برابر پول بدهد پاکت او به همه جا فرستاده میشود این مسئله برای اینست که اداره پست خواسته است یک سهولتی بجهت امور مردم فراهم کند که اگر کسی بخواهد پاکتی را بدون تمبر در صندوق پستی بیندازد اداره پست مکلف باشد که آن پاکت را بدون تمبر بمقتض برساند و یک قدری هم باید نظر کرد بآن ماده که می نویسد گیرنده پاکت حق دارد امتناع کند و وقتی که حق دارد امتناع کند دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند زیرا که او را مجبور نمیکند بگرفتن پاکت اول روی کافلی باو می نویسد که فلان پاکت از فلان شخص بدون تمبر رسیده مطابق فلان فصل قانون باید کرایه آنرا دو مقابل بدهد اگر خواست دو مقابل بدهد و اگر نخواست کسی او را مجبور نمیکند پس در واقع اداره پست این فصل را در اینجا برای سهولت کار مردم گذاشته است اگر میخواهند این سهولت در کار نباشد این ماده را بر می داریم و اداره پست هیچ پاکت را بی تمبر قبول نمیکند

ناصر الاسلام - همین طور که آقای معاون اظهار کردند اگر تقاضا کنند این ماده برداشته شود بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم

معاون - بنده تقاضای برداشتن این ماده را نمیکند عرض کرده ام اگر بخواهند این پیشنهاد را قبول کنند این ماده اصلا صورت خارجی نخواهد داشت

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - بمخوام توضیحی بدهم

رئیس - پیشنهاد شاهین پیشنهاد ناصر الاسلام است قرائت میشود خواهی دید (پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم (بجای دوبرابر حقوق) نوشته شود حق تمبر از گیرنده پاکت گرفته میشود

محمد هاشم میرزا - اجازه میدهم توضیح بدهم

رئیس - باید توضیح بدهید که این مدلول این پیشنهاد با مدلول آن پیشنهاد فرق دارد

محمد هاشم میرزا - بسیار خوب پس پیشنهاد خودم را پس میگیرم (پیشنهاد آقای حاج عز الممالک بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد در فصل ۱۷ - هر گاه پاکتی بدون ادای حقوق پست به پستخانه داده شود و طرف مقابل بخواهد قبول بنماید آنگاه

معاون - این مطلب در خود قانون هست منتها در دو ماده نوشته شده

رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول دارند

مخبر - بکمیسیون ارجاع فرمایند (پیشنهاد آقای عدل الملک بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فصل ۱۷ حقوق دوبرابر (حقوق معمولی) نوشته شود و گیرنده اختیار رد و قبول هر دو را داشته باشد

رئیس - قسمت اول که رد شد قسمت دوم را هم کمیسیون قبول دارد

(پیشنهاد آقای شیخ حبیب الله بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که مرسولات بدون تمبر و حقوق پستی را حمل نمایند

معاون - وقتی که یک اداره تقاضا میکنند که ارسال مرسولات بدهد او باید گمان میکنم مکلف باشد که مرسولات را حمل و نقل کند و خیلی تعجب میکنم از این مسئله که پیشنهاد کرده اند و گمان نمیکند تمام آقایان رأی بدهند بجهت اینکه اداره پست خودش قبول میکند پاکت یا مرسولات بدون تمبر را حمل کند و بنده خیلی لازم میدانم که اداره پست برای اصلاح امور مردم پاکت و مرسولات بی تمبر را قبول بکند و برای اینکه در محظورات نیفتد قرار داده اند در صورتیکه گیرنده قبول بکند حقوق آنرا دوبرابر بدهد و اگر قبول نکرد آنوقت دوباره عودت خواهد داد

آقا شیخ حبیب الله - اگر فرض حمل کردن است باید همان کرایه یک مقابل را بگیرد و اگر فرض جریمه گرفتن است لازم نیست حمل کند

ناصر الاسلام - اینکه بنده عرض کرده ام در

سورنیکه آقای معاون حذف این ماده را تقاضا میکنند بنده پیشنهاد خودم را پس میگرم نظرم باین بود که اداره پست میتواند یا کات بدون تمبر را قبول نکند و اینکه آقای معاون میفرمایند اداره پست مکلف است قبول کند (این تکلف است) - از کجا است - چطور میفرمایند اداره پست مکلف است بنده دو پاکت را بدون تمبر در صندوق دولتی میاندازم برحسب مقررات قانونی يك خلافی کرده‌ام شما دارید تروچ میگید يك خلافی را که شاید اغلب مردم آنرا تعقیب کنند این مسئله هیچ اساس و دلیل ندارد که بگوئیم اداره پست مکلف است که پاکتی را که حقوق آن پرداخته نشده است حمل کند و تقریباً میتوان گفت آن شخص که این کار را میکند يك حرکت زشت و بدی کرده است که بدون پرداخت حق مقرر پاکت خود را در صندوق پست انداخته و آنوقت اداره هم بگوید بحمل آن مکلفم و پس از آنکه يك جریمه از يك پیچازه که هیچ تقاضای نگاشته با آقای کاتب نکرده است و شاید میل زیارت آنرا هم ندارد گرفته شود این درواقع همان حکایت (گفته کرد در بلخ آهنگری) میشود پس باید اداره پست بکلی پاکت بی تمبر را قبول نکند تا دفع این معذور بشود و از آن بدبختی که به پیچ وجه گشاهی نکرده شش شاهی را سه عباسی بگیرند و اینکه میفرمایند اداره پست مجبور است برای این اجبار هیچ دلیلی نفرمودند بنده متعقدم هیچ مجبور نیست .

معاون - بنده يك توضیح دیگری دارم راجع به این امر و البته معلوم است که اداره پست با همه جملات و مکاتبات دارد متعذر بداخله خودش نیست امروزه از همه جای دنیا پاکت و مرسولاتی که فرستاده میشود بدون تمبر میگیرند حمل میکنند و اگر گیرنده خواست قبول کند در برابر اجرت دریافت میشود و اگر امتناع کرد و نخواست قبول کند دیگر حق اخذ کفایت از او ندارند همچنین اداره پست ایران هم مجبور است که این کار را بکند و الا معمول به است و پاکت و مرسولات بدون تمبر را قبول میکنند و چون مسئله امتناع در يك فصل دیگری نوشته شده است این فصل یک قدری پیچیده شده میگویند چه جهت دارد که من يك کاغذ می نویسم آن طرف مجبور باشد پول بدهد در صورتی که اینطور نیست عرض کردم بهیچوجه مجبور نیست او را مختار کرده‌اند هم حق دارد بگیرد و هم حق دارد نگیرد اداره پست برای سهولت مردم قبول میکند که پاکت مردم را بشیراز یا فلان جا بفرستند در صورتی که گیرنده نخواهد چه ضروری دارد

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد جنابعالی همین پیشنهاد آقای آقا شیخ حبیب الله است **سردار معظم** - بلی بنده عرض میکنم اصلاً کنجانبین این ماده در اینجا برخلاف این جهت است که برای اداره پست اتعاذ میشود پستخانه وقتیکه تأسیس میشود انحصار تمبر را بخودش میکند این انحصار برای چه است - برای این نیست که میگویید در مقابل حمل فلان حق را میگیرم و تمبر الصاق

میکند و بنده هیچ جهت نمیتوانم تصور کنم که پستخانه در مقابل این قرارداد اساسی خودش بدون يك جهت بخواند این قرارداد را نقض و نسخ کند و بگوید با وجود این قرارداد دولتی من کاغذ بدون تمبر قبول میکنم و از طرف مقابل جریمه میگیرم این چیز غریبی میشود من نمیدانم چه جیتی دارد که آقای معاون فقط همان مسئله را که (در همه جا معمول است) برای بنده مثل میآورند چه عیب دارد که در قانون داخلی خودمان اینطور قرار بدهیم و بگوئیم کلبه نوشنجات بدون تمبر قبول نمی شود بواسطه اینکه نوشنجاتی که برای داخله مملکت با خارجه حمل میشود هیچ فرقی نمیکند بجهت این که صاحب پاکت دقتی که ملتفت شد یا کتاره بدون تمبر قبول نخواهد شد معلوم است همچو پاکتی نخواهد داد آنقسم یا کتی که از خارجه داخل در ایران میشود شامل این قضیه نخواهد بود بجهت اینکه مطابق قرارداد رئیس پستخانه دولت ایران مکلف خواهد بود پاکتی که از طرف پستخانه دول دیگر می آید تمبر کند پس بنده تصور میکنم این ماده شامل حال آنجا نیست و بالاخره من نمیدانم چه نظری عدالتی یا اقتصادی در اداره پستخانه پیدا شده است که خودش را مکلف میداند نوشنجات بی تمبر را قبول نماید و از طرف مقابل دو برابر جریمه بگیرد بنده عقیده‌ام اینست که بهتر این است که این قسم پاکت و قبول نکنند و صاحبان مکاتب هم وقتی که دانستند پاکت آنها قبول نخواهد شد البته بدون تمبر نخواهد داد بلی در يك موافقی در باب کسر تمبر این مسئله نظیر پیدا میکند و طرف مقابل را مجبور میکند دو برابر کسر تمبر را بدهد اما این مسئله زبانی باین ندارد و در صورتی که هیچ تمبر را نداشته باشد لزوم ندارد قبول نماید

معاون - بنده دیگر جوابی عرض نمیکنم فقط يك توضیح میدهم که چرا اداره پست این مکاتب بدون تمبر را قبول میکند البته اداره پست هیچوقت کسی را مجبور نمی کند که پاکت خود را بدون تمبر بیاورد و همچنین اجزاء اداره پست پاکت بدون تمبر را که می آورند بدفتر پست تحویل دهند ممکن نیست قبول کنند و پاکتی که تمبر یا آنها الصاق شده است آنها را قبول میکنند اما برای سهولت امر چنانکه ملاحظه میفرمایند در تهران و جاهای دیگر صندوق پست دائر است و صاحبان پاکت میتوانند پاکت خود را مستقیماً در صندوق بیاندازند وقتی که اجزاء اداره آن صندوق را باز میکنند و می بینند بعضی از پاکت تمبر ندارد اداره پست برای صلاحیت در مابعت حال عموم خود را مکلف میداند که این پاکت بدون تمبر را بجائی که همین شده است حمل کند اگر طرف مقابل آن پاکت بدون تمبر را قبول کرد مجبور است دو مقابل پول تمبر را رد نماید اگر قبول نکرده اداره پست آن پاکت را بر میگردداند

رئیس - رای میگیرم در پیشنهاد آقای سردار معظم و آقا شیخ حبیب الله آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (هده) قلبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آصف الممالک را هم میگیرم قبول کرده

است ارجاع بکمیسیون میشود ماده هجدهم هم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) فصل ۱۸ - حقوق پستی کارت پستالهایی که از داخله بداخله مملکت ارسال میشود دو شاهی است و حقوق کارت پستالی که ورقه مخصوصی برای جواب بآن ملصق است چهارشاهی **رئیس** - در ماده هجدهم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست ماده نوزدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) فصل نوزدهم - حقوق پستی در مجلات متناوبه و کتب و اوراق صحافی شده و جلد دارایی جلد و اوراق اخطاریه اعلانات و صورت قبضه اشیاء کلبه مطبوعاتی که از داخله بداخله ارسال می شود بدون ملاحظه هده اوراقی که در تحت يك لفافی بسته شده است باستانی جرئت از قرار هر ده مقال یا کسر ده مقال دو شاهی است و وزن هر بسته هم نباید از چهارده مقال تجاوز نماید اجرت پستی جراندی که از داخله بداخله ارسال می شود اهم از يك نمره بسته نصف حقوق مذکور دو فول است **رئیس** - در این ماده مخالفی هست یا نیست (مخالفی نشد) فصل بیستم بمضمون ذیل قرائت شد (فصل بیستم - بجارید و کتب و کلبه مطبوعاتی کدر پاکت حرازی ارسال میشود حقوق هده در فصل نوزدهم این قانون تعلق میگردد ولی اختصاصی این قسم مرسولات بر این است که حقوق پستی آن از دوشاهی کمتر نمی شود کارت های وزینت که به ترتیب مذکور ارسال میشود بهرخصی نوشته شود معجل ابراد نیست بشرط اینکه هیچ ورقه چاپی باشی دیگر بهررهمی آن ارسال نشود

رئیس - در فصل بیستم ملاحظاتی هست **حاج شیخ اسدالله** - عرض بنده راجع بکارت وزینت است خوب است فارسی آن نوشته شود **رئیس** - عرض کردم در کمیسیون برای شورد دوم اصلاح میشود - فیراز این دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) فعلاً چند دقیقه تنفس داده میشود ولی خاطر آقایان را مسیوق میکنم که کمیسیون مالی باید متعقد شود و آن پیشنهاد راجع ببنع صدور مسکوکات را ملاحظه کنند در صورتی که هده امشب مذاکره شود (در این موقع عموم حضار برای تنفس خارج شده پس از يك ساعت مجدداً مجلس متعقد گردید)

رئیس - راجع پیشنهاد آقای سلیمان میرزا در باب صدور مسکوکات نقره و طلا امروز بنا بود قابل توجه بودش رای میگیرم ولی هیئت دولت موافقت کرده و گفته‌اند نظر دولت هم بانظر پیشنهاد کننده یکی است اینست که این پیشنهاد دیگر حال طرح قانونی را ندارد و حال لایحه قانونی را پیدا کرده دیگر محتاج به رای گرفتن نیست فقط اینجا مذاکره شود و اگر رای داده شد برای هیئت دولت فرستاده میشود

سردار معظم - فقط چیزی که هست کمیسیون قوانین مالی فوریت این لایحه را تقاضا میکنند که هده امین امروز مذاکره آن تمام شود و از تصویب مجلس بگذرد

رئیس - پس باید بفوریت آن بدو رای

بگیرم آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (هده) کتیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - رایورت کمیسیون قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده اول از تاریخ تصویب این قانون الی آخر برج اسد خارج کردن شش و مسکوکات نقره و طلا بطریق مال التجاره و کلی پستال از ایران ممنوع است ماده دوم - این قانون از طرف دولت بوسیله اداره گمرک پستخانه و سایر ادارات مربوطه بموقع اجرا گذارده خواهد شد

رئیس - مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی هست؟ **ناصر الاسلام** - بنده اجازه میخواستم که سؤالی بکنم چون بنده مسیوق شده‌ام که هیئت دولت در این پیشنهاد مصمم شده است و این قانون را علاوه بر اجرا گذاشته است و در اینخصوص تلکرافات بولات مخیاره کرده است و در صورت واقعیت آیا لازم است که این قانون را از مجلس بگذرانیم یا خیر

رئیس - قانون لازم دارد همین طور که میفرمایند هیئت دولت تصمیم بجاری آن کرده است ولی اگر قانون تصویب نشود ممکن است دولت بعد از بیست روز دیگر حکم خودش را نسخ کند ولی وقتی که قانون شد نمی تواند این را بکنند پس معلوم میشود در کلیات مخالفی نیست - رای میگیرم داخل مذاکره در مواد شویم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (هده) کتیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

رئیس - دو ماده اول مخالفی هست یا نیست

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم اگر این قانون را قدری هودیت بدهند بهتر است فقط متعسر بکلی پستال نباشد بطور کلی ممنوع باشد نقد بقیدی کند

سردار معظم مخیر - آقای حاج شیخ اسدالله باید مسیوق باشد که حمل نقره و طلا که بتوان مال التجاره حمل میشود جلو گیری میشود و الا اگر بطور مطلق بنویسیم آنوقت لازمه اش اینست که اگر بنده مسافر هستم پنجاه تومان پول نقره و طلا برای خرجی خودم همراه داشته باشم دولت مانع شود فقط دولت صدور نقره و طلا را بعنوان مال التجاره فسخ میکند و الا برای مصارف راه و خرج مسافرت نمیشود مخالفت کرد

ارباب کبخسرو - بنده اینجا توضیح میخواستم که بهیچ علتی مترا تا آخر برج اسد فراداده‌اند و مدت دیگری معین نکرده‌اند

مخیر - خوب است نظر خودشان را بفرمایند تا معلوم شود نظر خودشان چیست بعد بنده جواب عرض کنم و الا اگر مدت دیگر هم معین میشد ممکن بود همین سؤال را بفرمایند

میرزا قاسمخان - عرض میکنم اینطور که آقای مخیر فرمودند که نظر کمیسیون و نظر دولت این بوده است که مسکوک طلا و نقره از مملکت بطور مال التجاره خارج نشود این مدتی که معین هده

است (یعنی تا آخر برج اسد) موقتی است یعنی تقریباً تا زمانی است که مجلس قانون (مورا توریم) را راجع باسکناسهای بانک شاهنشاهی تصویب کرده است بنده عقیده‌ام اینست نوشته شود ناوقتئ که دولت مقتضی میدانند بهتر است

مخیر - برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم که اول آن قانون مرآتوریم نبود و يك استهالی شده بود و دو ماه وقت داده شد که بتوانند اضافه بر آن مبلغ پول تهیه نمایند پس مرآتوریم نیست و قانون مرآتوریم يك حدود دیگری دارد که در اینجا اجرا نشده است و اما اینکه می فرمایند از حیث مدت موافق با آن قانون است این طور نیست آن قانون برای مدت دو ماه اجازه داده شده است و برای این قانون تقریباً سه ماه و دهر روز پس از حیث مدت تقریباً دو مقابل آن مدت معین شده اما اینکه چرا مدت را محدود کرده اند تصدیق خواهند فرمود که نقره و طلا مانند يك مال التجاره است که دائماً نمی توان صدور آنرا ممانعت کرد فقط در اینموقع يك مقتضیات خصوصی در کار بوده است که گذراندن این قانون لازم و بواسطه اوضاع هموم دنیا و اوضاع خصوصی این مملکت امروز این قانون برای این مدت تصویب میشود ولی بعد از انقضای این مدت شاید اوضاع يك طوری باشد که لازم باشد خارج کردن طلا و نقره را از مملکت ممنوع کرد پس این قانون لازم است و اگر صلاح بدانند دوباره تجدید خواهد کرد پس از این نقطه نظر محتاج هستیم که همین مدتی که معین شده است قبول کنیم و البته بهتر است که محدود بیک مدتی باشد و مدت بیشتر از اینهم بعقیده بنده خوب نیست

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالف هستید **سلطان العلماء** - عقیده بنده را آقای سردار معظم در باب مسافرتین اظهار فرمودند بنده هم نظرم راجع به مسافرتین بود

ارباب کبخسرو - بنده پیشنهادی کرده‌ام که مدت این قانون تا آخر جنک اروپا نوشته شود بجهت اینکه قبل از آنکه جنک تمام شود باب تجارت مسدود است و این واسطه اینطور پیشنهاد کرده‌ام و پیشنهاد خود را تقدیم مینمایم

سلیمان میرزا - نظری که آقای ارباب دارند هیچ تفاوت نمیکند بعد از اینست اگر لازم شود مقتضیات تمدید مدت باز موجود است و فعلاً تا یک مدت معینی باشد بهتر است شاید تا يك هفته دیگر جنک اروپا تمام شد آنوقت آن مسحوظورات و مقتضیات مملکتی هنوز بر طرف نشده که ما اجازه بدهیم نقره و طلا از مملکت ما خارج شود پس بنا بر این تا آخر برج اسد که معین شد لازم بوده است نظر آقای ارباب کبخسرو این است که شاید جنک بیشتر از این طول بکشد اگر اینطور هم باشد وقتی که آخر برج اسد رسید مثل آن قانونی که برای کمیسیون تطبیق حوالجات معین شده و بعد تمدیدش را هیئت دولت از مجلس تقاضا کرد تمدید مدت این قانون را هم از مجلس میخواستند و مجلس رای میدهمد

رئیس - حالا اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند پیشنهاد قرائت می شود در مقابل توجه بودن آن رای میگیرم اگر قابل توجه شد بکمیسیون ارجاع میشود

(پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم مدت ماده اول تا آخر جنک اروپا مقرر شود

رئیس - آقای ارباب کبخسرو توضیحی دارید **ارباب کبخسرو** - بلی بنده در این پیشنهاد بعضی ملاحظات دارم که میخواهم نمیتوانم توضیح بدهم راجع به مدت که میفرمایند مثل آن قانون تطبیق حوالجات موقع درست است نسبت با آن مطلب يك قانونی وضع نشده است که اگر کسانی که باید انتخاب بکنند وجود نداشته باشد چه باید بشود ولی نسبت باین بنده هیچ ضروری نمی بینم که مدت را اینچامین کنند اگر زودتر اصلاح شد و در اینموقع صلاح دانستند این قانون را نسخ میکنند بنده تصور میکنم اینطور بهتر باشد

مخیر - بنده مجبور هستم که بگویم این طور نیست محدود کردن قانون يك حد غیر معینی از نقطه نظر قانونگذاری صحیح نیست و ممکن است بعدو نظر تصور کردی بعد از جنک اروپا باز مقتضیات داخلی مملکت ما طوری باشد که لازم شود از خروج طلا و نقره جلو گیری کنیم از طرف دیگر ممکن است برعکس ترتیبی فراهم شود با بودن جنک اروپا لازم بدانیم وارد کردن نقره را جلو گیری نمایم چنانکه اطلاع داریم يك مقدار نقره هم که فعلاً کافی نیست به بعضی از نقاط رسیده است و شاید باز هم برسد و قدری زیاد شود که دیگر محتاج نباشیم و مجبور بشویم از يك کاریکه برای ما منفعت دارد جلو گیری کنیم زیرا که وارد کردن نقره يك تجارت پامنتفی است و شاید در آن حال هم طوری باشد که ما مجبور بشویم جلو گیری بکنیم و مخالفت نمایم پس در اینصورت بعقیده بنده بهتر اینست که مدت این قانون تا آخر برج اسد محدود بشود در هر صورت هم دولت و هم مجلس که حالا در اینجنال هستند باز هم اگر لازم بدانند مدت را تمدید خواهند نمود

رئیس - رای میگیرم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای ارباب کبخسرو آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (هده) قلبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد حالا رای میگیرم در ماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (هده) کتیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود (مجدداً بمضمون سابق الذکر قرائت شد)

رئیس - در ماده دوم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میگیرم بماده دوم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (هده) کتیری قیام نمودند

رئیس تصویب شد در کلیات این قانون مخالفی هست **مقتضی السلطان** - این قانون چون مجازاتی برایش معین نشده است از آقای مخیر سؤال میکنم اگر قاجانی در ضمن مال التجاره اتفاق افتاد آیا بهی قسم رفتار خواهد کرد اگر پست و گمرک آن قاجان را کشف کرد و گرفت مجازات او چه چیز است نظامنامه دولت در این باب بنویسد که از این کار جلو گیری کند

مخیر - مسئله واضح است مادامیکه يك مال التجاره یا هر چیزیکه خارج شدنش ممنوع است بطور قاجان خواسته خارج کنند يك مجازاتی دارد و این مسئله هم مجازاتش با اشیاء دیگری که معین شده است هیچ

فرقی ندارد هر کاری بادیگران میکنند یا این قاجار هم میکنند و هر طور آنها را چه میکنند مجازات میدهند با آنها هم همان معامله را خواهند کرد

رئیس - در کلیات مخالفی نیست آقایانیکه کابین لایحه را کلیتاً تصویب میکنند قیام نمایند (همه کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چون وقت دیر است اگر مخالفی نباشد جلسه را میگذاریم برای فردا سه به قریب مانده مخالفی نیست (گفته شد خیر) دستور آن هم شور در بقیه قانون پستی و راپورت شعبه راجع بانتخاب هم خواهد شد ولی آنروز در اینجا مذاکره شده که بایستی اینکار معلوم شود یعنی در یک کمیسیون رسیدگی بشود یا خودش از قراری که معلوم بشود بایستی راپورت شعبه به مجلس بیاید و در اینجا رای گرفته شود چون آن شخص که استعفا کرده است در واقع يك رقیبی دارد و میگوید اکثریت با من بوده است و وکیل من هستم این مسئله باید حل شود و معلوم شود وکیل کی بوده است و اگر رد شود آنوقت همان ناظمالتجاری که ادعای وکالت دارد او وکیل است و اگر رد نشود و قبول شود و آنوقت باید تجدید انتخاب شود در این باب کسی مخالفی دارد

ناصر الاسلام - نظر دارم که آن روز که فرمودید که این مسئله باید يك کمیسیون کیصلاحیت داشته باشد رجوع شود و در این موضوع رسیدگی نماید و نظریات خود را حاضر کند آن وقت اگر مقتضی شد در مجلس مطرح مذاکره شود و بنده معتقدم که به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس که صلاحیتش بیشتر از هر کمیسیون است ارجاع شود **رئیس** - آن وقتی که این مذاکرات شد مسئله ناظمالتجاری در میان نبود بعلاوه يك سابقه دیگری داشت که راجع بوکیل دماوند بود چون او استعفا کرد و دیگر این جا رسیدگی نشد ولی شخص شاکی در کار نبود که بگوید من وکیل هستم و او وکیل نیست و حالا اینجا يك همچو ترتیبی پیش آمده است اگر این امر را بکمیسیون رجوع کنیم و عقیده اش این شد که نباید این کار رسیدگی شود آنوقت یا ناظمالتجاری ادعا میکند من وکیل هستم چه خواهند کرد

سردار سهیل بنده اجازه دارم از طرف شعبه عرض بکنم

رئیس - حالا این مسئله باید تمام بشود بعد که این مسئله معلوم شد اگر از طرف شعبه فرمایشی دارید بفرمایید آقای معتمد هم میرزا پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در باب انتخاب هم و شکایات ناظمالتجاری در کمیسیون نظام نامه داخلی با حضور بنده تجدید نظر شود و تا راپورت این مطلب از مجلس شورای ملی نگذرد در هم تجدید انتخاب نشود

رئیس - چه چیز تجدید نظر شود

محمد هاشم میرزا - اینکه عرض کردم تجدید نظر شود تصویب کردم که در باب انتخاب هم در کمیسیون نظامنامه داخلی تجدید نظر بشود و تجدید نظر در صورتی میشود که کمیسیون رسیدگی کرده باشد و بنده عقیده ام این بود که از وظیفه شعبه خارج است و عقیده ام اینست که يك مجلسی برای

این مسئله لازم است و محل آنهم بهتر این است کمیسیون نظام نامه داخلی باشد این کار رسیدگی بکند و به بیند این شخص وکیل است یا ناظمالتجاری زیرا يك کمیسیون مربوطی که تشکیل نشده که این مسئله را با آنجا رجوع کند بنابر این تقاضا کردم که بکمیسیون نظام نامه داخلی رجوع شود و بنده اشکالاتی دارم با آنجا رجوع میکنم اگر رقم اشکالات من نشد آنوقت راپورتش به مجلس میآید اگر رد شد یا قبول آنوقت تکلیفش معلوم میشود و از قراری که امروز در روزنامه ها نوشته شده بود تلگراف به هم کرده اند بجای حاج اعتبار السلطنه وکیل انتخاب کنند و حال آنکه این مطلب هنوز مختصراً قیه است و حل نشده است عقیده بنده اگر این کار نشود باز اسباب اشکال فراهم خواهد شد همین طور سکه رقیب او شاکی است آن وقت يك شکایت دیگری پیدا خواهد شد و هنوز رفع يك شکایت نشده يك شکایت دیگر پیدا می شود و آن وقت باید هر دو مسئله حل شود بنابر این بنده تصور میکنم این مسئله اول حل شود بهتر است

رئیس - اینجا دو مطلب است مسئله اول باید حل شود بعد در مسئله ثانی مذاکره کنیم مسئله متنازع فیها این است که این کار باید تعقیب شود یا نه یعنی راپورتی که از شعبه در باب وکالت حاج اعتبار السلطنه داده شده بود باید به مجلس بیاید و در آنخصوص رای بگیریم یا خیر

اول - این مسئله باید حل شود و بعد برویم به مطلب ثانی چون بعضی عقیده شان این است که راپورت شعبه باید به مجلس بیاید و رای بگیریم

محمد هاشم میرزا - عرض بنده این است که راپورت مجدداً در کمیسیون نظامنامه داخلی رسیدگی شود بعد باید به مجلس و رای گرفته شود

رئیس - پیشنهادی آقای ناصر الاسلام کرده اند (قرائت میشود)

بنده پیشنهاد میکنم که این مسئله ارجاع به کمیسیون نظامنامه داخلی مجلس بشود که پس از مطالعه راپورت های راجع بانتخاب هم عقیده خودشان را به مجلس اظهار نمایند

رئیس - بنظر بنده در هیچکدام از این پیشنهادها نمیشود رای گرفت اینست که بنده خودم مسئله را طرح میکنم يك عقیده اینست که راپورت شعبه باید به مجلس رای بگیریم يك عقیده دیگر آن است که يك کمیسیون رجوع شود و این مسئله با نظامنامه موافق نیست و مخالف است در این صورت حق اینست که این مسئله بیک کمیسیون ارجاع شود که در آن کمیسیون به بینند این مسئله مخالف نظامنامه هست یا نیست آقایانی که تصویب میکنند این مسئله رجوع بشود بعد از آنکه راپورت کمیسیون به مجلس آمد قرار این کار را بگذارند آقایانی که با این ترتیب معتقدند قیام بفرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد و ۲۴ نفر از آقایان رای دادند بکمیسیون رجوع شود کمیسیون هم اگر مخالفی نباشد کمیسیون نظامنامه داخلی باشد (گفته شد صحیح است)

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه

۲۴ شهریور جمادی الثانی ۱۳۲۷

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست شاهرزاده سلیمان میرزا نائب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز قبل قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسماعیل - آقا سید فاضل

غائبین با اجازه - آقایان حاج میرزا فضلعلی آقا دکتر لقمان

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست (اظهاری نشد) چون نظریاتی نیست صورت مجلس تصویب شد شروع میکنم بقانون پستی از فصل بیست و یکم

(فقره اول از فصل (۲۱) بعضیون ذیل قرائت شد)

فصل بیست و یکم - حقوق مخصوصه معینه در فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد

اولاً - مطبوعات که قائم مقام وجوه نقدیه باشد

نایب رئیس - در قسمت اول نظریاتی هست

ارباب کبخی - در اینجا نوشته شده حقوق مخصوصه در فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد که با مقصود از این عبارت این باشد که در این چند فقره که در ذیل این ماده نوشته شده همان حقوق معمولی است در ریافت میشود ولی این عبارت فوق که می نویسد تعلق نمیگیرد این مطلب را نبرساند و مفهوم نمیشود که چیز تعلق نمیگیرد

مخبر - این ماده کاملاً واضح نوشته شده و مقصود این است که اگر مطبوعات باشد ولی مطبوعاتی باشد که قائم مقام و در حکم وجوه نقدیه و یا مضامین آنها طوری باشد که حکم مراسلات شخصی را داشته باشد البته در حکم پاکت خواهد بود و خود ماده باین مطلب تصریح دارد

سردار سهیل - اینکه آقای مخبر بفرمایند تصریح دارد بنده عرض میکنم تصریح ندارد زیرا که همیشه می نویسد حقوق فصل (۱۹) بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد و همین نیستند کدام حقوق بآنها تعلق میگیرد و حقوقی که تعلق میگیرد چیست

مخبر - از برای مراسلات و مطبوعات دو قسم حقوق بیشتر قابل تشدید يك حقوق مخفیه و يك حقوق معمولی مخفیه مختص بمطبوعات و اوراقی است که در فصل نوزدهم ذکر شده و حقوق معمولی حقوق مراسلات و نوشته ها است در اینجا مقصود این است که حقوق مخفیه بقدرات ذیل تعلق نمیگیرد بلکه حقوق معمولی بآنها تعلق خواهد گرفت

ارباب کبخی - در اصل مطلب کسی مخالفت ندارد مخالفت در عبارت است بنده گمان میکنم قانون را باید بطوری نوشت که در بیان مقصود صریح باشد نه اینکه هر قسمتی که میخواهند تأویل بردارند اینجا می نویسد تعلق نمیگیرد باید واضح و معلوم باشد که چه چیز تعلق نمیگیرد که آن حقوق تعلق نمیگیرد بنده هیچ ضروری نمی بینم که در این باب مراجعه و دقتی بشود و بر آن عبارتی بیفزایند که صریح در مقصود باشد دیگر اشکالی ندارد

نایب رئیس - در صورتی که اصلاح عبارتی باشد ممکن است ارجاع شود بکمیسیون و در اینجا تصحیح شود

(فقره دوم بعضیون ذیل قرائت شد)

ثانیاً - مطبوعاتی که مضامین آن حکم مراسلات را داشته باشد و برای گیرنده يك قسم اختصاص را داشته باشد

نایب رئیس - در قسمت دوم نظریاتی نیست

(اظهاری نشد و فقره سیم بعضیون ذیل قرائت شد)

ثالثاً - مطبوعاتی که دارای بعضی علامت هستند که بتوسط آنها در شخص مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند

نایب رئیس - در قسمت سوم نظریاتی نیست

محمد هاشم میرزا - خوب است این مطلب را توضیح بدهند که بعد ها اسباب اشکال نشود و بفرمایند مقصود از این مطبوعاتی که دارای بعضی علامات هستند که بتوسط آنها مقاصد شخصی بطرف مقابل معلوم میشود چه چیز است

مخبر - عرض میکنم بعضی اوراق چاپی هست که بطور متحد المال می نویسند و راجع بمقاصد شخصی است آن ها را اداره پست مجبور است در حکم مراسلات محسوب بدارد و بعضی مراسلات است که بطور رمز در جرائد چاپ میکنند و طرف مقابل مطالب را متلف میشود مقصود این است که از این قسم مطبوعات حقوق معموله دریافت میشود

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء مخالف هستند

سلطان العلماء - این ماده خالی از اشکال بنظر نمیآید زیرا که قالب مطالب جرائد شخصی است خوب است از این ماده صرف نظر نمایند

حاج شیخ یوسف - بنده عرض میکنم که این فقره دوم و سوم یک چیزی است که بنده برای هیچکدام مصادیقی تشخیص نمیدهم

ارباب کبخی - بنده همان اشکالی که داشتم در اینجا هم دارم و در این فقره می نویسد مطبوعاتی که دارای بعضی علامت هستند و دو شخص معین بتوسط آن مقاصد شخصی خود را بیکدیگر اظهار مینمایند آقای مخبر راجع باین فقره فرمودند که بعضی مطبوعات است که بطور رمز نوشته میشود بنده تا بحال ندیده ام و سراغ ندارم که چه قسم میشود بعلامت رمزی دو شخص مقاصد خود را بیکدیگر بفرمایند خوب است توضیح بدهند به بینم چه قسم می شود که دو نفر مطالب خود را بر رمز بیکدیگر مینمایند

مخبر - عرض کردم که بسیاری از مراسلات هست که انسان مجبور است آنها را برای بعضی اشخاص بفرستد و راجع بشخص خودش است مثلاً بکنفر میخواند برای ۵۰ نفر اینگونه نوشته ها شخص را که تمام يك مضمون است بتوسط پست بفرستد البته در اینصورت اداره پست نباید حقوق تجار و از او دریافت دارد حقوق معمولی از او گرفته می شود

محمد هاشم میرزا - این توضیحی که آقای مخبر فرمودند راجع بقسمت دوم بود در

قسمت سیم توضیح دادند که دو نفری که يك مطلبی را بطور رمز چاپ میکنند و برای بیکدیگر مینویسند بنده عرض میکنم اگر رمز در غیر از مطبوعات است باید توضیح بدهند و اگر در مطبوعات است تشخیص دهنده رمز کجاست معلوم نیست که موضوع اینگونه مطبوعات چیست و مشخص رمز کجاست و در پستخانه چگونه مینویسند که رمز است اگر ما برای این مطلب تکلیفش معین نکنیم بعدها باعث تولید اشکال خواهد شد و ممکن است هر ورقه را که بدارد پست بدهیم بگویند رمز است پس خوب است معین بشود که نوشته ها رمز می باشد چه چیز است

معاون وزارت پست و تلگراف - در این فصل این سه جمله که نوشته شده است تمام مقصودش خوب واضح است در اینجا میگوید چون در حقوق پستی مطبوعات تخفیف قیمت داده شده است و ممکن است بعضی مطبوعات دارای مطالب شخصی باشد از این جهت اینگونه مطبوعات را نمیشود در حکم سایر مطبوعات دانست و راجع باین فقره اخیر که بفرمایند بطور رمز میشود بطور رمز باشد عرض میکنم اولاً اگر در نظر آقایان باشد بموجب قانون تلگرافی که سابق نوشته شده رمز متنوع است اما اینجا که رمز گفته میشود مقصود این است که يك شخص اگر بخواهد بتوسط مطبوعات مقصود خودش را بشخص دیگر برساند و مثل مطبوعات آنرا بنصف قیمت با پست بفرستد ممکن نیست و باید حقوق معموله مراسلات را بدهد و مسلم است این مطلب در صورتی است که اداره پست بتواند مدلل بدارد نه اینکه فقط محض قول بگویند این مطلب مشخص است حالا فرضاً اگر يك همچو اتفاقی بیفتد (و انشاء الله هیچوقت اتفاق نمی افتد) و خیلی هم نادرست است ولی چون قانون باید دارای تمام مطالب باشد اینست که اینجا قید شده اگر چه اینها يك همچو اتفاقی بیفتد در مطبوعات مطالب شخصی درج شود اینگونه مطبوعات در حکم مراسلات است و باید حقوق مراسلاتی بآن تعلق بگیرد نه حقوق مطبوعات که نصف قیمت باشد

مقید الاسلام - بنده عرض میکنم این توضیح که راجع باین عبارت نیست و این عبارت این مقصود را نمیرساند زیرا که در این فقره مقصود مراد مطبوعات

مشخص است کافی نیست و این عبارت این مقصود را نمیرساند زیرا که در این فقره مقصود مراد مطبوعات (مطبوعاتی که دارای بعضی علامت هستند که بتوسط مقاصد شخصی خود را بفرستد) پس خوب است بتوسیع مطبوعاتی که راجع بمقاصد شخصی است

سردار معتمد - عقیده بنده این است که باید از يك نقطه نظر دیگر بمطلب نگاه کرد و در موادی که قبلاً گذشت برای مطبوعاتی عام المنفعه بود تخفیفی را قابل شدند و در اینجا میخواهد مستثنیات مطبوعات را برساند و می نویسد یکی مطبوعاتی که در حکم وجوه نقدیه است که فقره اول بود بنده مطبوعاتی را که حکم مطالب شخصی را دارا است که فقره دوم بود و فقره سیم میگوید مطبوعات وقتی که دارای علامت مخصوص باشند که ممکن باشد از روی آن طرفین مقصودشان را بیکدیگر بفرمایند در جزو مراسلات شخصی محسوب میشود و اگر در قانون این فقره قید و تصریح نشود ممکن است که بعدها اسباب زحمت اداره پستخانه بشود چون ممکن است يك عده و هیئتی باشند که در تمام مملکت متفرق

مستقرند و در این صورت آیا پستخانه صلاحیت دارد مطبوعاتی را که در آنها مطالب شخصی باشد و بوسیله آن دو نفر مقاصدشان را بیکدیگر میفرمایند تشخیص بدهد در این صورت آیا بجهت تشخیص خواهد داد حرف در تشخیص دادن است چون موقع مملکت همیشه موقع حاضر نیست ممکن است اداره پست در بعضی مواقع نظر بیارند بهانه جوئی ها يك کلماتی که هیچ نمی توان آنها را جزو مطالب شخصی قرارداد از آن قبیل مطبوعات جلوگیری کند و به عقیده بنده برای توضیح این مطلب اگر مخبر صلاح بدانند جزئیات رجوع بکمیسیون بشود و کمیسیون يك نظریاتی دیگر در این خصوص نموده توضیحات بدهند که اسباب اشکال نشود و گمان می کنم اگر مخبر این تقاضا را بکنند ضرر ندارد

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی است (فصل ۲۲ بعضیون ذیل قرائت شد)

فصل (۲۲) حقوق پستی مستورجات تجارانی که در زمان تعویل حقوقش پرداخته نشود و میده و مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثال یا کسر دهم متقال دوشاهی است ولی وزن مستورجات از (۷۰) متقال نباید زیادتز باشد

نایب رئیس - در این فصل که خوانده شد نظریاتی هست - (مخالفتی نشد و فصل ۲۳ بعضیون ذیل قرائت شد)

فصل بیست و سوم - حقوق معینه در فصل سابق بمستورجاتی تعلق می گیرد که دارای قیمت تجارانی نباشند ، روی خود مستوره یا نوار و لاف آن چیز دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده اسم فروشنده علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر نامره - قیمت و اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و مقدار مال التجاره که تقدماً در آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه بمیده و جنس مال التجاره

سردار معتمد - بنده میخواستم بپرسم اگر علاوه بر اسم فروشنده آدرس فروشنده را بنویسند اداره پست قبول نخواهد کرد

مخبر - در اینجا مخصوصاً عنوان گیرنده و اسم فروشنده هر دو نوشته شده و اسم فروشنده با آدرس او فرقی ندارد

سردار معتمد - بنده گمان میکنم اگر درست دقت بفرمایند اسم با آدرس يك قدری فرق دارد

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است در کمیسیون اصلاح خواهد شد دیگر نظریاتی نیست

هستند و يك علامتی داشته باشند که بواسطه مبادله آن علامت در اوراق اعضاء مطالب خودشان را بیکدیگر بفرمایند در این صورت بداره پستخانه حق داده شده است که بتواند بگوید این اوراق مطبوعاتی است که در حکم مراسلات شخصی است و اگر این عبارت ذکر نشود ممکن است که دهنده آن اوراق بگوید اشتباه کرده اید این خطوط يك نقوش است و بهیچ وجه جزو مطبوعات شخصی نیست در حالی که حقیقه این گونه مطبوعات در حکم مراسلات شخصی است و برای تصریح باین مسئله این مطلب در این جا بعنوان فقره سوم ذکر شده است و هیچ اشکالی هم ندارد

ناصر الاسلام - اینجا دو نظر است يك مرتبه به بینم آیا پستخانه صلاحیت دارد مطبوعاتی را که در آنها مطالب شخصی باشد و بوسیله آن دو نفر مقاصدشان را بیکدیگر میفرمایند تشخیص بدهد در این صورت آیا بجهت تشخیص خواهد داد حرف در تشخیص دادن است چون موقع مملکت همیشه موقع حاضر نیست ممکن است اداره پست در بعضی مواقع نظر بیارند بهانه جوئی ها يك کلماتی که هیچ نمی توان آنها را جزو مطالب شخصی قرارداد از آن قبیل مطبوعات جلوگیری کند و به عقیده بنده برای توضیح این مطلب اگر مخبر صلاح بدانند جزئیات رجوع بکمیسیون بشود و کمیسیون يك نظریاتی دیگر در این خصوص نموده توضیحات بدهند که اسباب اشکال نشود و گمان می کنم اگر مخبر این تقاضا را بکنند ضرر ندارد

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی است (فصل ۲۲ بعضیون ذیل قرائت شد)

فصل (۲۲) حقوق پستی مستورجات تجارانی که در زمان تعویل حقوقش پرداخته نشود و میده و مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثال یا کسر دهم متقال دوشاهی است ولی وزن مستورجات از (۷۰) متقال نباید زیادتز باشد

نایب رئیس - در این فصل که خوانده شد نظریاتی هست - (مخالفتی نشد و فصل ۲۳ بعضیون ذیل قرائت شد)

فصل بیست و سوم - حقوق معینه در فصل سابق بمستورجاتی تعلق می گیرد که دارای قیمت تجارانی نباشند ، روی خود مستوره یا نوار و لاف آن چیز دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده اسم فروشنده علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر نامره - قیمت و اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و مقدار مال التجاره که تقدماً در آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه بمیده و جنس مال التجاره

سردار معتمد - بنده میخواستم بپرسم اگر علاوه بر اسم فروشنده آدرس فروشنده را بنویسند اداره پست قبول نخواهد کرد

مخبر - در اینجا مخصوصاً عنوان گیرنده و اسم فروشنده هر دو نوشته شده و اسم فروشنده با آدرس او فرقی ندارد

سردار معتمد - بنده گمان میکنم اگر درست دقت بفرمایند اسم با آدرس يك قدری فرق دارد

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است در کمیسیون اصلاح خواهد شد دیگر نظریاتی نیست

(اظهاری نشد و فصل (۲۴) به ضمیمه ذیل قرائت شد)
فصل بیست و چهارم - حقوق متعلقه با اوراق کار
که در زمان تحویل حقوق پیشین ادا میشود میده
و مقصدش پرداخته ملک است از قرار ده متقال یا
کسرده متقال ۲۷ شاهی است و وزن این قسم بسته ها از
(۴۰۰) متقال نباید تجاوز کند اول میزان حقوق پستی
دوبسته اوراق کار ۶ شاهی است

سرشار سعید - خوب است آقای مخبر توضیح
بدهند که مراد از اوراق کار چگونه اوراق است
مخبر - اوراق کار صورت حساب اداره یا
تجارخانه است که میفرستند اینگونه اوراق اگر چه
مثل مطبوعات است ولیکن یک نوع اطلاعات را حاوی
است که شخصی است و بیشتر از مطبوعات محل توجه
است باین جهت اگر وزن آن ده متقال یا کمتر از ده
متقال باشد حقوق آن ۶ شاهی گرفته میشود و از ده
متقال که بالا رفت بهمان ترتیب مطبوعات از آن
کرایه میگيرند

فایز رئیس - دیگر در این ماده نظریاتی
نیست
(اظهاری نشد فصل (۲۵) به ضمیمه ذیل
قرائت شد)

فصل بیست و پنجم - تعیین شرایط جنس و
شکل و اندازه کارتهای پستی و بستههای جرایم و
ضمیمه های جرایم و سایر مطبوعات و مستوره جات
تجارتی و اوراق کار با اندازه پست است اداره پست
مجاز است که از جهت شرایط و تعرفه کارتهای را
هم که اشخاص مختلفه میسازند مثل کارتهای پستی
ملاحظه نمایند

(در این فصل نیز مخالفتی نشد فصل (۲۶)
به ضمیمه ذیل قرائت شد)

فصل بیست و ششم - حقوق مقرر در فصول
۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ این قانون بجز اندر مطبوعات
و مستوره جات تجارتی و اوراق کار تعلق میگيرد
که زمان تحویل دادن به پستخانه تمیز روی آنها
الصاق شده باشد یا در نواریهای تمیز دار پیچیده شده
باشد آنها را که در زمان ارسال ابتدا تمیز روی آنها
الصاق نشده باشد چهار برابر حقوق معینه از گیرنده
آن دریافت خواهد شد

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم
در باب پاکت بدون تمیز که دو برابر حقوق معین
شده بود که از گیرنده آن گرفته شود توضیحاتی
دادند ، قانع نشدیم و حالا در اینجا چهار برابر
بوشته اند خوب است آقای مخبر در این باب توضیحی
بدهند که علت چهار برابر گرفتن چیست

مخبر - البته آقایان میدانند حمل نوشتجات
خیلی سهل است و یک پاکتی که وزن آن دو متقال
است و برای حمل آن اداره پست چندان مضارعی
تحمل نمیشود ولی از برای اینطور مطبوعات که هر
کدام ۵۰۰ متقال یا ۴۰۰ متقال است از یک نقطه
بنقطه دیگر که میخواهند بفرستند باید مبلغی کرایه
بدهند بپردازند و مبنای هم بدهند برگردانند باین
جهت باید کرایه را زیاده تر قرار داد بعضی کمیانی
ها هستند که برای رواج مالالتجاره خودشان از خارج
اتصالاً اینطور مستوره جات و مطبوعات برای انجار
میفرستند و بچون روی آنها تمیز نمیزنند برای اینکه
طرف قبول میکنند و فرستنده مجبور باشد که مراسلات

و مستوره جات خود را همیشه تمیز بزنند این جریمه
را چهار برابر قرار داده اند که گیرنده استنکاف نموده
برگرداند تا اینکه بعدها فرستنده مجبور شود که
حقوق پستی معمولی را بدهد و اسباب زحمت اداره
پست نشود

معدل الدوله - البته نظر آقایان هست که
در روز قبل در باب پاکتها بنده یک نظریاتی داشتم
در اینکه دو برابر بگیرند و چیزی به نظرم می رسید
این بود که رهائی بشود از کسیکه سهو کرده و
پاکتی بدون تمیز در صندوق پست انداخته و طرف
مقابل او هم یک انتظاراتی برای کافتن دارد و البته
از روی میل دو برابر را خواهد داد و مینظور
بعضی محسبات دیگر هم بنظرم میآید ولی این مسئله
چهار برابر گرفتن که امروز مذاکره میشود چیز
غریبی بنظرم بنده میآید دو خصوص پاکتها مذاکره
شد که چون بعضی جاها صندوق پستی هست مردم
پاکتهای خودشان را در آن صندوق میاندازند اگر
بدون تمیز بود اداره پست حمل کند و از طرف
مقابل دو برابر حقوق خود را بگیرد اما مستوره جات
اینطور نیست و مستوره ها را حکما یک شاکرد تاجری
به پستخانه میبرد در صندوق میاندازد که بگوئیم
بدون تمیز بوده و اداره پست آنها را حمل کند
تصور میکنم معاون وزارت پست هم قبول کند که این
ماده از میان برداشته شود و هر وقت اینگونه اشیاء
را به پستخانه میبرند پول تمیز را از آنها بگیرند
و خودشان را چهار زحمت نکنند اگر آنرا قبول
نکنند و از اول بزنند بهتر است

معاون پست و تلگراف - با اینکه دیروز
در مسئله دو برابر شرحی عرض شد در این باب
هم لازم است توضیحی عرض کنم و نظر آقایان را
جلب کنم

به قسمت اخیری که در این قانون نوشته ر می
نویسد طرف مقابل میتواند از گرفتن آن امتناع
نماید و قبول نکند بعد از آنکه حق امتناع با او
داده شد گمان میکنم دیگر جای ایراد نباشد اما
اینکه میفرمایند چرا چهار برابر نوشته شد همانطور
که آقای مخبر توضیح دادند علتش اینست که چون
مستوره جات و مطبوعات وزنشان زیاد است و از
(۷۵) الی (۴۰۰) متقال است و در ذهاب و
وایاب آن زحمتی بداتر پست وارد می آید ناچار
میشود چهار برابر بگیرند و چون طرف مقابل
نمیتواند رد کند بچونچه محل ایراد نخواهد بود
و اما اینکه میفرمایند چرا باید اداره پست قبول بکند
همانطوریکه دیروز عرض کردم اداره پست این
موادی را که در اینجا دو برابر یا چهار برابر نوشته
برای اینست که مردم مجبور نباشند که مراسلات خود
را با تمیز بفرستند و همان طوری که فرمودند اینها
چیزی نیست که بصندوق پست بیندازند و البته
بداتر پست میرود و بداتر پست هم ناچار تمیز
میکنند ولی چگونه می شود و این مطلب اتفاق
میافتد چون ممکن است یک وقتی یک مستوره
یا یک کاتونوک یا یک کتابی که هلاکت یک کارخانه
را دارا است برای یک تاجری میفرستند و آن تاجر
هم خیلی مایل است آنرا به پست در این صورت
حقوق آنرا خواهد داد بلاوه اداره پست برای این
تاسیس شده است که عموم مردم بواسطه آن راحت
و در آزادی باشند و محظوری نداشته باشند چون

آنکسی که میخواهد یک چیزی بفرستد مطمئن
نیست که طرف مقابل مالالتجاره او را قبول میکند
یا خیر اداره پست قبول میکند و حمل میکند و طرف
اوم حق امتناع میدهد که وقتی آن مستوره را برای
او بردند اگر طالب باشد این حقوق را که نوشته
شده است بدهد و اگر طالب نیست رد کند اگر چه
این مطلب بندرت اتفاق میافتد ولی بنده گمان میکنم
این حق را بایستی داد مردم برای اینکه بتوانند
ملازم تجارتخانه و مستوره حاشی که دارند بدون کرایه
بفرستند و در صورتی که طرف مقابل لازم داشته باشد
و قبول کند چهار برابر کرایه را با کسکمان بنده
والا امتناع کند

عدل الملک - اینکه گفته شد چهار برابر هم
بواسطه تعقیفی هست که در حقوق مستوره جات دارند
مساوی با همان دو برابر حقوق مراسلات است برای
اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا از این ماده که نوشته
شده است چهار برابر گرفته میشود تعجب داشتند این
توضیحاتی را که دادند که گیرنده حق امتناع
دارد همان طوری که مجلس میبایستی صرفه دولت را
راهم در نظر داشته باشد در واقع پستخانه در یک
قسمت از امور ات خود عمل لغو میکنند برای اینکه
اگر طرف امتناع کرد مکلف است این چیز را بدون
حقوق هودت دهد و آن صرفه که برای دولت در این
باب منظور است ملاحظه و رعایت نشده است بلاوه
توضیحی که آقای معدل الدوله دادند کافی بود زیرا
مستوره جات و امانات غیر از مراسلات است و بواسطه
وزن و حجمی که دارد نمیتوانند در صندوق بیندازند
و ناچار فرستنده پستخانه میبرد و مأمورین آنرا در
تحت معاینه می آورند و هیچ ربطی به مراسلات
ندارد

معاون - گمان میکنم توضیحی را که عرض
کردم دارای این جواب بود
اولا اینکه میفرمایند باید صرفه دولت را منظور
داشت عرض کردم که این مطالب خیلی نادر است و
اداره پست وقتی که میخواهد این امانات یا مستوره
را حمل کند البته به اقتضای وقت ملاحظه این مطلب
را خواهد کرد که مستوره جات و وزنها زیاد است و از
وقتی دید از چهار مستوره که میفرستند دوتایی آنها
را قبول میکنند حمل خواهد کرد - مسام است
این مسئله خیلی نادر اتفاق خواهد افتاد و برای
اینکه اداره پست در ماده پیش قبول بکند
که پاکت را بدون تمیز حمل بکند و در
صورتی که طرف مایل باشد دو برابر بدهد ناچار است
سایر اشیائی را هم که با اداره پست میآورند قبول کند
و اگر یک همچو ضرری هم بکند نظر باینکه
صلاحیت عموم در آن است و عموم از این مطلب
راضی خواهند بود هیچ ندارد چنانکه عرض کردم
صاحب کارخانه مادامی که نماند این مطاع او خرید
خواهد داشت یا نه مایل نیست یک بولی پستخانه
بدهد نمونه مالالتجاره او را حمل کنند در این
صورت اداره پست برای اینکه مردم راحت باشند
قبول میکنند و طرف مقابل هم راضی است چهار
مقابل را بدهد بنده در این مطلب هیچ ضرری نمی
بینم و اگر اداره پست در این مطلب ضرری برای
خود تصور نمیکند پیشنهاد نمیکنم

ناصر الاسلام - بنده تصور میکنم این
توضیحاتی که داده میشود از برای اداره پست مفید
نباشد از یکطرف میفرمایند ما برای تسهیل امور
مردم این مطلب را در نظر گرفته و این ماده را نوشتم
بنده عرض میکنم این ماده ممکن است در اداره
پستخانه تولید هرج و مرجی بکند و قنق بانی خواهد
شد که امانات و مستوره جات را بدون الصاق تمیز و
بدون حق الضمانه قبول کنیم و آن طرف را مازم
نمائیم که در صورت قبول چهار برابر بدهد در این
صورت واقعا ما یک هرج و مرجی را اجازه داده ایم
و این توضیحات ما را قانع نمیکند باینکه این ماده
یک صلاح عمومی را دارا است باینکه یک تجارتخانه
برای ترویج مالالتجاره یک نظر خصوصی دارد و
میخواهد ببیند که این مستوره هایش از فلان تجارت
خانه موقع قبول خواهد یافت یا نه این یک مصلحت
و ملاحظه سطحی است و عقیده بنده این است که
این ماده هم آن ماده است و اگر بفرمایند آن
مسئله گذشت بنده عرض میکنم خیر نگذاشته است
در شور دوم باز نظریات خود را عرض خواهم کرد

حاج عز الملک - اولاً بنده اینجا خاطر
آقایان را متوجه میکنم باینکه در اینجا که چهار
برابر نوشته شده معنای آن دو برابر فرق نمیکند
برای اینکه این مسئله را اختصاص میدهند بفصول
(۱۹) (۲۰) (۲۳) (۲۴) و از اقسام مراسلات یعنی
مستوره جات و مطبوعات است که حقوق معینه بر
آن تعلق میگيرد پس بعد از آنکه در آن ماده
پیش دو برابر نوشته شد در اینجا ناچار باید چهار
برابر نوشته شود برای اینکه هدیت چهار برابری که
گرفته میشود نسبت به پاکت که حقوق معمولی از
آنها دریافت میشود متناسب خواهد بود اما چرا
اینطور باید باشد بقیه بنده تمام راجع خواهد
بود باینکه یک مستوره یا یک جریمه بدون تمیز با اداره پست
دادند بنده راجع بکسر تمیز هم خواهد بود و اداره پست
که مایل حمل و نقل مراسلات و مکاتبات و جرایم و
مستوره جات دارد نمیتواند یک همچو چیزهایی را
حمل بکند و بخودش ضرر برسد بولی اگر ما طرف مقابل
را مجبور میکنیم باینکه پس از آنکه آن مستوره
را با او ارائه دادند حتماً آنرا بگیرد و حقوق آنرا
چهار برابر بدهد برخلاف ترتیب فاصله و قانون بود
ولی بعد از آنکه در این قانون نوشته شده است که او
مجاز است و اختیار دارد که اگر بخواهد قبل از تحویل
گرفتن آن مستوره یا جریمه حقوق آنرا چهار برابر
بدهد بقیه بنده هیچ ضرری نخواهد داشت اداره
پست مراسلاتی را که حمل میکند در ضمن این نوع
مستوره جات و جرایم را هم حمل میکند یا کسر تمیز
یا اینکه هیچ تمیز ندارد چنانکه طرف مقابل قبول کرد
جریمه را بدهد و اگر قبول نکرد و امتناع نمود البته
پس از امتناع دیگر جریمه ندارد و بنده تصور میکنم
همینطور که در این قانون نوشته شده خیلی خوب است
و این چهار برابر هم یک چیز فوق العاده نیست چون
این چهار برابر نسبت به حقوق معینه است و مثل همان
دو برابر خواهد بود و تمام اینها هم با اداره پست تحویل
داده نمیشود مثل اینکه در خارج خیلی دیده ایم که
روزنامهجات را بصندوق میاندازند و تمیز نمی کنند
اگر اداره پست آن روزنامهجات را نرساند حال اداره
پست چه خواهد بود زیرا اگر بعد از آنکه

آن مستوره یا جریمه بدون تمیز وارد پستخانه شد
و مأمورین پست غفلت کرده و آن مستوره یا جریمه
را بصاحبش نرسانند در واقع یک ضرر فوق العاده
است که بطرف مقابل وارد میآید در این صورت
بنده تصور میکنم که آقایان نباید آنقدر در این ماده
مخالفت نمایند

مقوله الاسلام - عقیده بنده اینست مستوره
که تمیز ندارد ابتدا پذیرند و اگر کسر تمیز دارد
در مقابل جریمه بگیرند و تصور میکنم اگر باین ترتیب
باشد بهتر است

مخبر - البته آقایان میدانند قوانینی که نوشته
میشود بیکمقدار از آن قانون باید مطابق با قانون
بین المللی باشد ما این قانون را که مینویسیم فقط
راجع بداخله مملکت نیست بلکه اگر چنانچه ما
میخواستیم فقط این قانون را بجهت داخله مملکت
خودمان بنویسیم همان طور است که میفرمایند ولی
این قانون باید مطابق قانون بین المللی نوشته شود
و قانونی باشد که در تمام دنیا معمول است در تمام
دول آنرا قبول کرده اند و این ماده یکی از موادی
است که در تمام دول قبول کرده اند در این صورت
وقتی که یک نوشتجات و مستوره جاتی بدون تمیز
یا با کسر تمیز از خارج بکال ایران میآید دولت ایران
نمی تواند قبول نکند و بگیرد بدون تمیز
است مجبور است قبول بکند و مجبور است
آنها را بصاحبانش برساند و حقوق بین المللی آنها را
بپردازد والا چطور میشود حقوق بین المللی را بدهد
و از صاحبان آنها بگیرد پس باید قوانینی که وضع
میشود مقداری با قوانین بین المللی موافقت کند

فایز رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی
است دو پیشنهاد رسیده است یکی از طرف آقایان
ارباب بکشور یکی از طرف آقای ناصر الاسلام یعنی
براینکه این ماده حذف شود ولی گمان می کنم
این پیشنهاد مخالف نظامنامه داخلی باشد و حذف
ممکن نباشد

ارباب بکشور - در صورتی که این پیشنهاد
مخالف با نظامنامه است اینطور هم بماند تصور
میکم اسباب خیلی اشکال خواهد شد و در شور دوم
هم معطل خواهد شد تقاضا میکنم آقای مخبر این
پیشنهاد را راجع بکشورین تمیز و در کسب و کار یک
نظریاتی شود

ناصر الاسلام - بنده یک پیشنهاد دیگری
خواهم کرد و تقاضا می کنم این ارجاع بکشورین
بشود

مخبر - نمیشود بکشورین ارجاع شود بجهت
اینکه شوراوش شده است
فایز رئیس - فصل ۲۷ قرائت میشود
(به ضمیمه ذیل قرائت شد)

فصل (۲۷) هر گاه جرایم و مطبوعات و
مستوره جات تجارتی و اوراق کار از داخله بداخله
ارسال میشود دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف
کرایه پست است نباشد حقوق پستی یا کالت یا آنها
تعلق خواهد گرفت

فایز رئیس - در این ماده نظریاتی است
یا نیست

عدل الملک - برای حقوق معمولی و مخففه
در موارد ما قبل نوشته شده است و مستثنیات هم در
ماده دیگر نوشته شده است دیگر این ماده در اینجا
لازم نیست و مورد ندارد

مخبر - وقتی که جرایم و مطبوعات را به اداره
پست میفرستند البته باید آن مستوره جات و مطبوعات
را طوری بینداند که اداره پست بداند اینها مطبوعات
و مستوره جات تجارتی است یعنی باید قابل ملاحظه
باشد پس وقتیکه بکشور مطبوعات و مستوره جات تجارتی
باداره پست می آورد اگر آنرا با شرایطی در اداره
پست معین شده بپذیرد و در یک پاکت سر بسته بگذارد
یا اینکه بخواهد سرش را لاک کند آنوقت دیگر
ممکن نیست آنرا جزو مطبوعات محسوب کرد و جزو
نوشتجات محسوب میشود بجهت اینکه بکلی آن را
مستور داشته در این صورت حقوق نوشتجات از او
دریافت میشود

عدل الملک - توضیحی که آقای مخبر میدهند
ابداً باین ماده موافقت ندارد و باین ماده دلالت ندارد
برای اینکه در این ماده نوشته شده است
(هر گاه جرایم و مطبوعات و مستوره جات تجارتی
و اوراق کار که از داخله بداخله ارسال میشود
دارای شرایط لازمه که باعث تخفیف کرایه پست
است نباشد حقوق پستی یا کالت یا آنها تعلق خواهد
گرفت) و این توضیحی را که آقای مخبر در این عبارت
دادند ابداً شامل حال این ماده نیست

فایز رئیس - در صورتی که مقصود آقای
مخبر همین است پس ممکن است در کسب و کار اصلاح
عبارتی بشود - فصل ۲۸ قرائت میشود
(به ضمیمه ذیل قرائت شد)

فصل ۲۸ - در صورتی جرایم و مطبوعات و
مستوره جات تجارتی و اوراق کار که مبده و مقصد
آنها در داخله مملکت است در تحت یک لاف بسته
شده باشد حقوق متعلقه بآن عبارت خواهد بود از
مجموع حقوق متعلقه بهر یک از اشیاء ملی هر گاه
بمطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم باشد حقوق
مقرر مطبوعات نیز بآن بسته تعلق میگيرد بشرط
آنکه تمام حقوقی که برای آن ادا شده افلا مساوی
باشد بکمترین معیار حقوق اوراق کار که عبارت از
شش شاهی است

فایز رئیس - نظریاتی نیست
حاج شیخ یوسف - بنده از آقای مخبر توضیح
میخواهم که مقصود از این عبارت که در ذیل این فصل
نوشته شده (ولی هر گاه بمطبوعات صورت حساب آنها
نیز منضم باشد حقوق مقرر مطبوعات بآن بسته
تعلق میگيرد) یعنی چه این را توضیح بدهند که بنده
نمی فهمم

مخبر - در فصل ۲۴ نوشته شده که از برای
اوراق کار اول حقوقی که معین می شود ۶ شاهی است
و از برای مطبوعات معین شده که ۱۰ متقالی صد پینار
است این با مقصود آن است که اگر یک کسی یک
ورقه چاپی بخواهد بفرستد یک صورت حساب هم
جزه آن باشد بدینیهی است که صورت حساب جزء
مطبوعات نیست در صورت حساب جزء اوراق کار است
و باید همان شش شاهی را بدهد مقصود اینست
حاج شیخ یوسف - بنده گمان میکنم که این

لفظ مطبوعات این جا صلاح نیست و همان صورت حساب نوشته شود کافی خواهد بود

نایب رئیس - دیگر نظریاتی نیست (اظهاری نشده و ماده ۲۹ بضمون ذیل قرائت شد)

فصل ۲۹ - یاکات متعارفی و کارتهای پستی و جرائد و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارتی و اوراق کار که محل اصلی و مقصود آنها در داخله مملکت و در زمان تصویب بیست بقدر کمات تمبر یا آنها الصاق نشده باشد از گیرنده آنها دو برابر قیمت تمبرهای کسری دریافت خواهد شد

محمد شاهشاه میرزا - عرض میکنم در آن ماده آقای مغیر توضیح دادند که قوانینی که وضع میشود خصوصاً قانون پستی باستانی مطابق قوانین بین المللی باشد و است و ولی در این ماده که از داخله بداخله است صحیح نیست ما این قانون را در باب کسری تمبر بگذاریم خوب است آقای مغیر یک توضیح بدهند که بنده بدانم که چرا باید دو برابر گرفته شود

مغیر - وقتی که از خارج مطبوعات بداخله مملکت ما بیاید کرایه اش که از داخله بداخله فرستاده میشود فرق میکند و حقوقش زیادتر است و حقوق هر ده مثقالی سه شاهی است و اگر کسری تمبر داشته باشد باید شش شاهی بگیریم اینجا هر ده مثقال دو شاهی است و کسری تمبر آن دو برابر گرفته میشود اولین ماده این مطابقت تصریح شده

محمد شاهشاه میرزا - بنده از این توضیح چیزی نفهمیدم که مقصود چه بود نوشته است در داخله در برابر گرفته خواهد شد اگر جرایم قوانین بین المللی است هیچ عنوان داخله و خارجه نباید در بین باشد و باید بنویسند برای کسری تمبر دو برابر گرفته میشود بهر حال این توضیحی را که فرمودند بنده هیچ مقصود ایشان را متفلسف نشدم

مغیر - اینجا مقصود این است که برای کسری تمبر دو برابر گرفته خواهد شد چه از خارجه باشد چه از داخله فرزند نمیکند

نایب رئیس - دیگر نظریاتی نیست (اظهاری نشده و فصل (۳۰) بضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۰) - حقوق دوله جرائد و مطبوعات و مستوره جات تجارتی و اوراق کار که از ممالک خارجه بدون تمبر میرسد از قرار ده مثقال یا کسری ده مثقال شش شاهی است مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین این حقون نشده باشد

ارباب کیخسرو - بنده از آقای مغیر توضیح این جمله را نوشته است (مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین این حقوق نشده باشد) میخواهم آیا مقصودشان در تعیین این حقوق همین ده مثقال ۶ شاهی است یا حقوق دیگر است اگر مقصودشان همین حقوق باشد این عبارت این معنی را نمیرساند

مغیر - مقصود این است که اگر در قرارداد های بین المللی غیر از ۶ شاهی حقوق دیگری تعیین نکرده باشد و الا باید ده شاهی یا فلان مبلغ گرفت یعنی باید مطابق قانون بین المللی رفتار کرد و اگر در قانون بین المللی ذکر کردی در این باب نشده باشد آن وقت باید دو برابر که ۶ شاهی است دریافت شود

ارباب کیخسرو - آقای مغیر باز همان طلب

را که بنده عرض کردم توضیح دادند عرض کردم این عبارت این مقصود را نمیرساند پس باید در اینجا نوشت (مشروط بر اینکه در قرارداد های بین المللی تعیین حقوق دیگر نشده باشد)

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است در کمیسیون خواهد شد

فصل (۳۱) یاکات و سایر مرسلاتی که باسم سفارش خوانده میشوند آتھائی هستند که فرستنده در موقع تحویل دادن آنها بیستخانه برای اطمینان رسیدن یاکات بقصد قبض رسیدن از اداره میگردد ولی مرسلات سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود بر یاکات و سایر اشیاء سفارشی علاوه بر حق معمولی پستی مبلغ ۱۲ شاهی بعنوان حق سفارشی تعلق میگردد و روزه های مخصوص جواب که به کارت پستال ها ملصق و اجرت آنها قبل از وقت تادیه شده بتوسط فرستنده آن اولیه آنها سفارشی نمی شوند

مدرس - این عبارت شامل را خوب است معنی کنند یعنی چه؟

مغیر - ملتفت نشدم دوباره بفرمائید

مدرس - این عبارتی که در اینجا نوشته است (شامل) این مطلب را فراموش کنید گمان این است که باید لفظ (مشمول) نوشته شود لفظ شامل صحیح نیست

منصور السلطان - در اینجا در واقع تصریح شده است که مرسلات سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود معنی آن اینست یعنی اگر یاک یاکتنی را که یک کسی سفارش میکند در آنجا (نوت) بانک یا نصد تومان بگذارند و اظهار نکنند که این چه چیز است و بیمه نکرده باشد و نکند نوی یاکت سفارشی مین نوت بانک بوده در اینصورت دولت ضمانت آن روزه نیست و همان اندازه که در این قانون تصریح شده برای یاکات سفارشی مقصود شده داده خواهد شد مگر بیمه کرده باشد اگر بیمه کرده باشند شامل حال آنها میشود

عدل الملک - همان اصلاح عبارتی را که آقای مدرس فرمودند صحیح است (مشمول ضمانت) باید نوشته شود

نایب رئیس - در شور دوم اصلاح میشود ماده (۳۲) قرائت میشود

فصل (۳۲) یاکات ممکن است مطابق قیمت اظهار شده محتویاتش بیمه شوند و در اینصورت علاوه بر اجرت مقرر یاکات حقوق بیمه نیز با آنها تعلق خواهد گرفت تعیین جنس و اکثر مبلغی که ممکن است به عنوان بیمه قبول شوند بدولت است

نایب رئیس - نظریاتی هست

سردار معظم - تعیین جنس را ممکن است واگذار بنظر دولت کنند ولی مبلغ بیمه را بهتر آن است معین کنند که طرف بداند در مقابل بکتومان چقدر حق بیمه باید بدهد اینطور بنویسند بی اشکال خواهد بود

مغیر - عیاناً در این ماده گمان می کنم در این مطلب وارد شویم بجهت این که اولاً نباید مبلغ آن را دولت معین کنند و ثانیاً نظام نامه ای برای اینکار ترتیب داده میشود بجهت

اینکه ممکن است صد تومان را یک قیمتی گرفت و یا نصد تومان را کمتر گرفت و حق بیمه هزار تومان را بترتیب دیگر معین نموده این ترتیب باید بتصویب دولت در موقع لزوم معین شود مجالنا نمیتوانیم وارد این کار بشویم

ارباب کیخسرو - بنده هیچ فرمایش آقای مغیر را منتفت نمیشوم این مسائل تماماً مسئله مالیه است چه طور میشود بعضی از قسمت هارا دولت معین کند و یک قسمت دیگرش را مامعین کنیم در موقعی که قانون وضع میشود باید تمام مطالب کامل در خود قانون معین شود و آنچه راجع بپسئله مالیه است در اینجا معین و تصویب شود

معاون - بنده بنده همانطوریکه آقای ارباب کیخسرو فرمودند موافقم که از نقطه نظر مالیه البته باید از مجلس بگذرد و اینکه در این قانون نوشته شده است علت خارجی داشته چنانچه خاطر آقایان مسیوق است فعلاً بطوریکه مقصود دولت است اداره پست مرتب نیست و نمیدانند در بیمه اشیاء چه اتفاق می افتد وجه تغییر پیدا میشود برای اینکه بعد از گذشتن این قانون همان طور که در فصل این قانون نوشته شده است اداره پست باستانی حمل و نقل مرتب منظماً پیدا میکند اداره پست تصور کرده است که آنچه را فعلاً در باب بیمه دریافت میکنند یک مبلغ گزافی است و این هم بواسطه نبودن راه و نبودن و سائل حمل و نقل و بواسطه نبودن امنیت است بعد از اینکه توانست لوازم حمل و نقل را درست ترتیب بکنند آن وقت یک قیمت سهل و مناسب و معینتی گرفته شود

باین لحاظ در این قانون نوشته نشده و موقوف بنظراتنامه شده است فعلاً اگر نظر آقایان در این باشد که در این قانون معین شود ممکن است آن (تاکس) که امروز میگیرند یعنی قیمتی که امروز معمول است در این قانون بنویسیم بطور موقتی بگذارند تا اینکه ترتیبی در این کار داده شود

سردار معظم - البته آقای معاون وزارت پست و تلگراف تصدیق خواهند فرمود قوانینی که مقامات مقدمه مینویسند فقط برای رفع احتیاجات قلبیه است و برای مقتضیات مملکت است و تمام قوانینی که وضع میشود قابل تغییر هم خواهد بود پس وقتی که ما قانون مینویسیم یعنی نظر و سائلی که داریم مینویسیم معنی همان گذاری راه همان دو چرخه ها که هست فرضاً اگر راه آهن پیدا کنیم البته تغییر خواهد کرد پس یک قسمت از فرمایشات آقای معاون که میفرمایند بواسطه نبودن اسباب کار عدم امنیت راهها چیزهای دیگر تعیین نشده عرض کردم قابل تغییر است ولی یک قسمت دیگر از فرمایشاتشان را تصدیق دارم و همین جهت عرض کردم که تعیین جنس را در قانون نباید بکنیم و یک و سائل دیگری ممکن است ترتیبی برای آن معین کرد و آن ترتیب این است که بنظر اداره پستخانه واگذار کنیم اما دیگر هیچ چیزی نمی بینم که قیمت و حق بیمه که دولت اخذ میکند در قانون معین نشود آقای مغیر میفرمایند ممکن است صد تومان را یک حق بیمه بگیرد و از صد تومان بیایا یعنی یا نصد تومان را یک نوع دیگر هزار تومان را یک مبلغ دیگر عرض میکنم هر طور بخواهند بگیرند ممکن است عین همان مبلغ را در این قانون تصریحاً بنویسند و دوباره تکرار میکنند

تعیین جنس را باید اداره پست واگذار کنند زیرا اگر اداره پست واگذار نشود ترتیب دیگری پیدا خواهد کرد که مقصود تغییر میکند ولی قیمت بیمه باید در قانون معین شود و تمینی میکنم که یک ترتیبی بدهند و هر چه در این قانون نوشته شده است موقع اجرا گذاشته شود و تقاضا میکنم این فصل را از اجاع بکمیسیون بفرمایند در کمیسیون یک تجدید نظری بشود شاید خودشان هم متقاعد شوند که باین ترتیب بهتر است

معاون - صحیح است همانطوری که فرمودند باید یک ترتیبی معین بشود و از مجلس بگذرد حالا که نمایندگان محترم نظرشان باین است و لازم میدانند در قانون معین شود این ماده را بکمیسیون ارجاع فرمایند تا در آنجا اصلاح شود

نایب رئیس - بکمیسیون فرستاده می شود و برای شور دوم مطالبی که ذکر شد ضمیمه می شود

فصل (۳۳) قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۳) برای هر یک یاکت بیمه شده یا سفارشی یک قبض رسید در زمان تحویل دادن به پستخانه فرستنده داده میشود و در زمان توزیع رسید از گیرنده اخذ میگردد پس از تحویل اشیاء سفارشی یا بیمه شده صاحبان آن و گرفتار رسید دیگر به چه وجه پستخانه مسئولیتی ندارد گیرنده این قسم یاکات میتواند تقاضا کند که یاکتش در پستخانه باو داده شود و در حضور شهودی که خود او تعیین میکند باز شود

نایب رئیس - نظریاتی نیست (مخالفتی نشده و فصل (۳۴) بضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۴) یاکات و سایر اشیاء مرسله ممکن است بر حسب خواست فرستنده توسط حامل مخصوص بگيرنده داده شود باین قسم مرسلات علاوه بر حقوق مقرر یک اجرت مخصوص بنسبت جنس آنها تعلق میگردد که تعیین مقدار و شرایط با اداره پست است

نایب رئیس - نظریاتی نیست (اظهاری نشده و فصل ۳۵ خوانده میشود)

(بضمون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۵) فرستندگان مرسلات سفارشی یا بیمه شده یا مخصوصه که در داخله مملکت توزیع میشود در موقعی که مرسلات مذکوره را بیستخانه تحویل میدهند میتوانند خواهش نمایند ملتسه امضای گیرنده پس از تسلیم گرفته و با آنها داده شود در اینصورت باید مبلغ شش شاهی قبل از وقت از این بابت به پستخانه بپردازند برای تحقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه یا مخصوصه که از داخله بداخله ارسال میشود نیز همین مبلغ شش شاهی باید ادا شود و این در صورتی است که نرخ معین ملتسه پرداخته نشده باشد

نایب رئیس - ملاحظاتی نیست

سردار معظم - بنده مرسلات مخصوصه را نفهمیدم ممکن است توضیح بفرمایند

مغیر - مرسلات مخصوصه یک چیزی است که عیاناً در ایران معمول نیست شاید بعد ها اداره پست آنرا دائر کنند مرسلات مخصوصه همین نوشتهجات رسمی است منتها این است بین مرسلات سفارشی و معمولی است که برای آن فرستنده یاکات علاوه حق معمولی پستی شش شاهی اضافه میدهند که

این یاکتش را اداره پست بفوریت بطرفش برساند تقریباً مثل سفارشی است ولی سفارشی خواهد بود که اداره حق الضمانه برای کم شدن آن نگرفته

ارباب کیخسرو - این قسمت اخیر که می نویسد (برای تحقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه یا مخصوصه که از داخله بداخله ارسال میشود خوب است توضیح بدهند که این تحقیقات چه قسم تحقیقاتی است)

مغیر - یاکات وقتی که سفارشی میشود دو نوع است یک نوع سفارشی دوقبضه است و یکی یک قبضه یک وقت یاکتنی اداره پست می دهند و می گویند سفارشی دوقبضه میکنیم در این صورت اداره پست مجبور است از گیرنده یاکت یک قبض رسید بگیرد و برای فرستنده بیاورد سفارشی یک قبضه آنست که سفارش میکند و حقوقش را میدهد از طرف هم قبض رسید می گیرند ولی آن قبض را فرستنده نمی دهند این سفارشی یک قبضه است در این صورت ممکن است یک یاکتنی نرسیده باشد یا این که جواب آن طول کشید باشد بر حسب خواهش فرستنده اداره پست یک تحقیقاتی میکند که به بیمه چه شده است که تا بحال نرسیده آتوقت اداره پست یک وقت تحقیق می فرستد از هر پستخانه که این یاکت گذشته باشد آن پستخانه مجبور است اطلاعاتی که از ورود و حرکت آن پست دارد که درجه تاریخ وارد و درجه تاریخ حرکت کرده در آن روزه می نویسد تا معلوم شود این یاکت در چه نقطه مفقود شده و در کجا سرقت شده است پس از آن که این ورقه بدفتر مقصود رسید و تمام اطلاعاتش کافی شد اگر بصرف مقابل رسیده است او هم امضاء میکند و آنرا می گرداند و فرستنده می دهد مقصود از تحقیقاتی که در اینجا نوشته شده است اینست

سردار معظم - بنده کم کم دارم متفلسف می شوم بقرینه همکاری خود آقای حاج شیخ اسدالله که در این قانون دقت نشده است خود مغیر توضیح فرمودند که مرسلات مخصوصه یک چیزی است که هنوز در ایران معمول نشده است و با این توضیحی که آقای مغیر دادند هیچ اسبی از مرسلات مخصوصه نبرده اند و وجود آنرا در این قانون معین نکرده اند و با اینکه وجود آنرا معین کرده اند ما میخواهیم برای فرستنده آن تکلیفی معین کنیم اگر این ماده را لازم میدانند باید قبل از تعیین کنند که مرسلات مخصوصه عبارت از چیست و دارای چه شرایط و ترتیب باید باشد آتوقت حقوقی که باید اخذ شود معین کنند پس در صورتی که این نکات را معین نکرده اند و کافلی که هنوز ترتیب آن معین نشده است یعنی خود قانونگذار معین وجود آن کافلی در این قانون نشده و حالاً هم در ایران وجود ندارد آتوقت بجهت فرستنده آن تکلیف معین کردن چیز غریبی است

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده تا حالا از خارجه بداخله و از داخله بخارجه (محمد هاشم میرزا)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲۶ قانون پست این قسم نوشته شود (آتھائی که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد اداره پست قبول نخواهد نمود) (ناصر الاسلام)

نایب رئیس - آقای مغیر قبول دارند یا خیر

مغیر - خیر

محمد شاهشاه میرزا - در ماده ۲۶ که گذشت و مغیر توضیح دادند آخرین دلیلی که آوردند این یک عده فراش برای این نوع یاکات بگذارند

کبفوریت آن یاکتها را ببرد بصاحبانش برساند و از برای این فراش و این ترتیب البته حقوقی معین میشود و باید بپردازد باین جهت برای آن قبیل یاکات ۶ شاهی معین شده است و اینکه میفرمایند تحقیقات یعنی چه گمان میکنم این ماده آتقدرها توضیح لازم نداشته باشد زیرا در آخر آتاماده نوشته شده است برای تحقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه یا مخصوصه که از داخله بداخله ارسال میشود مبلغ ۶ شاهی باید ادا شود و این در صورتی است که نرخ معین ملتسه پرداخته نشده باشد چون قرار شد که اگر قبض برگشت بخواهد صاحب یاکت علاوه بر حق سفارشی باید شش شاهی بدهد حالاً ممکن است یا کثیراً بطور سفارشی بفرستد و ملتسه نداشته باشد یعنی قبض برگردان نداشته باشد بعد از اینکه یاکت بقصد رسید آتوقت صاحب یاکت تقاضا میکند یک سبیدی از طرفش برای او بیاورند در این صورت باستانی همان ۶ شاهی را بدهد ولی اگر چنانچه اینطور نباشد یاکت خود را بطور سفارشی فرستاده باشد میتواند باید بگوید آن یاکت سفارشی را بفلان نفر فرستادم رسید آنرا بن بدهد اداره پست هم قبض برگردان آنرا که فرستاده و باضضای گیرنده رسید باو میدهد

سردار معظم - تازه معلوم میشود مراد از مرسلات مخصوصه مرسلات فوری است بنده با ایجاد اینگونه مرسلات مخالفی ندارم خیلی هم خوب است که برای سهولت امور مردم اداره پستخانه مرسلات فوری را زودتر برساند ولی وقتی که قانون نوشته میشود عبارت را باید طوری نوشت که مقصود را بپروانند اینطوریکه در اینجا نوشته شده است هیچ از این چیزی نفهمیدم که مقصود از مرسلات مخصوصه چیست خوب است لفظ فوری مرقوم بفرمایند تا مقصود معلوم باشد و رفع هر نوع اشکالی بشود ولی مادامی که بلطف مرسلات مخصوصه در اینجا ذکر شود و در مواد دیگر هم از مرسلات مخصوصه ذکر نشده بنده آنرا نمیتوانم تغییر بفروری بکنم

معاون وزارت پست و تلگراف - بنده خیال میکنم در نظام نامه داخلی این فقره توضیح خواهد شد و بنظر آقایان خواهد رسید مخصوصاً خوب در نظر دارم که در آن دوره در همین قانون لفظ فوری نوشته شده بود در اینجا ایرادات شد که فوری یعنی چه ما بعبارة مخصوصه نوشتیم

نایب رئیس - مذاکره در این باب کافی است آقای سردار معظم اگر پیشنهادی دارند بدهند دو پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۲۶) منحصر شود بارسال از خارجه بداخله و از داخله بخارجه (محمد هاشم میرزا)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲۶ قانون پست این قسم نوشته شود (آتھائی که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد اداره پست قبول نخواهد نمود) (ناصر الاسلام)

نایب رئیس - آقای مغیر قبول دارند یا خیر

مغیر - خیر

محمد شاهشاه میرزا - در ماده ۲۶ که گذشت و مغیر توضیح دادند آخرین دلیلی که آوردند این

بود که فرمودند چون قوانین بین المللی و پستی این طور است لهذا ما هم مجبوریم آنها قبول کنیم معض اینکه ایراد آقای مخبر وارد نیاید بنده قبول کردم که در این ماده نسبت به برسر لاتی که از داخله بخارجه و از خارجه بداخله فرستاده خواهد شد این مطلب را قبول کنم ولی نسبت به ارسال داخله بداخله قبول نکنم قبول میفرمائید بسیار خوب والا توضیح بدهند تا بنده متقاعد شوم

معاون - بلی خیلی است که در این ماده دو نظر است بعضی از آقایان میفرمایند که ما نمیتوانیم ضرر اداره پست را به بستم که اینطور مرسلات را قبول کند و اگر طرف امتناع کرد چیزی نگردد بعضی می فرمایند ما نمی توانیم تحمل کنیم که از یک کسی چهار برابر گرفته شود بنده متعجبم جواب کدام يك از این دو مطلب را که شده هستند بدهم و هر چه فکر میکنم نمیتوانم علت آنکه در این باب میخواستند مخالفتی بشود چه چیز است عرض کردم اگر میل دارند همانطور که در باب دو برابر در روز پیشنهاد شد در اینجا هم این جمله ضمیمه شود

(در صورتی که گیرنده طالب باشد) چهار برابر را بدهد نمیتوانم چرا باید ممانعت کرد از اینکه کار مردم سهولت بگذرد اداره پست منحصر بشهر طهران تنها نیست مثلا حسن آباد دفتر پست دارد بنگی امام پست دارد مثلا بکنفر میخواند از یک دمی مستوره یا نمونه گندم خود را برای خریدار شهر بفرستد میآورد با اداره دفتر پست میدهد تمبر نرده است طرف مقابل هم یا منت قبول میکند و دو مقابل را میدهد و این نمونه گندم را که انتظار دارد بگیرد در صورتی او مایل و طالب است و قبول میکند و حقوق پست را می برد از این چه مخالفتی است اداره پست هم نظریات خودش را در این موقع کرده اگر چنانچه ضرری برای خودش میدهد پیشنهاد نمیگردد در موضوع چهار برابر هم همین طور است میتواند قبول کند میتواند امتناع کند علت ممانعت چیست این قبیل اتفاقات در این مملکت بخصوص در ولایات خارج زیاد می افتد چرا باید ممانعت کرد که کسی نتواند شی خودش را بفرستد یا به است یک کسی از فلان محل یا از فلان ده یا یک چیزی بیستخانه آورده و هیچ نمیداند چقدر تمبر باید بخورد و پول هم ندارد پست هم در شرف حرکت است آیا بمفرمائید دفتر پست آن را نگیرد و بگوید خودتان بپرید برسایید خیر قبول میکند و حمل میکند اگر طرف مقابل قبول کرد چهار مقابل میدهد و اگر قبول نکرد ضرری وارد نیامده بنده هیچ جهت مخالفت را در این باب نمیتوانم چیست

محمّد هاشم میرزا - هر کس از یک جهتی ممکن است موافقت یا مخالفت کند ما با اصل این ماده موافقیم ولی دلالتی که آقای مخبر فرمودند که باید قانون پستی با قوانین بین المللی مقاومت کند بنده را قانع نکرد و بیان جهت پیشنهاد کرده ام که این مسئله از داخله بخارجه منحصر شود و اگر ممکن بود این ماده حذف شود و سایرین تمام پیشنهاد های خودمان را پس بگیریم حالا نمی شود رأی بگیریم

معتصم السلطنه - مادوباره برگشتم بپاده بود که فرمودند چون قوانین بین المللی و پستی این طور است لهذا ما هم مجبوریم آنها قبول کنیم معض اینکه ایراد آقای مخبر وارد نیاید بنده قبول کردم که در این ماده نسبت به برسر لاتی که از داخله بخارجه و از خارجه بداخله فرستاده خواهد شد این مطلب را قبول کنم ولی نسبت به ارسال داخله بداخله قبول نکنم قبول میفرمائید بسیار خوب والا توضیح بدهند تا بنده متقاعد شوم

معاون - بلی خیلی است که در این ماده دو نظر است بعضی از آقایان میفرمایند که ما نمیتوانیم ضرر اداره پست را به بستم که اینطور مرسلات را قبول کند و اگر طرف امتناع کرد چیزی نگردد بعضی می فرمایند ما نمی توانیم تحمل کنیم که از یک کسی چهار برابر گرفته شود بنده متعجبم جواب کدام يك از این دو مطلب را که شده هستند بدهم و هر چه فکر میکنم نمیتوانم علت آنکه در این باب میخواستند مخالفتی بشود چه چیز است عرض کردم اگر میل دارند همانطور که در باب دو برابر در روز پیشنهاد شد در اینجا هم این جمله ضمیمه شود

(در صورتی که گیرنده طالب باشد) چهار برابر را بدهد نمیتوانم چرا باید ممانعت کرد از اینکه کار مردم سهولت بگذرد اداره پست منحصر بشهر طهران تنها نیست مثلا حسن آباد دفتر پست دارد بنگی امام پست دارد مثلا بکنفر میخواند از یک دمی مستوره یا نمونه گندم خود را برای خریدار شهر بفرستد میآورد با اداره دفتر پست میدهد تمبر نرده است طرف مقابل هم یا منت قبول میکند و دو مقابل را میدهد و این نمونه گندم را که انتظار دارد بگیرد در صورتی او مایل و طالب است و قبول میکند و حقوق پست را می برد از این چه مخالفتی است اداره پست هم نظریات خودش را در این موقع کرده اگر چنانچه ضرری برای خودش میدهد پیشنهاد نمیگردد در موضوع چهار برابر هم همین طور است میتواند قبول کند میتواند امتناع کند علت ممانعت چیست این قبیل اتفاقات در این مملکت بخصوص در ولایات خارج زیاد می افتد چرا باید ممانعت کرد که کسی نتواند شی خودش را بفرستد یا به است یک کسی از فلان محل یا از فلان ده یا یک چیزی بیستخانه آورده و هیچ نمیداند چقدر تمبر باید بخورد و پول هم ندارد پست هم در شرف حرکت است آیا بمفرمائید دفتر پست آن را نگیرد و بگوید خودتان بپرید برسایید خیر قبول میکند و حمل میکند اگر طرف مقابل قبول کرد چهار مقابل میدهد و اگر قبول نکرد ضرری وارد نیامده بنده هیچ جهت مخالفت را در این باب نمیتوانم چیست

(۲۶) باید یکساعت دیگر حرف زد خوب است رأی گرفته شود تا تکلیف معلوم شود این طور که نمی شود

نایب رئیس - زای میکیریم پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند) پیشنهاد رد شد و پیشنهاد ناصر الاسلام مجدداً قرائت شد

حاج عز الممالک - دیروز همین مطلب در خصوص پاکت پیشنهاد شد و قابل توجه نشد نمیتوانم حالا ممکن است که پیشنهاد شود یا خیر - بهر حال اهمیت ندارد و در این موضوع داخل نمیشوم ولی میخواهم عرض کنم با توضیحاتی که آقای معاون دادند هیچ مانعی نخواهد بود که این نوع مرسلات حمل شود در صورتی که طرف مقابل قبول کرد این پولی را که قانون همین کرده بدهد

نایب رئیس - آقای معذل الدوله بایشهاد مخالفید

معذل الدوله - خیر با پیشنهاد موافقم عرض میکنم آن مقصودی که مجلس دو برابر را برای پاکت قبول کرد اینجا آن مقصود در بین نیست مقصود از قبول پاکت که تمبر ندارد رعایت اشخاص است که گاهی يك گرفتاری پیدا میکند و پول ندارند و میخواهند يك پاکت را بدون تمبر بفرستند گفتم اداره پست این قبیل یا نات را قبول کند ولی برای اینکه این آرد هادی نشود و کاپیتا هادت با این مسئله جاری نشود گفتم دو برابر بگیرند کار این مطلب جلوگیری شود و مقصود از آن ماده این بود که رجوع است به مستوره جات و جراند چنانچه قبلا هم عرض کردم این قبیل اشیاء را نباید ببرند در اداره وقتی که بردند اداره میتواند قبول نکند و پول تمبر را از آنها بگیرد و يك بار گرانی را بی مانند حمل نکند که طرف مقابل قبول نکند و برگرداند این مطلب چه لزوم دارد و همین که آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند بنده هم کمال موافقت را دارم که در موقع دادن این مرسلات به پستخانه حکماً تمبر کنند

مخبر - عرض میکنم اگر این مستوره جات را با اداره پست بیاورند البته اداره پول آنها خواهد گرفت ولی این جبهه های پستی که در محلات گذاشته شده دو محل دارد یک محل از برای انداختن پاکت است یکی از برای انداختن مستوره جات و مطبوعات و امثال آن که جای همه قسم این اشیاء را دارد حتی (۴۰۰) مقال و هزار مقال هم که باشد میتواند جا بدهد اگر بصندوق انداختند در این صورت تکلیف اداره پست چه خواهد بود وقتی که آمد و در صندوقها را باز کرد و آن مستوره جات را بیرون آورد چه باید بکند مال مردم را بیرون در بریزد و این کار را که نمی شود کرد به علاوه در صورتی که ما بطرف که گیرنده است حق میدهد هم می تواند امتناع کند و کند دیگر تصور میکنم محظوراتی در اینکار نباشد

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی است - در پیشنهاد آقای ناصر الاسلام رأی میکیریم

معذل الدوله - خیر با پیشنهاد موافقم عرض میکنم آن مقصودی که مجلس دو برابر را برای پاکت قبول کرد اینجا آن مقصود در بین نیست مقصود از قبول پاکت که تمبر ندارد رعایت اشخاص است که گاهی يك گرفتاری پیدا میکند و پول ندارند و میخواهند يك پاکت را بدون تمبر بفرستند گفتم اداره پست این قبیل یا نات را قبول کند ولی برای اینکه این آرد هادی نشود و کاپیتا هادت با این مسئله جاری نشود گفتم دو برابر بگیرند کار این مطلب جلوگیری شود و مقصود از آن ماده این بود که رجوع است به مستوره جات و جراند چنانچه قبلا هم عرض کردم این قبیل اشیاء را نباید ببرند در اداره وقتی که بردند اداره میتواند قبول نکند و پول تمبر را از آنها بگیرد و يك بار گرانی را بی مانند حمل نکند که طرف مقابل قبول نکند و برگرداند این مطلب چه لزوم دارد و همین که آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند بنده هم کمال موافقت را دارم که در موقع دادن این مرسلات به پستخانه حکماً تمبر کنند

آقایانی که موافقت و آنها قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی راجع بقصل (۳۰) رسیده قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

فرستندگان مرسلات سفارشی یا بیه شده یا مرسلات فوری (در صورتی که اداره پستخانه این قبیل مرسلات را بپذیرد الی آخر ماده) (عبدالحمید سردار معظم)

نایب رئیس - آقای سردار معظم توضیحاتی دارید

سردار معظم - توضیح همان است که عرض کردم

مخبر - بکمسیون بفرستند در آنجا يك نظری بشود

نایب رئیس - بکمسیون فرستاده میشود بکریع تنفس است (در این موقع حضار برای تنفس خارج شده پس از ۱۰ دقیقه مجدداً در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

رئیس - ماده (۳۶) قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

بفرانسه تفسیر کرده اند یا این که حاجت باین مسئله نیست

رئیس - استبضاح نماینده از نماینده متنوع است

مخبر - عبارت فارسی آن هم نوشته شده است

رئیس - فقره پنجم قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

خاصاً گریه جبهه های شخصی که در دفتر پست موجود است و برای جمع شدن مرسلات مستعمل است اجرت و حقوقی که از بابت فقرات مذکور باید دریافت شود در روزنامه رسمی مملکت اعلان خواهد شد اداره پست شرایط تحویل و توزیع مرسلات بیه شده سفارشی و مخصوصه و بروات پستی را همین خواهد کرد

حاج شیخ حبیب الله - این قانون عبارات مکرر غیبی دارد بعضی کلمات در بالا نوشته شده و در ذیل هم تصریح شده است در اول ماده اجرت محدودی برای فقرات ذیل معین نموده دیگر در اینجا تکرارش لازم نیست بنده عرض میکنم عبارت باین طریق نوشته شود (اداره پست با تصویب دولت اجرت و حقوق و شرایط را معین خواهد نمود و در روزنامه رسمی اعلان خواهد شد) اینجا تماماً اصلاح عبارتی است بایشهاد بکنند بدهید به بنده میفرستم بکمسیون اصلاح میشود

حاج شیخ یوسف - از جناب مخبر استفسار میکنم که در اینجا نوشته شده است گریه جبهه هابنده از جبهه هائی که در اینجا نوشته شده هیچ مسجوق نیست و نمیتوانم چیست خوب است توضیح بدهند تا بدانم چیست

مخبر - بر حسب قاعده وقتی که پست از یک محلی وارد میشود نوشتهجات بین فراشها تقسیم میشود که آنها را بصاحبان شان برسانند ولی اداره پست يك ترتیبات دیگری را اتخاذ کرده در پستخانه جبهه هائی میسازد عیناً مثل جبهه هائی است که در آن اطاق مجلس گذاشته شده بکطرف آن به اداره پست است و يك طرف رویبایان اشخاصی که مایل نیستند نوشتهجات آنها را فراش پست ببرد و شاید فراش پنجاه یاصد پاکت دارد که باید بصاحبانش برساند و در پستخانه میسازد بنابر این موقعی که پست وارد میشود تمام نوشتهجات آن شخص را در آن جبهه که اختصاص بآن شخص دارد میگذارند و آن شخص خودش یا آدمش میآیند و نوشتهجات خود را میبرند و يك کلید پیش خود آن شخص است و يك کلید در اداره است که از آن طرف جبهه را باز میکند و نوشتهجات را میگذارد و صاحبش هر وقت میل داشته باشد و هر ساعتی که بخواهد میتواند بیاید و بدون اینکه از دست فراش بگیرد پاکتهای خودش را بردارد ببرد و اداره پست برای آن جبهه ها که راجع به اشخاص معینی است در سال يك حتی میکند

سردار سعید - اینطور جبهه هائی که میفرمائید الان هم موجود است بلی اما چون تکلیف فراش پست اینست که پاکتها را بصاحبانش برساند بنده گمان میکنم دیگر يك اجرت زیادی نباید در

اینجا رای این جبهه ها معین شود

مخبر - اولاً صاحب پاکت مجبور نیست این مطلب را قبول بکند

ثانیاً اداره پست بر حسب خواست صاحب پاکت این جبهه را میسازد و خرجی متحمل میشود و آن خرج به اداره پست مربوط نیست این چیزها بادر خواست صاحب پاکت ساخته میشود و اداره پست يك سفارشی برای ساختن این جبهه ها متحمل میشود و يك حتی میکیرد اجباری نیست

رئیس - ماده (۳۷) قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

فصل ۳۷ - حقوقی که گیرندگان مرسلات پستی به پستخانه میروند باید قبل از دریافت مرسل ادا نمایند گیرندگان مرسلات میتوانند در موقعی که مرسل نزد آنها بوده میشود از قبولش امتناع کنند ولی مشروط بر اینکه از محتویات آن مطلع نشده و سرش را باز نکرده باشند بعضی این که مرسلاتی بیستخانه تحویل داده شد قیمت تمبر که روی آن الصاق شده است عاید خزانه دولت میگردد

حاج شیخ حبیب الله - (حقوقی را که بیستخانه میروند) این دین از کجا است باید این طور نوشته شود (در صورتی که قبول نمایند قبل از آنکه آن مرسل را باو بدهند) شاید قبول نکرد چیزی را که قبول نکرد دین بر او اطلاق نمیشود (فصل ۳۸) بعضون ذیل قرائت شد

فصل (۳۸) - اداره پست تمبرهای پستی و کارتهای پستی و پاکت و نوارها که علامات حقوق پستی هستند قیمت های مختلفه طبع و نشر میشود اداره پست می تواند حدی برای مدت اعتبار تمبر و کارتهای پستی و پاکت و نوارهای پستی تعیین نماید و مدت و شرایط تأدی قیمت بامعارضه آن ها را معین نماید

حاج شیخ اسدالله - در این موضوع در جلسه گذشته صحبت شد که طبع تمبر و تعیین قیمتش راجع با اداره پست نیست و از وظایف دولت است برای این که راجع بمالیه مملکت است و باید بطوریکه در قانون تشکیلات مالیه نوشته شده است این اختیار را با اداره معاصبات بدهند بکلی این جا زیادی است دولت خودش طبع میکند و از مجرای خودش بیستخانه تحویل میکیرد و رسید میکیرد

معاون - بله همینطور که فرمودند دیروز مذاکره شده و يك توضیحی هم عرض شد ولی حالا مرض می کنم این مطلب دیروز نیست مطلب دیگری است و گمان میکنم اختیار آن با اداره پست است برای اینکه اداره پست باید علامات پستی را معین کند تمبر پست و شکل تمبر و اقسام تمبر و اینکه تاجه مدت اعتبار خواهد داشت اینجا تماماً از وظایف معضه اداره پست است اما در باب جمله اول دیروز توضیح دادم و تصور میکنم که امروز محتاج توضیح نباشد اداره پست خود دولت است اگر دولت لازم بداند علامت و نشانه ها و طبع تمبر را بوزارت مالیه میدهد و وزارت مالیه باور جوع میکند بنده هیچ عیبی در این نمی بینم

رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله فرمایشی دارید

حاج شیخ حبیب الله - مقصود بنده همان است که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند

نظام السلطان - بنده در این مطلب که فرمودند اداره پست علامت تمبرهای پاکت را خودش معین میکند عرضی ندارم و حق خود پستخانه است ولی راجع بقصل دیروز که طبع تمبر و قیمت آن که فرمودند باید در تحت اختیار اداره پستخانه باشد و پستخانه هم جزو ادارات دولت است بلی اداره پست اداره دولتی است ولی مسئله تمبر چون از حقوق معضه مالیه است باید دولت خودش مستقیماً در این کار دخالت کند

حاج شیخ اسدالله - اینجا نوشته است اداره پست می تواند حدی برای مدت اعتبار تمبر معین کند اعتبار و بی اعتباری تمبر با دولت است و با وزارت مالیه است و راجع با اداره پستخانه نیست اداره پست میتواند نونه بوزارت مالیه بدهد و وزارت مالیه مطابق دستور العمل اداره پست آن تمبر و کارت ها یا پاکت را طبع کند و تحویل اداره پست بدهد اما مدت اعتبار آنها راجع بدولت و مالیه مملکت است هر زمان که صلاح میدانند اعتبار باین تمبر را میدهند و هر زمان صلاح میدانند این اعتبار را بر میدارند و مانعی نمیتوانم این وظایفی که مختص وزارت مالیه است با اداره پست بدهیم که هر وقت میخواهد بگوید این تمبر معتبر است و هر وقت میخواهد بگوید معتبر نیست باید وزارت مالیه این کار را معین کند نه اداره پستخانه

رئیس - فصل (۳۹) قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

فصل (۳۹) - دولت می تواند اجازه حمل مجانی بکارتها اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است تعیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است

حاج شیخ حبیب الله - اینجا می نویسد دولت می تواند اجازه حمل مجانی بکارتها اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است باید این حق را بتمام اشخاص که دارای منافع عمومی است بدهند این خودش برای چیست

مخبر - این پاکتی را که دولت می تواند اجازه بدهد پاکت اداراتی که دارای منافع عمومی مثل اداره حفظالصحه البته اداره حفظالصحه وقتی که میخواهد راپورت خودش را بولایات بفرستد که تمام مطبوعات باشند نباید با اداره پست ول بدهد یا مثلا همینطور طبیب هائی که در ولایات معین شده اند از آن جا باید راپورتی با اداره حفظالصحه بدهند اگر بخواهند پول بدهند البته منافی با مصالح عمومی خواهد بود مقصود از این ماده اینست که اگر از این قبیل اتفاقات بیفتد دولت مجاز باشد حمل آن ها را بطور مجانی اجازه بدهد

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم این هلنی که فرمودند علت حصر نمی شود ممکن است همینطور که در این جزء نمایندگان اجازه میدهند در سایر منافع عمومی هم اجازه بدهند

باب سوم - شایعات

فصل (۴۰) - اداره پست مسئول کلیه جوهی هست که بجهت بروات پستی باو داده شود

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نشد)

(فصل ۴۱) به مضمون ذیل قرائت شد

فصل ۴۱ در صورتی که تمام یا جزئی از یا کانت و مراسلات بیه شده مفقود شود اداره پست مسئول قیمت مقدار مفقود یا میزان مبلغ بیه شده می باشد .

رئیس - مخالفی هست اظهاری نشد (فصل ۴۲) به مضمون ذیل قرائت شد

فصل ۴۲ - در صورتی که تمام یا جزئی از یک امانت بیه نشده مفقود شود یا اینکه تمام یا جزئی از معنوی آن خراب یا ضایع گردد اداره پست متعهد و ملتزم است که در ازای هر یک من مال التجاره مفقود یا ضایع شده مبلغ ۱۵ قران بعنوان غرامت صاحب امانت کارسازی نماید بر حسب قاعده مطالبه این غرامت باید توسط فرستنده از پست خانه یا مرکز ابالتی استخانه بشود که در آنجا امانت داده شده است ولی گیرنده امانت هم میتواند مطالبه جبران ضرر از پستخانه مقصد یا مرکز ابالتی آن بنماید مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجازه نامه در دست داشته باشند. بنگه مبلغ بیه شده یا غرامت معینه در این فصل بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این باب با اداره پست تعلق خواهد گرفت صاحب امانت قبل از وصول وجه غرامت مجبور است اداره پست را از جنس معنوی امانت مفقود مستعجل بدارد و حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی و وجبات تسهیل تفحص و تجسس آن را فراهم آورد

محمد هاشم میرزا - در مواردی که بیه میشود اداره پست البته ضامن است اما موردی که بیه نمیشود دولت هم ضمانت نمیکند و عنوان عنوان امانت است و باید در حفظ آن بکوشد فرضا اگر فراموش تلقی میگردد علت اینکه تمام را یکمن ۱۵ قران مینویسد چیست خیلی غریب است بواسطه اینکه ممکن است جنس ضایع شده زعفران باشد و یکمن پنجاه تومان قیمت داشته باشد هیچ مناسبتی ندارد باید يك مناسبتی از برای آن معین کنند و الا بمجرد لفظ بانزده قران معین کردن هیچ معنی ندارد و دلیل منطقی ندارد خوب است آقای مخبر در اینجا توضیح بدهند که بدانیم مقصود چیست

مخبر - کسیکه میخواهد امانتش از میان نرود باید حق الضمانه پست را بدهد اگر حق الضمانه اداره پست را ندهد البته باید یکمن بانزده قران را هم قبول کند

حاج شیخ حبیب الله - بنده عرض میکنم حق الضمانه را یا داده یا نداده اگر حق الضمانه را داده باشد اداره پست از عهده تمام بر آید و اگر حق الضمانه را نداده است همانطور که آقای فرمودند صحیح است

عبدالحصین خان سردار معظم - بنده خیال میکنم این مسئله ساده است و قابل این مقدار ملاحظه نیست بواسطه اینکه يك چیز قیمتی باشد صاحبش لابد آنرا بیه خواهد کرد و مخصوصا این مطلب لازم است ولو برای تشویق و دایر کردن بیه هم باشد نوشته شود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد (گفته شد کافی است) (فصل ۴۳) به مضمون ذیل قرائت شد

امانات مفقود دریافت کرده است بفرستنده مسترد میدارد در صورت فقدان يك شیئی یا سفارشی اداره پست ملتزم است که بفرستنده یا گیرنده آن غرامت ذیل را بپردازد

اولا - بیست و پنج قران برای مسولات سفارشی تانیا - فراموشی که در قرارداد های بین المللی تعیین شده است در صورتی که مسوله سفارشی را جمع بپردازد بین المللی باشد

رئیس - در فصل (۴۳) ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد) فصل (۴۴) به مضمون ذیل قرائت شد

فصل ۴۴ - در مواقع ذیل اداره پست مسئولیت های مذکوره در فصل (۴۰) و (۴۱) و (۴۲) و (۴۳) را بعهده نمیگیرد

اولا در صورتی که اداره پست ثابت نماید که قیمت امانت بیه شده از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است

محمد هاشم میرزا - در این قسمت که مینویسد (در صورتیکه اداره پست ثابت نماید که قیمت امانت بیه شده از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است) هیچ مدتی برای آن معین نکرده خوب بود يك مدتی برای آن معین کنند که در مدت یکماه یا دو ماه یا شش ماه باید ثابت کنند الا هر وقت آدم غرامت مطالبه کند خواهند گفت باید ثابت بشود که تو تقلب کرده و این مطلب يك حقیقی ندارد که تا چه زمان اداره پست تقلب او را بنماید ثابت کند

مخبر - اگر آقایان ملاحظه فرمایند در فصل دیگر مینویسد که تمام این ترتیبات در مدت یکسال خواهد بود پس از یکسال تصور میکنم که دیگر ایرادی نباشد

سردار معظم - بنده معتقدم این مطلب نیست بجهت اینکه اگر دقت فرمایند تصدیق میکنم که اگر اینطور شود اسباب تولید زحمت برای مردم فراهم خواهد شد اگر اداره پست میخواهد غرامت يك چیز را بپردازد از قیمت واقعی آن نهد باید اول یعنی در موقع بیه کردن آن دقت بکند و تحقیق بنماید و الا اگر این دقت را نکند چون پستخانه بتناسب قیمت آن امانت حق گرفته است دیگر پس از آنکه مفقود شد نمیتواند بگوید که من باید تحقیق بکنم و به بینم این امانت که شما دادید باید این قیمت را دارد یا ندارد این غلط است و البته باید ابتداء تحقیقاتش را بکند و پس از آنکه بیه شد و قیمت آن معین شد همان اندازه که بیه شده پستخانه مکلف است غرامت بدهد

معاون - بنده گمان میکنم این لفظی که اینجا نوشته شده خیلی خیلی لازم است تا اینکه مردم نتوانند يك مطلبی را خلاف واقع بگویند زیرا دروغ گویا صحیح نباشد و اینجا این مطلب را از يك دیگر تفکیک میکند امانت بیه شده و بیه نشده و در خصوص بیه شده می نویسد که باید قیمت واقعی آن را بگوید و امانت بیه شده را چون اداره پست بیه میکند باید حکمتا از عهده غرامت آن بر آید در مدت یکسال موافق ماده که خواهد آمد مجبور است غرامت آنرا بدهد حالا اگر چنانچه يك شیئی مفقود شود مسلم است

که باید اداره پست سعی بکند و در این مدتی که برای پرداخت فراموشی مهلت دارد اگر بيك دلالی توانست ثابت کند که قیمت آن شیئی برخلاف واقع نوشته شده است ثابت میکند و البته چون دروغ گفته است و برخلاف واقع است حق آن مبلغ فراموشی را ندارد مثال آنرا اگر بخواهند خیلی متعدد است چنانچه در این مملکت خیلی اتفاق می افتد که بعضی اشخاص امانتی بدارد پست میدهند در صورتی یقین دارند که این امانت در يك نقطه سرقت خواهد شد آنوقت يك قیمت گزافی روی آن میکنند و بعد از چندی در همان موهدی که باید غرامت باو بدهند می آید و مطالبه غرامت میکند در صورتی که اداره پست بتواند ثابت کند و باو بگوید که امانت شما این قیمت را ندارد نبوده خواهد گفت و ثابت هم خواهد کرد در این صورت نوشتن این مطلب در این قانون برای جلوگیری از وقوع آن قبیل کارها خیلی لازم است که هیچکس قیمت چیزی را برخلاف واقع معین نکند

آقای شیخ محمد جواد - بنده این ماده را بکلی زیاد میدانم برای اینکه اداره پستخانه مجبور است که همان اندازه که حق الضمانه میگردد همان اندازه هم از عهده غرامت آن بر آید برای اینکه هر گاه يك بسته امانتی که واقعا صد تومان قیمت داشته باشد و یا نصد تومان قیمت برای او معین کنند چون اداره پست بیه همان باندن تومان را گرفته باید همان قیمت را که باو قبض داده بدهد آیا اگر يك بسته را کمتر از قیمت واقعی قیمت کنند بعد از مفقود شدن اداره پست بآن طرف حق خواهد داد که قیمت واقعی آنرا ثابت کند البته این حق را نخواهد داد و همان قیمتی که در قبض پستخانه معین شده همان قیمت را سند قرار خواهد داد پس اگر يك بسته دوست تومان قیمت آن بوده و یا نصد تومان بیه کرده باشد و حال آنکه مجال است چنانچه تجربه ما ثابت کرده است هر امانتی که بدارد پست می دهند برای اینکه کمتر حق الضمانه بدهند قیمتی را که اظهار میکنند از قیمت واقعی آن کمتر است پس بواسطه يك قضیه احتمالی که شاید کسی يك مجبور بسته بدهد شاید آن بسته در راه سرقت شود و اسباب ضرر پستخانه بشود بمجرد تصور این قضیه احتمالی نمیشود يك همچو ماده را وضع کرد و اسباب زحمت برای مردم فراهم آورد

معاون - همینطور که در این ماده نوشته شده است کسی نمیتواند شیئی را که قیمت میکنند زیادتر از قیمت واقعی قیمت بکند بنده حاضرم قبول کنم که در اینجا نوشته شود هیچکس نمیتواند آن شیئی را هم کمتر قیمت کند مقصود اینست که آن شیئی را بقیمت حقه نمیشد این مطلب بدیهی است چطور میتوانیم ما يك مطلب خلاف واقعی را ترویج بکنیم که هر کس بتواند برای بسته خود قیمتی برخلاف واقع بگوید اما آنچه را که کراجه به بیه مفرمانند البته آقایان اطلاع دارند که اداره بیه اداره علیحد است و ربطی با اداره پست ندارد اداره پست شیئی را بیه میکند که قیمت واقعی او را بگوید و همان اداره بیه هم هیچوقت شیئی را تا قیمت واقعی آن نباشد بیه نخواهد کرد

رئیس - مذاکرات کافی است فقره تانیا قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

تانیا در صورتی که اداره پست حمل اشیائی را بعهده بگیرد که موافق مسطورات فصل هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در اینصورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید

حاج شیخ اسدالله - این فقره دیگر خیلی از آن فقره اولی غریب تر است برای اینکه بنویسد اداره پست مجبور بقبول نیست و با اینکه مجبور نیست يك امانتی را بگیرد و بیه میکند پول بگیرد و حق الضمانه بگیرد آن وقت میگوید من مسئول آن نیستم اگر میخواهد مسئولیت را بعهده نگیرد چرا قبول میکند و بعد از آن که گرفت و قبول کرد بیه بنده این فقره را از فقره اولی غریب تر میدانم

مخبر - چنانچه در فصل هفتم نوشته شده است اداره پست مجبور نیست حمل بعضی اشیاء را قبول کند ولی با وصف این کسی که می خواهد يك امانتی را بدارد پست بدهد و اداره پست از او قبول نمیکند آن وقت التماس میکند اینجا میکند و اداره پست می گوید من حاضرم این امانت خودم را بشما بدهم و هر طور اتفاقی افتاد و هر عیب و نقصی در آن پیدا شد از شما مطالبه غرامت نمی کنم آن شخص چرا اینکار را میکند بجهت اینکه يك وقت يك ترتیبی پیش می آید که هیچ وسیله دیگری برای این که امانت خودش را بعهده برساند ندارد در این صورت وقتی که طرف حاضر شد که نوشته به پستخانه بدهد که غرامت نخواهد اجرا قبول نکنیم و ایراد بکنیم

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم از این موضوع خارج شدند برای این که می گویند صاحب امانت می رود به پستخانه اصرار میکند التماس میکند که این امانت را قبول بکند در این صورت البته اداره پست می تواند این امانت را قبول کند ولی دیگر نمی تواند حق الضمانه بگیرد آن وقت این مسئله عاقلی را از عهده خودش بکلی خارج کرده ولی بعد از آن که خودش امانتی را گرفت و بیه کرد و حق الضمانه هم گرفت آن وقت بگوید من ضامن نیستم چیز غریبی است پس از اول بیه نکنند و حق الضمانه نگیرد اگر بیه کرد و حق الضمانه گرفت و گفته من میفرستم دیگر نمی تواند بگوید من ضامن نیستم

مخبر - اینجا نه حکایت بیه است نه حکایت حق الضمانه و اداره پست هم در این مورد نه بیه میکند و نه حق الضمانه بگیرد ولی اگر این نوشته قرار داد را با طرف نگذارد همان یکمن بانزده قران مطالبه خواهد کرد و اداره پست هم باید بدهد این کار از برای این است که یکمن بانزده قران نهد

مخبر - ابتدا اینطور نیست که آقا مفرمانند بجهت اینکه فصل ۴۴ معین میکند که اداره پست در چه موقع مسئولیت را از عهده خودش خارج می کند این مسئولیت هم راجع میشود بامانتهای که بیه شده و هم راجع میشود بامانتهای که بیه نشده بجهت اینکه برای هر دو باید اداره پست غرامت بدهد پس وقتیکه این مسئولیت راجع میشود بامانتهای که پست قبول کرده البته اداره پست در این مورد این مسئولیت را قبول نمیکند و همان یکمن بانزده قران را نخواهد داد

رئیس - مذاکره گویا کافی است فقره ثالث خوانده میشود

تالیا - در صورتی که علت فقدان یا تضییع مسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انقلابی باشد که رفع آن از عهده حکومت محلی خارج است ولی مطالبه کننده همیشه حق خواهد داشت که در باب اثبات موقع اضطراری بودن کاستنلال بآن میشود دلایل لازمه را بخواند

حاج شیخ حبیب الله - مینویسد در صورتی که انقلاب یا شورش باشد حکومت محلی يك وقتی هست که ضمیم است و تهیه لشکری و عسکری و سواری ندارد اگر بيك جانی دو نفر سارق است پیدا شود از عهده من خارج است آن وقت این ماده اسباب آن میشود که بکلی مال مردم از میان برود باید معین بکنند که پست در مواردی که معطل خطر است حرکت نکند و الا اگر ضمانت کرد و حرکت کرد البته باید برای تأدیبه آنها يك ترتیبی معین فرمایند که اسباب خسارت برای مردم فراهم نشود

منتصر السلطان - بنده گمان میکنم این قسمتی که آقا فرمودند گویا این ماده را مطالعه نکرده اینجا تصریح میکند (وقایع جنگی و شورش داخلی و انقلاب مملکت) این قسمتی که انقلاب را تفسیر فرمودند مثل آن جزء سابق بود که آقای حاج شیخ اسدالله تفسیر کردند این قسم نیست که ایشان تفسیر و ترجمه میکنند انقلاب و شورش داخلی و جنگ در مملکت مراد از دو نفر سارق است خیر مستند هم موافق است دقت فرمایند تفسیر هم نکنید

حاج شیخ اسدالله - آقای منتصر السلطان خواهش میکنم مواد را تفسیر و معنی نکنند این خیلی چیز غریبی است این عبارت را نوشته اند برای تفسیر کردن و مطلب فهمیدن پس اگر تفسیر و معنی نشود برای چه نوشته اند بنده عرض میکنم این ماده هم یکی از آن چیزهایی است که ضمانت پست را در موقع شورش و انقلاب استثناء میکند اگر بطور اطلاق نظر قانونگذار اینست که شورش اعم از اینکه در موقع دادن امانت به پستخانه باشد یا بعد از دادن امانت شورش حادث شود و هیچ فرقی نگذاشته اند بنده این را غلط میدانم بجهت اینکه اداره پست بواسطه روابطی که با ادارات دیگر دارد خیلی زود مسبوق میشود که در آن خط شورش است در موقعی که امانت بدارد پست داده میشود اگر يك نقطه نامن باشد و از عهده دولت خارج باشد که آن نامن را

رفع بکند نباید اداره پست آن امانت را قبول بکند او مسئول است نه یک نفر بی اطلاع بلی ممکن است بعد از دادن امانت ارسال آنوقت بختنا يك شورشی در يك نقطه واقع شود که رفع آن از عهده دولت خارج باشد در آن وقت اداره پست ضمانت ندارد اما اینجا بطور اطلاق می نویسد که اگر شورش و ناامنی باشد اداره پست مسئولیت ندارد پس در اینصورت چرا قبول می کند و ضمانت میکند و بعد بدست دزد مینهد

حاج شیخ حبیب الله - آقای منتصر السلطان مفرمانند مطالعه نکرده اند بنده عرض میکنم مراد از شورش در مملکت تمام مملکت است یا بعضی از آن اگر تمام مملکت است آنوقت هیچکس با اداره پستخانه رجوع نمی کند و ایرادی هم ندارد اگر مراد بعضی از مملکت است باید قبول نکنند (جزء چهارم بمضمون ذیل قرائت شد)

وابعا - در صورتی که مورث فقدان یا تضییع مسولات یکی از حوادث آسمانی باشد که رفع آن ممکن نیست

حاج شیخ حبیب الله - می نویسد حوادث آسمانی که رفع آن ممکن نباشد مثل صاعقه اما اگر بارانی آمده باشد یا بعضی چیزهای دیگر رفته ممکن است مگر جوری باشد که فوق العاده و فوق الطاقه باشد که نوعاً ممکن است برای رفع آن نباشد

رئیس - جزء پنجم قرائتمی شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

خامسا - در صورتی که علت فقدان یا تضییع مسولات محتویات آنها و یا خود آنها و یا غفلت فرستنده باشد

رئیس - در این جا ایرادی نیست جزء ششم خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

سادسا - در صورتی که در موقع تحویل دادن مسوله بگیرنده آثار دست خورده گی از لطف خارجی آن دیده شود و وزن آنها هم با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتی که فرستنده در زمان ارسال محتویات مسوله خود را روی مسوله یا روی ورقه که به همراهی آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر فرستنده صحت آنرا امضا کند ولو این که عیبی روی لطف خارجی مرئی نشود و وزن آنها هم با وزن زمان تحویل تسلیم موافقت نماید اداره پست مسئول کسری یا معایب دیگر آن خواهد بود بجهت خسارات غیر مستقیم و باید نشدن منافع متصوره اداره پست مسئولیت بعهده نخواهد گرفت

مخبر - در اینجا يك کلمه اضافه باید (دقتیست) نوشته شود

رئیس - در اینجا هم ایرادی نیست (اظهاری نشد و فصل ۴۵ بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل ۴۵ - در صورتی که دفتر تأدیبه بروات پستی بتدر کفایت وجه در صندوقش موجود نباشد و تأخیر در تأدیبه بروات حادث شود تا زمانی که این تأخیر از حدود معینه در تقاضای مخصوص که در دفتر بروات پستی طبع میشود تجاوز نکرده است اداره پست غرامتی برای تأخیر و تأدیبه نخواهد داد

رئیس - در این ماده مخالفی هست

(مخالفتی نشد و فصل ۴۶ بضم و ذیل قرائت شد)

فصل ۴۶ - اداره پست بجهت اموریکه یاو سیرده شده است مسئولیت بعهده نمیکرد مگر بآن مقتضای که در فصول (۴۰) (۴۱) (۴۳) (۴۴) و (۴۵) این قانون تصریح شده است ولی در خصوص حمل مسافری و بینه آنها مسئولیت اداره پست بوجوب نظامنامه مخصوص معین خواهد شد

رئیس - در این ماده هم ملاحظاتی نیست

فصل ۴۷ - خوانده می شود (بضم و ذیل قرائت شد)

فصل ۴۷ - تمام حقوق و غراماتی که راجع به رسولات داخله بخانه پست باشد باید در ظرف یکسال کلیتاً آن روز تحویل امانت و رسولات به پستخانه است مطالبه شود پس از انقضای یکسال به مصرف ساقط میشود

حاج شیخ حبیب الله - در اینجا نوشته است که در ظرف یکسال مطالبه حقوق میشود پس از یکسال حقیقتاً ساقط میشود این یک موضوع است که در صورت این قبیل اشکال از یکسال از حقیقت چشم پوشیده اند برای حق صغیر و مجنون میشود این ماده اجراء شود

مخبر - برای این قسم اشخاص قیم شرعی موجود است میتوان مطالبه کنند

حاج شیخ حبیب الله - این در صورتی است که همه مردم قیم شرعی داشته باشند همه مردم که همبیت قیم شرعی ندارند و قیم هم گویایان کارها میرسد با عرضاً در وقت کافی که قیم نیست باید حقوق خودشان را مطالبه میکنند

آقای مهندس - این در اینجا نوشته است نظری داشته اینچنین نوشته اند که اگر در ظرف یکسال مطالبه نکرد حقیقت ساقط میشود ولی تا پیش کار اجرا دیده شده است که زیادتر از یکسال هم مطالبه شده است و دولت موظف باین آراء آن شده است در این صورت این شرطی است خوب نیست این را توضیح بفرمایند

مخبر - آن راجع به خزانه دولت خواهد بود تکلیف اداره پست نیست بجهت اینکه اداره پست مجبور است که این پول را بخرزانه دولت تحویل بکند اگر خزانه دولت در ادامه آن تمامه بکنند مسئولیتی با اداره پست نخواهد بود

حاج شیخ حبیب الله - بنده پیشنهاد میکنم که این کلیه (پس از انقضای یکسال تمام حقوق ساقط میشود) حذف شود

رئیس - بسیار خوب پیشنهادتان است (فصل ۴۸) بضم و ذیل قرائت شد

فصل ۴۸ (دعوی و مطالبات حقوق راجع به پست در محکمه های قضات متعارفه قبض داده خواهد شد)

حاج شیخ حبیب الله - محاکم متعارفی یعنی چه خوب است نوشته شود در محاکم شرعیه در عباره غیر محاکم متعارفه معنی ندارد

مخبر - تمام این دعوی که هست راجع به بدله نخواهد شد بجهت اینکه بعضی دعوی راجع باتابع خارجه میشود و لازم است در محکمه وزارت خارجه محاکمه بشود باینجهت محاکم متعارفه نوشته شده است که بهر دو اطلاق شود هم عدلیه و هم وزارت خارجه

رئیس - مقصود ما کم بود و بود ما کم است

مخبر - بلی

(فصل ۴۹ بضم و ذیل قرائت شد)

فصل ۴۹ - ژاندارمری و حکام ولایات و رؤسای فراسور آنها و بطور کلی تمام مستخدمینی که از طرف وزارت داخله اجازه دارند در حدود اختیاری که بآنها داده شده است مأمور حفظ امنیت شوارعی در قلمرو خود هستند هر گاه در بجز اعلامان پست چهار سارقین شده و اشیاء پست توسط مردم از خارج از اداره باغصب و غارت شود حکام و رؤسای ژاندارم و فراسورانها اقدامات لازمه تعقیب مرتکبین و سارقین بعمل خواهند آورد تا اسباب اجرای مندرجات فصول ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ برای اداره پست فراهم شود

محمد هاشم میرزا - بنده تصور میکنم این مطلب راجع بقانون وزارت داخله باشد چنانچه قانونی برای وزارت داخله یا ادارات دیگر نوشته شود باید این مطلب هم نوشته شود در قانون پستی اگر بخوایم متعرض باین قبیل مواد بشویم ممکن است یا قصد ماده دیگر هم نوشته شود این مطلب برای حکام و ادارات ژاندارمری و غیره باید نوشته شود در اینجا خارج از موضوع است

معاون - چون تاکنون قانونی از مجلس راجع بوزارت داخله و ژاندارمری نگذشته است اینجا نوشته شده و الا بنده با فرمایش آقا مخالفتی ندارم و تصدیق دارم که اینکار بکسی از وظایف ژاندارمری و وزارت داخله و فراسورانهای دولتی است ولی فعلاً چون این قانون از مجلس میگردد باید بموقع اجرا گذارده شود بنده گمان میکنم بودن این ماده خوبی لازم باشد برای اینکه هر وقت اداره پست محتاج شود بوجوب همین قانون از مأمورین دولت تقاضا کند که با او مساعدت بکنند و هیچ ضرری هم در بردنش در اینجا نیست

محمد هاشم میرزا - تکلیف راجع به فراسوران قبلاً در قانون وزارت داخله از مجلس شورای ملی گذشته و در آنجا تکلیف زیادی برای آنها بجهت تعقیب سارقین معین کرده اند و بعد باز اگر مطلبی لازم شود باید در آن قانون اضافه شود اگر ایرادی داشته باشیم باید در آن قانون درج شود

محمد هاشم میرزا - تکلیف راجع به فراسوران قبلاً در قانون وزارت داخله از مجلس شورای ملی گذشته و در آنجا تکلیف زیادی برای آنها بجهت تعقیب سارقین معین کرده اند و بعد باز اگر مطلبی لازم شود باید در آن قانون اضافه شود اگر ایرادی داشته باشیم باید در آن قانون درج شود

مخبر - خیر بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم برای اینکه این قسم راجع به تعیین بینه از روی قلب بود

مثلاً ملاحظه بفرمائید يك امانتی را از اینجا شخص میفرستد و این امانت را بانصد تومان قیمت میگنند و این امانت گذارده میشود بواسطه يك اتفاقی که میافتد شاید يك قسمت جزئی یا کلی آن خراب یا تاسع میشود وقتی که آن امانت را باز میکنند می بینند که این امانت ۵ تومان هم قیمت ندارد و چون آن امانت هم حاضر است فرض بفرمائید يك خارجه بیصرفی است که حاضر است ۵ تومان هم قیمت ندارد در صورتی که صاحبش بانصد تومان قیمت کرده در این صورت چطور اداره پست میتواند برای این شیئی خراب شده دویت تومان فرات بدهد گذشته از این که نمیتواند این را بدهد باید اورا هم يك مجازاتی بکند که دیگر بعداً قابل نکند

آقای شیخ محمد جواد - اینکه فرمودند اتفاق میافتد اگر يك چنین اتفاقی بیفتد بوجوب ماده که الان خوانده شده رجوع بجا که متعارفه خواهد شد و در آنجا وقتی که ثابت شد البته رد میکنند عرض کردم برای يك اتفاقات فرض نمیشود يك قانونی از برای کلیه امانات وضع کرد

رئیس - رای میکنیم بقبول توجیه بودن این پیشنهاد - آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (همه کتبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه است این مطلب راجع بقانون وزارت داخله باشد چنانچه قانونی برای وزارت داخله یا ادارات دیگر نوشته شود باید این مطلب هم نوشته شود در قانون پستی اگر بخوایم متعرض باین قبیل مواد بشویم ممکن است یا قصد ماده دیگر هم نوشته شود این مطلب برای حکام و ادارات ژاندارمری و غیره باید نوشته شود در اینجا خارج از موضوع است

معاون - چون تاکنون قانونی از مجلس راجع بوزارت داخله و ژاندارمری نگذشته است اینجا نوشته شده و الا بنده با فرمایش آقا مخالفتی ندارم و تصدیق دارم که اینکار بکسی از وظایف ژاندارمری و وزارت داخله و فراسورانهای دولتی است ولی فعلاً چون این قانون از مجلس میگردد باید بموقع اجرا گذارده شود بنده گمان میکنم بودن این ماده خوبی لازم باشد برای اینکه هر وقت اداره پست محتاج شود بوجوب همین قانون از مأمورین دولت تقاضا کند که با او مساعدت بکنند و هیچ ضرری هم در بردنش در اینجا نیست

محمد هاشم میرزا - تکلیف راجع به فراسوران قبلاً در قانون وزارت داخله از مجلس شورای ملی گذشته و در آنجا تکلیف زیادی برای آنها بجهت تعقیب سارقین معین کرده اند و بعد باز اگر مطلبی لازم شود باید در آن قانون اضافه شود اگر ایرادی داشته باشیم باید در آن قانون درج شود

مخبر - خیر بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم برای اینکه این قسم راجع به تعیین بینه از روی قلب بود

و در مرکز هم تکلیفی معلوم نیست تقاضا میکنم کمیسیون قوانین مالبه اقدامی بفرمائید که آن قانون زودتر بمجلس بیاید

رئیس - راجع به بودجه ها با آقای وزیر مالبه که هر چه زودتر ممکن است اقداماتی بکنند و آنها را بمجلس بفرستند اگر قدری دیر شده گویا برای اینست که هیئت جدید هنوز درست داخل کار نشده و از اراضی اطلاعات صحیحی ندارد اینست که خواسته اند چند روزی در امور خودشان وقت نمایند

هینطور راجع بقانون تشکیلات مالبه هم آقای وزیر مالبه جدیداً معین شده اند اینجا آمده بودند و در کمیسیون قوانین مالبه بعضی اظهاراتی کرده بودند از طرف کمیسیون پایشان نوشته شد که اظهارات خودشان را ردی کافی آورده و بکمیسیون پیشنهاد کنند که کمیسیون بدانند عقیده دولت چه چیز است و گویا پیشنهاد دولت هم راجع به تشکیلات مالبه روز ۳ شبه بمجلس برسد بعد از آنکه رسید البته کمیسیون راپورت خودش را خواهد داد

آقای میرزا قاسم خان اظهاراتی دارید که آقای ارباب فرمودند

رئیس - از طرف هیئت رئیسه مجدداً در هر دو مطلب تأکید میشود جلسه روز ۳ شبه ۳ ساعت بزروب مانده موضوع مذاکرات هم بقیه قانون پست است ولی از آقایان استدعا میشود که ۳ ساعت بزروب مانده تشریف بیاورند

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۶

صورت مشروح مجلس روز ۳۳ شبه ۳۶

شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۳۴ قرائت گردید

نائبین بودن اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسماعیل غائبین با اجازه - آقای حاج شیخ فضل الله آقا

رئیس - بکفره پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد جواد بر پروژ قابل توجه شد فراموش شده و در صورت مجلس نوشته نشده اضافه خواهد شد بفرمایند از اینصورت دیگر ایرادی هست یا نیست (اظهاری شد) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد يك فقره پیشنهاد از طرف آقای آقا شیخ حبیب الله در جلسه قبل رسیده قرار شد امروز رای بگیریم قرائت میشود و در قابل توجه بودنش رای میکنیم پس از آن شروع میکنیم بشورقانون پستی (پیشنهاد مزبور بضم و ذیل قرائت شد)

این احقر پیشنهاد مینمایم که عبارت فصل (۴۷) این قسم نوشته شود

حقوق و غراماتی که راجع به رسولات داخله بداخله است باید در ظرف یکسال که ابتدای آن روز تحویل امانات و رسولات به پستخانه است مطالبه شود و در صورت عدم مطالبه اخطار نمایند اداره به صاحب حق اگر صاحب حق را بداند تکلیف با شناخته در جرایم اعلان نماید مطالب فوق را در صورتی که تا یکسال در جرایم اعلان شد و پیدا نشد به جرمه و ایشام و

فراهم برسانند در صورتی که معلوم شود که صاحب حق صغیر یا مجنون یا اسیر یا مجبور است پولی و رقم آنها برسانند و حقوق ساقط نخواهد شد (تقاضا شد تا بنای خواننده شود و مجدداً بضم و ذیل قرائت شد)

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند بروند بکمیسیون یاخبر

معاون وزارت پست و تلگراف - در یک فصلی از این قانون که گذشت اگر ملاحظه بفرمائید راجع به تکلیف اماناتی که در پستخانه میماند نوشته شده که بعد از يك مدتی اگر صاحب او پیدا نشد یا آن شرایطی که نوشته شده است بصندوق دولت داده میشود و در اینجا هم خیلی مذاکره شد و بنده توضیح دادم که علت اینکار چیست و آقایان هم این مطلب را قبول فرمودند حال آنکه این ماده این شرحی که پیشنهاد میشود بکلی مخالف با آن ماده خواهد بود و اما این ماده که در اینجا نوشته شده است برای اینست که در ظرف یکسال که امانت حتماً با اداره اظهار بکند نه اینکه حکماً امانت خودش را ببرد و اگر بکند حقیقتاً ساقط میشود اینطور نیست بلکه همینقدر که يك اظهاری از کسی برسد که من صاحب فلان امانت هستم حق او ساقط نمیشود و ثابت میماند مقصود از این ماده اینست که اگر در یک سال به بوجوه اثری از صاحب آن مال پیدا نشد که اظهاری به اداره پست بکند حقیقتاً ساقط خواهد شد و علتش هم معلوم است وقتی که يك یا کتبی یا يك مالی برای يك شخص با اداره پست رسید لابد اداره پست هم آن یا کت را به قصد برسانند و بعد از آنکه برسانند ولو اینکه صاحب آن مال مرحوم شده یا فرضا مجنون شده و یا در سفر است باشد البته بآن شخصی که میدهد قبض پستی را باید بدارد بدهد که این مال راجع به من است و از آن ساعتی که آن شیئی را با اداره پست داده تا آن مدتی که در این مادد ذکر شده است اداره پست مکلف است آن مال را با صاحب آن برساند و اگر اظهاری با اداره رسید همانطور که پیشنهاد فرمودند در جرایم اعلان خواهد شد و بعد از آنکه به بوجوه صاحب پیدا نشد آن وقت بصندوق دولت تحویل داده میشود و بعد از آنکه بصندوق دولت تحویل داده باشد همانطوریکه آقای مدرس پیشنهاد کردند هر نوع ممانعه که صلاح میدانند در آن وجه بکنند و در هر يك از امور خبریه که مقرر میشود بمصرف میرسانند زیرا البته بوجوه مملکت باید از مجلس شورای ملی بگذرد و مسلم است که این هایدات هم در بودجه پیش بینی شده است و مجلس شورای ملی میتواند معارضی از برای این قبیل هایدات معین بکند که بمصرف خبریه برسد و این پیشنهادی که رسیده است وقتی که دقت شود ملاحظه خواهند فرمود که به بوجوه تکلیف اداره پست نیست و بنده از تکلیف آن اداره خارج می دانم

حاج شیخ حبیب الله - بنده عرض می کنم این مالی را که به پستخانه میدهند در واقع پستخانه امین است و این مال نزد او خواهد بود و امانت نباید بواسطه این که مطالبه نکرده از بین برود اگر این مطلب را قبول دارند که امانت نباید از میان برود جهت امانت از یکسال بگذرد نباید داده شود چه فرق میکند البته امانت هر قدر هم طول بکشد و بماند نباید با امانت

شود و باید بصاحبش داده شود بهمان ترتیبی که مرض مردم بجرايد اعلان میدهند تا صاحبش پیدا شود و باو بدهند شاید فرصت نکرده یا قفل کرده یا عذری برای او پیش آمده و اگر از برای او يك قدری از معاذیر شرعیه از قبیل صغیر و مجنون یا معاذیر عرفیه باشد آن وقت باید بهمان قسمیکه مال غایب و صغیر را توجیه میکنند آن مال را توجیه نموده بصاحبش برسانند و این مطلب محتاج به اذکاره نیست خوب است قبول کنند

رئیس - باید موافق عقیده شان باشد که قبول کنند - دو قابل توجه بودن این پیشنهاد رای می گیریم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (همه قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - فصل پنجاهم قرائت میشود

(بضم و ذیل قرائت شد)

فصل پنجاهم - هرگاه کسی برخلاف مسطورات فصول دوم و چهارم رفتار نماید از يك الهی پنجاه تومان جریمه خواهد شد همچنین اگر برخلاف جه اول فصل پنجم رفتار نماید در تحت همین قاعده خواهند بود در صورت تکرار خلاف جریمه ممکن است بصد تومان بالغ شود

مدرس - راجع باین ماده و بعضی مواد دیگر در باب چهارم ذکر شده عرض میکنم البته کلیه قوانین نامجازات نباشد باشد اجراء نمیشود و خیلی تعصیب میکنم نظراین وزارتخانه را که نظریه اقبیت در اجرای این قانون مجازاتی از برای تخلف از آن مقرر فرموده اند الا اینکه بنده از آقای مخبر تقاضا میکنم که اگر صلاح بدانند این مواد باب چهارم را بکمیسیون ارجاع دهند و بعضی از آقایان اینجا حاضر شوند و اگر صلاح بدانند بنده هم در خدمتشان باشم و در آنجا نظریاتی بگیریم و در شور نانی مجدداً در مجلس مقاس مذاکره شود اگر قبول بفرمائید این تقاضای بنده است

مخبر - چون در این باب چند مطلب دیگر هم هست خوب است آقا آن موادی را که باید به کمیسیون رجوع شود بفرمائید بنده هم قبول میکنم و باقی دیگر که باید در اینجا شور شود مذاکره شود

مدرس - ماده پنجاه و پنج بنظر بنده نباید اینجا مذاکره شود

رئیس - چون این شور اول است و رای قطعی گرفته نمیشود ممکن است این مطلب را که فرمودید وقتی که این قانون بکمیسیون بر میگردد فرمایشات خودتان را همانجا اظهار بفرمائید تا اصلاح شود

مدرس - عرض اینست که این ماده پنجاه و پنج میشود در اینجا مذاکره شود باقی دیگر راجع به مجازات است میخواهد همین جا ماده بیاده مذاکره فرمائید مانی ندارد

رئیس - در ضمن شور موادم که را خواسته باشید ارجاع بکمیسیون شود بفرمائید

حاج سید اسدالله قزوینی - مقصود من همین مذاکره بود که آقای شیخ حبیب الله کردند و تفهیم وجه اینکه در رای گرفتن بعضی برخوانند

و بعضی برنخواستند چه بود در صورتی که ...
رئیس - راجع بچه مطلب است.
حاج سید اسدالله - راجع بسئله سابق.
رئیس - از موضوع خارج است آن مطلب گذشت.
حاج سید اسدالله - از موضوع خارج نیست همانوقت اجازه خواستم چون این ماده خلاف قانون شرع انور است.
رئیس - بازهم موقمش نگذشته و شور دوم باقی مانده است ممکن است فرمایشات خودتان را بفرمایید.
سردار سعید - بنده می خواستم خاطر آقایان را متوجه کنم که بگذردی بیشتر امان نظر در مواد این قانون بکنند زیرا در بعضی مواد به اندازه که باید مذاکره شود نمیشود و کفایت مذاکره را همه تصدیق میکنند در صورتی که اگر درست دقت بکنیم این امتیاز و انحصار کم کم چنان که بعضی تجربیات بسا آموخته آخرش بعضی نتایج بد از برای ما خواهد داشت خوب است قدری از نقطه نظر اینکه ...
رئیس - این راجع بپاره پنجاهم نیست.
سردار سعید - عرض میکنم همین پنجاهم یک چیز غریبی است زیرا که در فصل دوم حمل جرایم و امانات و صورت قیمة اشیاء و کارتهای پستی و مراسلات و ادراک را از هر قبیل را از هر قبیل انحصار با اداره پست داده اند و آن وقت در اینجا جریه و مجازات از برای آن معین کرده است این مطلب بکلی سلب آزادی از مردم میکند بنده میخواهم یک صورت حسابی از برای یتناجری بفرستم با آن تفتیشاتی که معلوم است بعمل خواهد آمد و قتیکه آن صورت حساب را دیدند آنوقت لابد از بنده جریه خواهند گرفت و این هیچ صورت قانونی ندارد
رئیس - اینکه میفرمائید باید مذاکره نمیشود گمان میکنم آنقدری که در اینجا مذاکره میشود هیچ جا مذاکره نمیشود و بلاوه این قانون یک چیزی نیست که تازه امروز مجلس آمده باشد و هیچکدام از آقایان و کلاه ملاحظه و دقت نکرده باشند این قانون مدنی در کمیسیون رسیدگی شده و دوم مرتبه در کمیسیون شور کرده اند و صورتش را طبع کرده و آقایان و کلاه داده اند و شبها مطالعه نموده اند و اگر بعضی نظریات داشته باشند روزها که یکدیگر را ملاقات میکنند مذاکره میکنند و میبایند در مجلس هم در این قانون دوشور میشود و مابین شورا و شور و شور تانی هم اقلاً پنجروز فاصله است تا اگر بعضی مطالب از طرف دولت یا از طرف بعضی از آقایان اظهار بشود درست مطالعه بکنند بعد مجلس بیایند در این صورت گمان میکنم بیش از این مذاکره لازم نباشد
مخبر - وقتی ما یک چیزی را بدولت انحصار دادیم باید یک مجازاتی هم در مقابل آن قرار دهیم و اینکه میگویند مردم آزاد نخواهند بود که یک صورت حساب یا یا بکت شخصی را بفرستند اداره پست ممانعت خواهد کرد در این مسئله هم گویا در فصل سوم کاملاً توضیح داده شده که چه چیزها از امتیاز و انحصار پست خارج است و مردم حق دارند حمل و نقل کنند در صورتی که حمل بعضی اشیاء را اجازه داده و از

امتیاز و انحصار پست خارج کرده است دیگر جای ایرادی نخواهد بود
محمد هاشم میرزا - اشکالی که در این چند ماده بنظر میآید این است که مجازات از روی تناسب معین نشده نه اینکه ما بگوئیم چرا حمل بعضی اشیاء را با اداره پست انحصار داده اند زیرا انحصار را مادر مواد قبل قبول کردیم و البته در صورتیکه از آن تخلف بشود باید یک مجازاتی هم تامل شویم لکن کلام در این مجازاتی است که از برای تخلف از فصل دوم و چهارم مینویسد و از نقطه نظر مجازات خیلی با هم تفاوت دارد و در اینجا یک جزومندی برایش معین کرده اند و از یک تومان الی پنجاه تومان تا صد تومان جریه معین نموده اند بنده عرض میکنم که باید این مجازات را از روی یک تناسبی معین بفرمایند و از برای تمبری که قیمت آن یکشاهی است مجازاتی برای تخلف از آن معین و مسطور شود که خالی از مناسبت نباشد و الا از برای تمبر یک شاهی بیست تومان یا چهار هزار برابر جریه قرار دادن را بنده صحیح نمیدانم و این یک چیز غریبی است و بنظر یک آقای مدرس فرمودند قبل از اینکه در کمیسیون نظریاتی در آن شود ما نمیتوانیم آن را قبول کنیم و نمیتوانیم اختیار را بدست یک اداره واکتدار کنیم که از برای یک شاهی بیست تومان و از برای بیست تومان پنجاه تومان جریه معین کند و این مطلب بنظر بنده خیلی مشکل است و بهتر اینست که یک ترتیب صحیح و یک تناسبی در خصوص جریه نسبت به کات مخالفی که صادر میشود منظور گردد
مخبر - همانطوریکه آقای رئیس فرمودند در این قانون دوشور میشود و اگر آقایان در این مجازات ها ایرادی دارند ممکن است آن مواد را معین فرمایند که بکمیسیون ارجاع شود و در کمیسیون نظریاتی نموده بترتیبی که صحیح دانسته میشود مجلس بیاید
حاج شیخ اسدالله - اولاً راجع باین ماده بعد از آنکه خود آقای مخبر قبول کردند که برگردد بکمیسیون تصور میکنم که مذاکره در آن لازم نیست و باید بکمیسیون برگردد ولی حالا که داخل در مذاکره شدند بنده هم نظریات خودم را عرض خواهم کرد مسئله تعیین مجازات در قانون پستی به هیچ وجه مناسبت ندارد و راجع بقانون جزاء است و باید در آنجا نوشته شود و بعد از آن قانون پستی نیست و اداره پست خودش نمیتواند یک محکمه تشکیل بدهد برای تعیین تقصیر بلکه اگر نسبت تقصیر یا خلافی را یک کسی دادند رسیدگی در آن خصوص راجع به محکمه رسمی است نه اداره پستخانه و بعد از آنکه محکمه رسمی رفت آن وقت باید آن محکمه برطبق قانون جزاء که هنوز نداریم و بعداً مرتب و نوشته میشود حکمش را معین بکنند و تعیین مجازات را در جزء مواد قانون پستی بنده به هیچ وجه مناسب نمیدانم در اینجا کمیسیون می نویسد هر کس مخالفت از فصل دوم و چهارم کرد از یک تومان الی پنجاه تومان یا صد تومان جریه نقدی باید بدهد و این هم یک چیزی است که بنظر بنده خیلی غریب میآید و نمیدانم این اختیار چگونه با اداره پست واکتدار میشود و تعیین مقدار جریه بنظر کیست اگر بنده تقبل و خیانتی کردم و یک یا کتی را

حمل نمودم و از طرف اداره پست آنرا کشف کردند و در محکمه هم ثابت شد آن وقت وظیفه اداره پست قرار میدهد محکمه از یک تومان الی صد تومان هر چه داش بخواهد مجازات از برای آن معین بکنند انصافاً بنده مذاکرات این مطلب را در اینجا غلط میدانم و عرض میکنم مسئله مجازات بکلی از قانون پستی برداشته و در قانون جزاء نوشته شود و فقط موادی راجع بتقصیرات و ترتیب بئوت آن در اینجا ذکر شود
رئیس - این که میفرمائید چون مخبر تقاضا کرده اند برگردد بکمیسیون باید برگردد بموجب کدام ماده نظامنامه است
حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخبر خودشان قبول کردند همچو تصور کردم که باید برگردد
رئیس - این تصور غلطی است
نظام السلطان - چون راجع بشور اول است این قدر اهمیت ندارد که فوق العاده خودمان را مقید کنیم که تا اظهارات خود را بنمایش عقیده بنده آنست همانطور که آقای مدرس فرمودند و آقای مخبر هم جواب دادند وقتی که بکمیسیون رجوع می شود آن اصلاحاتی که لازم است میشود و برای شور دوم مجلس خواهد آمد
رئیس - ایرادی که آقای مدرس دارند از یک نقطه نظر و ایراد سایر آقایان از نقطه نظر دیگری است و آن نظری که ایشان دارند محفوظ خواهد ماند و سایرین هم هر ایرادی دارند میفرمایند که مخبر هم یاد داشت بنماید که برای شور تانی اصلاح شود
منتصر السلطان - اینجا مذاکره شد که مجازات باید در قانون نوشته شود در اینجا نوشته نشود این را بنده تصدیق میکنم که اینجا نباید نوشته شود لیکن قانون مجازات هنوز در این مملکت نوشته نشده است و اگر قانون مجازات برای هر وزارتخانه و یا هر اداره نوشته شده بود اینقدر خراب کارهای پیدا نمیشد و همه امورات مرتب می شد همین نحو که آقای مدرس اظهار تشکر کردند بنده هم تشکر میکنم و ایرادی که در اینجا راجع بمندرجات فصل دوم و چهارم و جمله اول از فصل پنجم اظهار شد از دو نقطه نظر است یک نظر این است که تعیین مجازات صحیح و لازم است ولی باید در کمیسیون برای شور دوم اصلاح و مجلس تقدیم شود و یک نظر دیگر اینست که چرا باید کسانی که با مندرجات ماده دوم و چهارم و پنجم مخالفت میکنند مجازات بشوند معین معین است که اگر کسی برخلاف قانونی رفتار بکند بایستی حتماً مجازات شود اینهم حکم همان پول را دارد که اگر کسی نسبت بتمبر دولت تقبل بکند باید مجازات شود که در سایر وادان قانون هم مخالفت کند البته باید مجازات شود زیرا اگر جلو گیری نشود ممکن است خیلی اشخاص بتوانند مکاری را نوکر شخصی کافلهای مردم را حمل و نقل کنند در این صورت دیگر حالت انتظامی برای پستخانه باقی نخواهد ماند و البته باید یک مجازات شخصی برای اینگونه امورات باشد که از حدود خودخطی نکنند

و بنده این مجازات را کاملاً از هم میدانم
ناصر الاسلام - آقای منتصر السلطان فرمودند که اختلاف نظری که اظهار میشود از دو نقطه نظر است خیر اینطور نیست و از یک نقطه نظر است آقایانی که اظهار مخالفت میکنند میگویند این مجازاتی که در مواد معین شده است از روی عدالت و حقانیت نیست چنانچه آقای مدرس فرمودند بنده هم اگر مخالفت میکنم از این نقطه نظر نیست که اگر کسی مرتکب خلاف شود نباید مجازات شود بلکه همان نظری است که عرض کردم و برای اینکه مذاکرات نتیجه زیاد نشود بیش از این داخل مذاکره نمیشویم و اگر آقایان صلاح بدانند ولو اینکه رای هم گرفته شود آن موادی که راجع بمجازات است راجع بکمیسیون شود و اغلب آقایانی که در مباحث آن نظری دارند در کمیسیون نظریات خود را اظهار میکنند و یک نظر صحیحی اتخاذ میشود و بعقیده بنده غیر از این نقطه نظر کسی نمیتواند مخالفت کند و بگوید مخالفت باقانون پستی مجازات نداشته باشد و اگر کسی مرتکب خلاف شد چه از اعضاء پست چه از کسانی که خارج از اداره پست هستند مجازات نشوند و اگر کسی مخالفت است فقط مخالفت اواز حبث مبلغ است و اگر آقایان صلاح میدانند در این باب رای گرفته شود و آن مواد راجع بکمیسیون شود
رئیس - این یک چیزی است که باید پیشنهاد شود برای گرفته شود چیزی را که مخبر تقاضا میکنند ارجاع بکمیسیون شود اصلاح است نه این قبیل مطالب آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند فرائت میشود (بعضیون ذیل فرائت شد)
پیشنهاد میکنم مواد راجع بمجازات و جرایم برگردد بکمیسیون تناسب مبلغ تخلف از مواد قانونی انحصاری با مجازات معین شود
محمد هاشم میرزا - عرض بنده یک قسمتش آن بود که آقای ناصر الاسلام فرمودند تمام این اختلاف نظر ها در این است که در کمیسیون یک تناسبی در بین تخلف از قانون و مجازات معین شو و این اختلاف نظر ها تماماً برای عدم تناسب است لهذا پیشنهاد کردم که هر ماده که راجع به مجازات است بکمیسیون برگردد و در آن جا اصلاح شود
رئیس - در این پیشنهاد مخالفی نیست رای میکنیم آقایانیکه پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند
رئیس - تصویب شد پس از ماده ۵۰ تا ۵۹ برگردد بکمیسیون
مخبر - عقیده بنده اینست که ماده ۵۵ و ۵۶ باید فرائت شود
رئیس - اینجا نوشته اند باب چهارم مجازات و عقوبات و تمام مواد راجع بمجازات است
مخبر - یک قسمت از این مجازات ها راجع باجزاء اداره پست است و در آن قسمت گویا آقای مدرس و سایر آقایان نظری نداشته باشند زیرا این تکلیف خود اداره پست است که بایند رفتار کنند
رئیس - پس ماده پنجاه و پنجم فرائت میشود (بعضیون ذیل فرائت شد)

فصل پنجاه و پنجم - هر گاه یکی از اجزاء پست مندرجات و یا وجود پاکت و یا کارتهای پستی و سایر مرسولاتی را که به پستخانه سیرده میشود فاش و آشکارا نماید مگر در موقعی که قانون آنها را مجبور میکند یا اینکه یکی از آنها را از میان ببرد از خدمت پستی خلع خواهد شد و مادام الحیات در هیچیک از دوائر و ادارات دولتی پذیرفته نخواهد شد. بلاوه ۶ ماه الی یکسال محبوس شود
سردار سعید - همانطور که پیشنهاد فرمودند مواد راجع بمجازات بکمیسیون برگردد خوب است این ماده هم بهمان نظر بکمیسیون برود بلاوه این مطلب راجع بنظامنامه داخلی اداره پست است نه راجع بقانون و بعقیده بنده لازم نیست جزء قانون نوشته شود
مخبر - بطور میشود گفت یک کار باین مهمی را جزء نظامنامه اداره پست نوشت و منتها شروط و جزئیاتی برای اینکه لازم است در نظامنامه معین میکنند و باید قانون این حق را با اداره پست بدهد که بتواند این قانون را اجراء بکند
مدرس - عقیده بنده اینست که این مطلب حق خود اداره پست است یعنی هر وزارتخانه راجع بداخله اداره خودش باید محکمه اداری تشکیل بدهد و رسیدگی کند الا اینکه مجازات هائی که در اینجا معین کرده اند دو سه نفره از آنها را اداره پست میتواند اقدام کند منزل رتبه انفصال موقتی انفصال دائمی اینها مجازات اداری است اما حبس باید بحکم یک محکمه دیگر اجراء شود خلاف ترتیب است که بحکم یک محکمه اداری یک مقصری را محکوم نمایند خوب است سایر وزارتخانه ها نظری بفرمایند و ببینند مجازات مامورینی که از وظیفه مأموریت خودشان تخلف میکنند چه چیز است و از برای تقصیرات اداری در قوانین اگر شش قسم مجازات برای آنها معین شده است که اگر انشاء الله موفق شدیم شاید در کمیسیون ذکر شود علی ای حال حبس خیلی مشکل است اما انفصال موقت و انفصال دائمی استرداد حقوق کسر کردن حقوق اینها همه مجازات مقصر است که در محکمه اداری معین میشود اما حبس چون راجع به محکمه دیگر است محکمه اداری نمیتواند حکم حبس بدهد لهذا اگر این مسئله را قلم بزنند خیلی خوب است و قانون بسیار صحیحی است
سردار معظم - اولاً قطع نظر از اینکه این مجازات که در اینجا معین شده است خارج از حدود این قانون است می خواستم آقای مخبر این کلام را توضیح بدهند که هر گاه یکی از اجزاء پست مندرجات و یا وجود و پاکت و کارت های پستی را افشاء نماید از خدمت پستی خلع خواهد شد و مادام الحیات در دوائر دولتی پذیرفته نخواهد شد و ششماه الی یکسال حبس میشود بعقیده بنده این مجازات برای او مجازات خیلی سختی است وقتی که این مجازات باشد معتدل است که این مجازات خیلی از اوقات راجع بکارت پست آنها که یکی سر باز است اجراء بشود
مخبر - بله چون نوشتجات باید هموماً مکتوم و مستور باشند حتی عنوان سر پاکت که هیچکس نباید از مندرجات آن اطلاع داشته باشد چه رسد بکارت پستال که یک شرح مفصلی در آن نوشته شده است البته برای اینها یک مجازاتی نوشته

شود ولی البته مراتب و درجه اش فرق میکند
منتصر السلطان - علت اینکه برای وجود کارتها و پاکت اینقسم مجازات معین شده است این است که بسا اشخاص تقاضا میکنند که اگر بفلان شخص عنوان نگذرد نوشته شود اطلاع دهند و بعض مطالب از همین عنوان پاکت کشف میشود و بعضی ضررها و خسارات برای بعضی اشخاص تولید میشود لهذا کلبه نوشتجات باید مکتوم و مستور بماند حتی اسامی اشخاص و عنوانهای سر پاکت و هیچیک از نوشتجات پستی نباید کشف شود
حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم در اینجا دو نظر باید باشد یک نظر اداری و یک نظر شخصی اما راجع بمجازات اداری همین ترتیبی است که نوشته شده است و بنده داخل در خصوصیاتش نمیشوم زیرا بعضی از آقایان مذاکره کرده اند باید در کمیسیون اصلاح شود و مجازات های اداری را از قبیل تنزل رتبه انفصال دائمی و انفصال موقتی استرداد حقوق و امثال آنها را معین کنند اما نظر شخصی یا نوعی هم ممکن است در اینجا واقع شود مثلاً اگر یکی از اجزاء اداره پست پاکت یک کسی را باز نمود که بشرفات او برخورد این یک تکلیفی دیگر دارد و باید محاکمه آنرا بجا کم رسمی رجوع کرد بنابراین بنده تصور میکنم باید در اینجا یک چیز دیگری اضافه شود که اگر یک کسی یک دهوی حقوقی یا جزائی اظهار کرد مرجع این امر محاکمه رسمی است
رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (جمعی گفتند کافی است) (فصل ۵۶ بمضمون ذیل فرائت شد)
رئیس - در این اجزاء پست و وزارت پست و مخابرات در مقام تحقیق و تقبش بر آمده تخلفاتی را که برخلاف این قانون واقع شده بشود میرسانند اشخاص مذکور مجازات تحقیقاتی را که در مقام شدت ازوم برای کشف مخالفت های باین قانون لازم است در اموال و لباس چاد و ادارا و متصدیان حمل و نقل بنمایند و مرسولات را که برخلاف مندرجات این قانون اشخاص مذکور حاصل واقع شده اند ضبط نمایند در این صورت و توقیف باید بلا فاصله صورت مجلس بانضمام اشیاء ضبط شده بنزدیکترین پستخانه ارسال میشود تا آنکه محل مقصد فرستاده شود و دو برابر حقوق پستی بدون جرائمی که بشخص مخالف تعلق میگردد از او گرفته و دریافت گردد و مستخدمین اداره گمرک و تندر که نیز در آنچه راجع بفصل دو و چهارم است دارای همین وظایف هستند در صورتی که اداره پست احتمال بدهد که یا کتی محتوی وجود یا اثباتی است که حملش برخلاف این قانون است یا در صورتیکه پاکت از خارجه باشد احتمال بدهد که حاوی اثباتی است که حقوق گمرک بر آن تعلق میگردد حق دارد افتتاح پاکت را بخواهد باز کردن اینقسم پاکتها و ضبط آنها در مورد ازوم در حضور فرستنده یا گیرنده خواهد شد و اگر مشارالیه از حضور با اداره امتناع کرد یا بعنت دیگر حاضر نشد تقبش و ضبط در صورت لزوم در قیاس او خواهد گردید ترتیبات مذکور بسایر مرسولات غیر از پاکت تعلق نخواهد گرفت
محمد هاشم میرزا - بنده ملتفت نشدم

اینجا نوشته است بلیسان هدلیه که دارای اجازه هستند تقیاتی که معین شده باید بنمایند تصویر میکنم تقیبتش باین شدت خیلی اسباب زحمت خواهد شد زیرا کادر طهران و بعضی مراکز که اداره منظمی هست ممکن است تصور کرد صورت مجلس در حضور چهار پنج نفر نوشته شود ولی اگر مثلا در آهوان بخوانند تقیبتش کنند چه قسم تقیبتش خواهند کرد و بقدری اسباب زحمت و خسارت مردم خواهد شد که اگر در سال دوازده کفایت هم بدولت ضرر آورده شود بیک چنین تقیبتش نیاززد و این یک چیزی است که هر کس بشود تصدیق خواهد کرد که یک اشخاصی که طرف اعتماد مردم باشند تقیبتش نخواهند کرد ممکن است نواب بین راه و غلامان بست بعضی اغراض شخصی داشته باشند و باین وسیله اغراض خود را بخرج بدهند بنابراین بنده دادن یک همجه اختیاری را خیلی بد میدانم .

مخبر - خوب است در این باب اگر نظریاتی دارند بفرمایند تا در کمیسیون مذاکره شود بلاخطه اینکه اگر بخواهیم حق این تقیبتش را بکلی ساقط بکنیم بهیچوجه کارداره بست پیشرفت نخواهد کرد بجهت اینکه ممکن است همه روزه مکارها و فاسدها از هر شهری یا صدایک دولت یا یکت از مردم جمع آوری کنند و برای اینکه یک حق جزئی بگیرند حق کلی اداره بستند آنها را بکل از میان ببرند و چنانچه تقیبتش نشود همه روزه از برای اداره بستخانه اسباب زحمت خواهد شد و خود بنده غالباً دیده ام اطلاعات کامل هم در این باب دارم بنابراین اداره بست مکلف است بیک وسائل سهولت اسباب تقیبتش اینکار را فراهم نماید حالا اگر آقای محمد هاشم میرزا نظریاتی در تسهیل اینکار دارند ممکن است نظریات خودشان را مرقوم بفرمایند و بکمیسیون بفرستند .

نظام السلطان - یک توضیحی از آقای مخبر میخوام در اینجا که مینویسد (اشخاصیکه دارای مناصب دولتی یا وزارتی هستند) مقصود از وزارتی را نفهمیدم چه چیز است .

مخبر - دو تمام ادارات اجزائی که انتصاب میشوند دارای دو درجه هستند یکی آنها هستند که بفرمان همایونی منصوب میشوند و یکی دیگر اشخاصی هستند که بحکم وزارتی تعیین میشوند در واقع درجه دوم و سوم هستند و آنها را خود اداره بست معین می کند .

حاج شیخ اسدالله - در اینجا دو اشکال از برای بنده باقی مانده است یکی مسئله انحصار است که آقای مخبر فرمودند مقصود از انحصار با آنها بطور پستی است و آقای معاون هم عقیده شان همین بود و حالا در اینجا که حق تقیبتش را مینویسند معلوم میشود اعم از پستی و غیر پستی این امتیاز با اداره بست خواهد بود و برای اینکه بیا مورین و منتشین اجازه میدهند که چاروادارها را تقیبتش بکنند اینجا لازم است مرض کتم معلوم است چاروادار یک اصطلاحی است در مملکت ما و بکارهایی که منزل بمنزل حرکت میکنند اطلاع میشود این ماده همجه مفهماند که اداره بست آنها را تقیبتش میکند در ضمن این مطلب لازم است که آقای معاون وزارت پست و تلگراف یادآوری کنم که در یکدفعه که در دوسه ماه پیش از این در عمل ما واقع شده این قانون را اداره بست برای رؤسای پست فرستاده بود و مأمورین در بین راه

گماشته بودند و بعضی اشخاص را در بین راه در میان بیابان از صبح تا ظهر برای تقیبتش کردن معطل کرده بودند که یک کافندی از بار آنها بیرون بیاورند تمام بار آنها و تمام لباس آنها را تقیبتش کرده بودند که شاید یک کافندی داشته باشند آیا این نوع تقیبتش با اوضاع مملکت ما چه مناسبت دارد در صورتی که منفعتی هم از برای دولت ندارد و وجه کرایه اش با سیصد دینار یا شصت دینار است پس در اینصورت بنده تصور میکنم که این امتیاز و انحصار بکلی غلط است حالا در صورتی هم که امتیاز را خواهند داد خوب است این نوع تقیبتش موقوف شود و بنده بکلی با این تقیبتش مخالفم

معاون - این جمله را که راجع باین ماده اظهار فرمودند که چاروادارها تقیبتش میکنند اگر توجه بفرمایند در فصل سوم همین قانون همین مطالبی را که آقا فرمودند استثناء میکنند و این تقیبتش راجع بپاکت های غیر شخصی است که بطور پستی حمل میشود البته در اینصورت تقیبتش او با آن امتیاز و انحصار نباشد اداره بستخانه بی ترتیب خواهد بود و قهراً لازم است دارای این امتیاز و انحصار باشد و مسلم است که آن تقیبتش راجع باین اشخاص است که در فصل سوم استثناء شده نخواهد بود اما در باب لفظ چاروادار در اینجا لفظ چاروادار به معنی چاروادار معمول است البته آقایان میدانند وقتی که یک مکاری با چند رأس مال حرکت کرد ممکن است اینجا کفایت از مردم بگیرد و بپسرد مقصود از کفایت پستی این است که پاکت را که دادند نه روزه بفارس برساند غیر ممکن است یک کسی بطور قاصد پاکت را بگیرد بپسرد مقصود از انحصار دادن با اداره بست اینست که هیچکس نتواند مراسلات اشخاص مختلف را بطور پستی بقصد برساند و تقیبتش در اینجا از برای این قسم مراسلات است اما آنچه فرمودند در این معنی این اتفاق افتاده بنده نمیتوانم متکرر شوم کدر این مملکت هر قانونی وضع شود حاملین آنها ممکن نیست بر خلاف آن قانون رفتار کنند البته گاهی بر خلاف قانون رفتار میشود ولی اداره بست باید یک ترتیبی بیک قانونی برای اداره خودش داشته باشد که مطابق آن قانون مأموری که مخالفت میکنند مطابق نظامات اداری آنست که خبر با اداره بست رسید آنها را مجازات نماید و خیلی افسوس میخورم از اینکه از یکطرف آقایان ایراد را بفرمایند که چرا این مسئله مجازات اینطور نوشته شده و از یکطرف دیگر بفرمایند که فلان محل یک همجه اتفاقی افتاده است و این قانون کدر اینجا نمی نویسیم برای اینست که اگر چنانچه اجراء اداره مخالفت کنند باین مجازاتها برسد بنده این مخالفتی را که بفرمایند بنده این از چه نقطه نظر است یا باید آنرا قبول باین را قبول کرد البته اداره باید دارای قانون مجازات باشد که اگر اجراء اداره مخالفت بکنند اداره هم مطابق قانون آنها را مجازات بکنند این طبیعی است و چاره ندارد و البته هر وقت با اداره اطلاع داده شود حق اداره بست است که مرتکب راجع مجازات کند تا دیگر بعد از این مرتکب نشوند و اما در باب کلیه این مجازات کما روز صحبت نمیکنیم برای اینست که بنده هم در خارج خدمت آقایان بودم مذاکره شد البته ضرر ندارد مجازاتی که در این

قانون وضع میشود مطابق با بعضی قوانین دیگر باشد چون شوری در دومم داریم سکوت میکنم و هیچ تردیدی در اساس آن ندارم و گمان ندارم هیچکس متکرر تعیین مجازات باشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد میکنند که این ماده (۵۶) بکمیسیون برگردد و تقیبتش متناسبی نوشته شود که اشکال نباشد

محمد هاشم میرزا - چون مسئله تقیبتش را نتوانستند درست معین کنند گمان اینست که اگر این ماده بکمیسیون برگردد با یک نظر دقیقی ترتیب تقیبتش را معین کنند بهتر خواهد بود که هم برای دولت فایده داشته باشد و هم اسباب زحمت برای مردم فراهم نیاید

رئیس - آقایانی که این تقاضا را قبول بفرمایند قیام نمایند (همه کتبی قیام نمودند)

مخبر - پس (۵۹) و (۶۰) باید قرائت شود (ماده ۵۹) (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۹ - مؤاخذاتی که بواسطه نقض مندرجات این قانون باید از برای خارج شود مطابق ماده نام های دولتی خواهد بود

حاج سیدرضا - این ناخذین کدر اینجا نوشته شده است که (جرائمی که بموجب مندرجات این قانون بناقضین تعلق میگردد) خوب است بجای ناقضین مخالفین بنویسند .

محمد هاشم میرزا - مخالفین قانون معنی ندارد پس تعریف کنندگان باید نوشته شود

رئیس - اصلاح عبارتی قرار بود بکمیسیون رجوع شود .

سردار معظم - بنده این ماده را زیادی میدانم در صورتی ما معاهداتی نسبت با اتباع خارجه نوشته و داریم تصور می کنیم لازم نباشد کدر این قانون هم تکرار کنیم

رئیس - پیشنهاد دارید

سردار معظم - پیشنهاد حذف نمی شود

رئیس - چرا در شور اول ممکن است ماده (۶۰) قرائت می شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

باب پنجم اجرای قانون

فصل ۶۰ - این قانون ناسخ تمام قوانین و احکامی است که تا بحال در خصوص امور پستی صادر و وضع گردیده است تعیین تاریخ شروع اجرای این قانون با دولت است و علاوه بعضی امکان در هر صورت بعد از انتضای کتبرتهای نواب اداره بست ترتیب حمل مسافرین و بنه آنها را توسط پستهای مرتب و با دستگاہای پستی فوق العاده در طرق بری و بوسی مملکت مقرر و منظم خواهد نمود بعضی اینکه قانون مجازات وضع و رسماً اعلان گردید مسطورات فصول راجع بمجازات و عقوبات این قانون باندرجات قانون مجازات موافق خواهد شد

ماده هیچ موقع مذاکره نباشد زیرا وقتی قانون مورد مذاکره واقع میشود که تمام جزئیاتش کامل شده باشد بعضی از مطالبی که راجع به نسخ تمام قوانین و احکامی که تا بحال در اداره بست وضع و صادر شده معین شده کامل است ولی در قسمت دیگرش مینویسد که تعیین تاریخ شروع اجرای این قانون با دولت است در صورتی که تعیین تاریخ اجرای قانون با قانون گذار است بنده مقید ام اینست که این ماده هم برگردد بکمیسیون . یک ملاحظاتی بشود

منصور السلطان - علت این که تاریخ در اینجا معین نکردیم این بود که دولت بعضی قرار دادها و کتبرتهای با بعضی شرکت ها دارد و بعضی مواد این قانون بآن قراردادها و امتیازها و کتبرتهای که سابقاً داده شده و هنوز مدت آنها منقضی نشده است بر میخورد باین ملاحظه مجبور بودیم کدر این قانون اختیار اجرای این قانون را بدولت واگذار کنیم که تا انتضاء مدت آن کتبرتهای نامل کنند آن وقت این قانون را اجراء کنند و اگر ما بخواهیم یک تاریخی برای اجرای این قانون معین کنیم که حتماً در فلان روز باید اجراء شود یک قدری اشکال دارد

سیدمان میرزا - معین نکردن تاریخ اجرای قانون در یک قانونی که وضع میشود بجز غریبی است قانونی که اجرائش معین نباشد چه فایده دارد اینکه بفرمایند دولت بعضی قرار دادها با بعضی شرکتها دارد بآن لحاظ اختیار را بدولت واگذار کردیم این مربوط بتاریخ اجرای قانون که قانون گذار وضع میکند نیست دولت خودش میدانند که مدت قرارداد او چقدر است پس ممکن است در این جا ذکر شود که پس از انتضاء قرارداد شروع اجراء شود و الا اینطور قانون وضع کردن و تعیین تاریخ اجرای قانون را بدولت واگذار کردن یک چیز غلطی است و بنده این قانونی که ما وضع کرده ایم دوسال دیگر اجراء خواهد شد یا سه سال دیگر یا ده سال یا مثل قوانینی که در دوره اول گذشت در کتابخانهها خواهد ماند و اینکه فرمودند بعضی از مواد با بعضی کتبرتهای مربوط است مرض عرض کردم دولت مدت آن کتبرتهای را میدانند فرضاً دولت میخواهد شش ماه دیگر اجراء کند خوب است در اینجا معین کنند و الا مثل قوانین دوره اول هیچ وقت این قانون اجراء نخواهد شد .

معاون وزارت پست و تلگراف - بلی مینظوری است که فرمودید این قانون وقتی که نوشته شد بنده بود نظامنامه هائی برای این قانون ترتیب داده شود بجهت اینکه آنروزیکه این قانون نوشته شد نتوانستیم یک تاریخ برای این قانون معین کنیم و لیکن امروز می توانم مرض کند که اداره بست می تواند از تاریخی که مجلس این قانون را امضا کند که امده ام تا هفت آینه شور دومش در مجلس تمام شود ممکن است در کمیسیون بنویسیم از تاریخ ششماه بعد از امضاء بوقوع اجراء گذاشته می شود اگر توضیح مدت ششماه را هم بخواهند معلوم است که مدت ششماه برای اینست که نظامنامه راجع باین قانون چاپ شود و مردم کاملاً از آنها اطلاع حاصل کنند و بنام دفتر پست فرستاده شود آن وقت بوقوع اجراء بگذاریم ولی قبلاً خاطر آقایانرا متذکر میکنم که این قانون دارای دو قسمت

است یک قسمت راجع بامورات پستی است و یک قسمت راجع بحمل و نقل آنقسمت حمل و نقل همان طوری که در خود قانون نوشته شده است مطرح است که هر وقت وسایل آن برای اداریه بست فراهم شد بوقوع اجراء گذاشته خواهد شد ولی قسمت دیگر این قانون را بعد از ششماه از تاریخ امضاء بوقوع اجراء می گذاریم .

محمد هاشم میرزا - اینجا آقای معاون می فرمایند که ششماه بعد از امضاء اجراء میکنم راجع باقسمت مرضی ندارم ولی در قسمت دیگر نوشته این قانون ناسخ تمام قوانین و احکامی است که تا بحال صادر شده من نمی دانم بچه ترتیب آنها نسخ خواهند شد در صورتی که توضیح می دهند ششماه بعد اجراء خواهد شد ترتیب نسخ این قوانین و احکام بچه ترتیب خواهد بود .

معاون - البته مادامی که شروع با اجراء نشده است نسخ نمیشود .

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواست است - مطالبی که در دستور بود تمام شد بیک پیشنهادی راجع بماده (۵۹) از طرف آقای سردار معظم رسیده است قرائت میشود رأی می گیریم .

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم فصل (۵۹) حذف شود .

رئیس - توضیحی دارید .

سردار معظم - توضیح همان است که عرض کردم لازم نیست در قانون تصریح کنیم که مؤاخذه ایکه از اتباع خارجه میشود مطابق معاهدات نام های دولتی خواهد بود اگر در جای دیگر قانونی و معاهده در خصوص آنها نوشته شده است و داریم همان باید اجراء شود و اگر نداریم اینجا ذکرش لازم نیست

معاون - بنده گمان می کنم این ماده خیلی لازم است نوشته شود بواسطه اینکه این قانون وقتی که چاپ شد البته یک نسخه آن بنام سفارتخانه ها باید فرستاده شود اگر این ماده را بنویسیم بعد از اینکه بخواهند البته سؤال می نمایند که ترتیب اتباع خارجه بطور است بنا بر این گمان میکنم چون بقید شرط نوشته شده است که ترتیب آنها مطابق معاهدات دولتی خواهد بود هیچ عیب و ضروری ندارد .

سیدمان میرزا - این مسئله که می فرمایند باید حتماً این ماده نوشته شود مرض می کنم نوشتن این ماده در واقع توضیح واضحات است برای اتباع خارجه نوشتن و نوشتن این ماده هیچ تفاوتی نخواهد کرد و اگر بخواهیم این نظر را داشته باشیم باید در کلیه قوانینی که می نویسیم این ماده را ذکر کنیم در صورتی که هیچ لزومی ندارد البته هر ترتیبی که در قرارداد داده است محترم است و تغییر بپذیر نیست در موضوع آن رفتار میشود پس در این صورت گمان می کنم که این مسئله یک چیز زائدی است و بالاخره اگر این ماده نوشته شود خالی از محذور نخواهد بود و بعد هاشم برای وضع قوانین یک فورمولی خواهد شد .

رئیس - آقای مخبر حذف این ماده را قبول دارید .

مخبر - بلی قبول میکنم حذف شود .

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ یوسف قرائتی می شود . (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که یک فصل باین طریق زیاد شود دولت نمی تواند این حق انحصار را بقیه تبه ایران انتقال دهد .

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی دارید .

حاج شیخ یوسف - خیر توضیحی ندارم .

رئیس - اول دفعه است که پیشنهاد میکنند و توضیح ندارند .

ارباب کیخسرو - بنده گمان میکنم این فصل هیچ لازم نباشد اولاً این انحصاری است که بخود دولت داده شده است و شرط لازم ندارد و البته دولت انحصار خودش را بکسی دیگر نمیدهد این را بنده یک چیز تازه می بینم تصور میکنم آن صلاح نباشد .

حاج شیخ اسدالله - این پیشنهادی که شده است ببقیده بنده یک پیشنهاد خوب بوقعی است برای اینکه این امتیاز بدولت داده نشده با اداره بست داده شده است و در این جا معاون اداره بست فرمودند که هنوز وسایل حمل و نقل در مملکت ایران اداره بست نتوانسته است تأسیس بکنند و میخواهد بواسطه کتبرتهای با قراردادهائی که با کمپانی ها یا اشخاص متفرقه می بندد این امتیاز را بوقوع اجراء بگذارد اینست که هر گاه این امتیاز را با اتباع خارجه بدهند قهراً در حمل و نقل مسافرین اسباب زحمت برای همه مردم فراهم خواهد شد برای این که آنها یک ترتیبی دارند که باید با آنها مطابق معاهداتی هست دارند معامله شود مثل اینکه در این قانون مجازات اتباع خارجه بر طبق معاهداتی که با دول دیگر داریم معین میکنند پس بعد از آنکه اداره بستخانه خودش وسائل حمل و نقل ندارد و یک امتیازی را از مجلس بگیرد و باید در اینجا تصریح شود که در این امتیاز مخصوص بخود اداره بستخانه است یعنی وسائل حمل و نقل را بطور کامل فراهم کند وقتی که فراهم شد آنوقت دیگر حق ندارد این امتیاز را بیک نفر از اتباع خارجه بدهد که آنها مسافرین را حمل و نقل نمایند بلکه اگر یک نفر از اتباع داخله امتیاز حمل و نقل مسافرین را بخواهد بدهد ولی اگر اتباع خارجه آن امتیاز را بخواهند اداره بستخانه نباید آن امتیاز را باز بدهد و باید این مطلب در این جا تصریح شود .

معاون - بنده خیلی معذرت میخوام از این جوابی که میخوام عرض کنم اینکه آقا میفرمایند این امتیاز را بدلت نمیدهند و با اداره بست میدهند آنروز هم مرض کردم این قانون تمام موادش راجع بدولت است و امتیازش هم بدولت است اداره بست هم اداره دولتی و خود دولت است پس وقتی که راجع بخود دولت شد گمان میکنم همان طوری که آقای ارباب فرمودند محتاج بذکر این پیشنهاد نیست زیرا حالیه هم که در اداره بست مشغول کار هستیم نواب داریم و با آنها کتبرتهای داریم و تمام آنها تبه دولت ایران هستند و گمان میکنم اگر این قید را این جا بکنند یک چیز غریبی خواهد بود زیرا وقتی که دولت دارای انحصار شد و با اداره بست داد اداره بست هیچ نوع کتبرتی را با کسی نمی تواند ببندد مگر اینکه با رضای وزیر مشغول مجلس شورای ملی است و هیچ وقت

بنده پیشنهاد می کنم که یک فصل باین طریق زیاد شود دولت نمی تواند این حق انحصار را بقیه تبه ایران انتقال دهد .

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی دارید .

حاج شیخ یوسف - خیر توضیحی ندارم .

رئیس - اول دفعه است که پیشنهاد میکنند و توضیح ندارند .

ارباب کیخسرو - بنده گمان میکنم این فصل هیچ لازم نباشد اولاً این انحصاری است که بخود دولت داده شده است و شرط لازم ندارد و البته دولت انحصار خودش را بکسی دیگر نمیدهد این را بنده یک چیز تازه می بینم تصور میکنم آن صلاح نباشد .

حاج شیخ اسدالله - این پیشنهادی که شده است ببقیده بنده یک پیشنهاد خوب بوقعی است برای اینکه این امتیاز بدولت داده نشده با اداره بست داده شده است و در این جا معاون اداره بست فرمودند که هنوز وسایل حمل و نقل در مملکت ایران اداره بست نتوانسته است تأسیس بکنند و میخواهد بواسطه کتبرتهای با قراردادهائی که با کمپانی ها یا اشخاص متفرقه می بندد این امتیاز را بوقوع اجراء بگذارد اینست که هر گاه این امتیاز را با اتباع خارجه بدهند قهراً در حمل و نقل مسافرین اسباب زحمت برای همه مردم فراهم خواهد شد برای این که آنها یک ترتیبی دارند که باید با آنها مطابق معاهداتی هست دارند معامله شود مثل اینکه در این قانون مجازات اتباع خارجه بر طبق معاهداتی که با دول دیگر داریم معین میکنند پس بعد از آنکه اداره بستخانه خودش وسائل حمل و نقل ندارد و یک امتیازی را از مجلس بگیرد و باید در اینجا تصریح شود که در این امتیاز مخصوص بخود اداره بستخانه است یعنی وسائل حمل و نقل را بطور کامل فراهم کند وقتی که فراهم شد آنوقت دیگر حق ندارد این امتیاز را بیک نفر از اتباع خارجه بدهد که آنها مسافرین را حمل و نقل نمایند بلکه اگر یک نفر از اتباع داخله امتیاز حمل و نقل مسافرین را بخواهد بدهد ولی اگر اتباع خارجه آن امتیاز را بخواهند اداره بستخانه نباید آن امتیاز را باز بدهد و باید این مطلب در این جا تصریح شود .

معاون - بنده خیلی معذرت میخوام از این جوابی که میخوام عرض کنم اینکه آقا میفرمایند این امتیاز را بدلت نمیدهند و با اداره بست میدهند آنروز هم مرض کردم این قانون تمام موادش راجع بدولت است و امتیازش هم بدولت است اداره بست هم اداره دولتی و خود دولت است پس وقتی که راجع بخود دولت شد گمان میکنم همان طوری که آقای ارباب فرمودند محتاج بذکر این پیشنهاد نیست زیرا حالیه هم که در اداره بست مشغول کار هستیم نواب داریم و با آنها کتبرتهای داریم و تمام آنها تبه دولت ایران هستند و گمان میکنم اگر این قید را این جا بکنند یک چیز غریبی خواهد بود زیرا وقتی که دولت دارای انحصار شد و با اداره بست داد اداره بست هیچ نوع کتبرتی را با کسی نمی تواند ببندد مگر اینکه با رضای وزیر مشغول مجلس شورای ملی است و هیچ وقت

نی تواند برخلاف مواد این قانون رفتار یکنند

ارباب کبخیسرو - دراصل (۲۴) قانون اساسی این طور می نویسد (بستن عهدنامهها و مقاوله نامهها و اعطای امتیازات (انحصاری) تجارتی و صنعتی و فلاحی و غیره اهم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بصوب مجلس شورای ملی برسد) بنده عرض میکنم باین اصل هر امتیازی که اداره پست بدهد از درجه اعتبار ساقط است و ما هم بهر کس انحصار بدهیم نمی تواند برخلاف آن موادی که تصویب شده عمل کند و بنده تصور میکنم اگر در قانون پست یک همچو چیزی نوشته شود ما مجبوریم در هر قانونی که وضع می کنیم و امتیازی بدهیم بگوئیم هر قرار دادی که باین کسی می بندد و باید بصوب مجلس شورای ملی باشد

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد - رای میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (مدت قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج شیخ اسدالله اظهاری دارید

حاج شیخ اسدالله - بنده دو فقره عرض دارم یکی راجع باینکه سکه نیکزاد است که امروز در این مملکت رایج است و استدعا میکنم از مقام ریاست بهیئت دولت نوشته شود چون بنا بر یکی باینکه شاهنشاهی یک سکه وارد کرده که تاریخ ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ دارد و این سکه هم خیلی زیاد است و معلوم نیست باینکه از روی چه قرار داد و امتیازی این سکه را وارد میکند و بصرف میرساند دیگر آنکه مطابق امتیاز نامه بانک باید در مقابل نونهای خود سکه نقره و طلا بپردازد بنده این ایام در مقابل نونهای خود سکه نیکل بپردازم بدهم نقره و طلا نمیدم شاید بی معنی بدهم ولی بعموم مردم نمیدم در صورتی که مطابق آن قرار داد نمیتواند این سکه را بپردازد بدهد و باید سکه طلا و نقره بدهد و این را این مطلب همین متوال بگذرد خواهیم دید که بعد از مدتی چندین کرور سکه نیکل در این مملکت بدست مردم هست و ابتدا فایده ندارد و بهیچ نمی ارزد و از مس بستر است زیرا مس باز یک قیمتی داشت ولی نیکل در مملکت ما ابتدا مصرفی ندارد اینست که بنده عرض و تقاضا میکنم از مقام ریاست بهیئت دولت نوشته شود اولاً راجع بسکه جدیدی که بانک وارد کرده است مشخص کنند که از روی چه مأخذ و چه اعتبار و قرارداد وارد کرده است و بهلاوه از این بولهای نیکل که بانک در مقابل اسکناسهای خود صد تومان و بیست و هشتاد تومان توزیع میکند جلوگیری بنمایند و در مقابل نونهای خودش سکه طلا و نقره بدهد

رئیس - خوب بود این مطلب را بطور سؤال می نوشند و از وزیر مالیه سؤال میفرمودید

حاج شیخ اسدالله - می نویسم سؤال میکنم **رئیس -** آقای میرزا قاسم خان راجع بمعاصله خزانه داری اظهاری دارید

میرزا قاسم خان - اگر آقایان در نظر داشته باشند یکی از جلسات در مجلس حاضر پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا بمجلس تقدیم شد راجع بمعاصله گذشته خزانه دار کن و تقاضای یک کمیسیون

از مجلس کرده بودند که آن کمیسیون بنصیه چند نفر دیگری که صلاحیت داشته باشند بمعاصله سابق خزانه داری رسیدگی کنند مجلس هم بعنوان استفاده که از حق که قانون اساسی برای او تخصیص داده بود این پیشنهاد را باین کمیسیون مرفعی قبول کرد ولی مع التاسف بعضی از اعضاء استفاده دادند و این مسئله هم مثل سایر فریادهای پارلمان غرق شد بنده باین بواسطه موافق خارجی بوده است و باین اشخاصی که در آن کمیسیون داخل شده بودند و استفاده دادند این مسئله متروک ماند از قراری که بعضی از جریده های محلی می نویسند و بموجب اطلاعات خصوصی بعضی از مستخدمین بلژیکی با اطلاع پائی اطلاع وزیر مالیه با برداشت وجوهی که خارج از دایره کنترات آنها دارند دارند از مملکت ایران خارج میشوند و تسهیل خزانه دار سابق هم بدون اطلاع وزارت متبوعه خودش از مملکت ایران خارج شود و ما روزی را به بینیم که بدون دادن محاسبات از مملکت ما خارج شده و بدین حساب مملکت ایران را کی خواهد داد اگر چه از این و آنسب این بود که این اظهار اطر طرف پیشنهاد کننده بشود ولی با صدمتی که مخصوص این نمایندگان موجود است بنده بنا بر ایشان از مقام محترم ریاست مجلس درخواست میکنم نوبتی در تشکیل انتخاب این کمیسیون بفرمایند که اقلاً اسمائی برای رسیدگی بحساب خزانه داری بعمل آمده باشد و امیدوار هستم که آقایان هم همراه باشند (جمعی تصدیق کردند)

رئیس - این مطلب مربوط بمقام ریاست نیست پیشنهاد بفرمائید تا انتخاب شود

سلیمان میرزا - همانطور که آقای میرزا قاسم خان فرمودند آرزوی بنده خودم این تقاضا را کردم و مدتی است کمیسیون بواسطه استغای ۳ نفر از اعضاء بدون تکلیف مانده و در اینکار مهم اقدامی نشده است در صورتی که امروزه اوضاع مالیه بطوری درهم و برهم که بهیچوجه بعد ها نمیتوانیم استادی که از برای محاسبه لازم است در دست داشته باشیم و می نویسم بعضی از دوسه ها از خزانه داری خارج شده حتی اینکه گویا وزیر مالیه در اینخصوص چیزی بخزانه دار می نویسد او در جواب می نویسد که راجع باعمال شخصی بوده است در صورتیکه از خارج مطلع هستیم که این دوسه ها راجع بخزانه داری است و خیلی خرابی های دیگر هم از برای مالیه مملکت بدبخت مآرخ خواهد داد و اگر این کمیسیون زودتر شروع نشود خیلی بد ترتیبی خواهد شد استدعا میکنم آقای رئیس امر فرمایند که در پایان این جلسه سه نفر اعضائی که کسر دارد انتخاب و این کمیسیون تکمیل شود و بعد از آنکه همه اعضاء کمیسیون تکمیل شد بنده یک پیشنهادی خواهم کرد که مجلس اجازه بدهد که این چند نفر که در مجلس و نه در کمیسیونها هیچیک حاضر نشوند تمام روزها را باین حساب رسیدگی کنند شاید زودتر تمام شود و رایزوری بمجلس بدهند و الا اگر مثل سایر کمیسیونها بخوانند روزی دوسه ساعت بنشینند بی نتیجه خواهد ماند

رئیس - راجع بانقلاب سه نفر که امروز وقتی از اینجا تشریف می برند انتخاب بشوند مخالفتی نیست (گفته شد غیر)

رئیس - پس وقتیکه تشریف می برند باید انتخاب کنید جلسه آتی هم روز پنجشنبه سه ساعت بشروب

رئیس - آقای میرزا قاسم خان راجع بمعاصله خزانه داری اظهاری دارید

میرزا قاسم خان - اگر آقایان در نظر داشته باشند یکی از جلسات در مجلس حاضر پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا بمجلس تقدیم شد راجع بمعاصله گذشته خزانه دار کن و تقاضای یک کمیسیون

مانده دستور هم شود اول قانون تشکیلات مالیه راجع بولایات و انتخاب یک نفر نایب رئیس بجای آقای مؤدب السلطنه اسمای دو نفر آقایان نظار هم برای انتخاب سه نفر اعضاء کمیسیون بقره معین میشود (در این موقع آقای صدرالملك استراحت نمودند و بهارین ذیل نتیجه حاصل شد)

(آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی - آقای حاج مراد ملك)

سردار معظم - چون کمیسیون قوانین مالیه باید بعد از ختم جلسه منعقد شود اگر مجلس تصویب نماید

رئیس - بل آقای حاج مراد ملك معاف هستند آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی هم بصلاحه اظهاراتی که آرزوی فرمودند معاف هستند دو نفر دیگر تعیین میشود (دو نفر آقایان ذیل معین شدند)

(آقای حاج - هم الملك - آقای منتصر السلطان)

منتصر السلطان - بنده عضو کمیسیون قوانین مالیه هستم (مجدداً برای تعیین یک نفر دیگر عمل قرعه تجدید و آقای حاج میرزا حسین خان معین شدند) (مجلس نیم ساعت قبل از غروب ختم شد)

جلسه ۳۷

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۸ جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب در ساعت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز ۳ شنبه ۲۸ قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل - حاج معین التجار - فرج الله خان سردار معظم - قائمین با اجازه - آقایان حاج امام جمعه طباطبائی - حاج شیخ محمد حسین - استرآبادی - ناصر الاسلام میرزا محمد علیخان نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور در قانون تشکیلات مالیه ولایات و بعد انتخاب یک نفر نایب رئیس است

آقای صدرالملك راجع بدستور فرمایشی دارید

عبد الملك خیر راجع بدستور مرضی ندارم

رئیس - آقای معین الدوله چون مخیر کمیسیون حاضر نیستند ممکن است از لایحه دفاع بفرمائید

معین الدوله - بلی (ماده ۶۹ بمضمون ذیل قرائت و آقای عبدالحمین خان سردار معظم مخیر کمیسیون وارد شدند)

فصل ۶۹ ریاست اداره مالیه مرکب از ایالات و ولایات برهمه یک نفر بیشکار با این مسأله خواهد بود

رئیس - آقای معتمد السلطنه مخالفید

معتمد السلطنه در کلیات مخالفم

رئیس - این لایحه متمم همان قانون تشکیلات مالیه است و کلیات ندارد

حاج شیخ اسدالله - لایحه قانونی تشکیلات مالیه که از طرف دولت راجع بر مرکز پیشنهاد شده بود شور اولش تمام شد ولی راجع بولایات از قراری که بنده شنیده و اطلاع دارم کابینه جدید رایزوری

آنها پس گرفته و یک رایزوری جدیدی داده اند البته اساسی قانونهم باید از طرف دولت پیشنهاد شود در این پیشنهاد که از طرف دولت داده شده و به کمیسیون رفته ما هنوز ندیده و نمیتوانیم پیشنهاد دولت راجع به تشکیلات ولایات چه نحو است بنده تصور میکنم که آن رایزوری باید قبلاً بمجلس بیاید و آنرا بخوانند تا بعد نظریات آقایان نمایندگان نسبت به آن پیشنهاد و اصلاحات کمیسیون معلوم و اظهار شود

رئیس - اگر تامل میفرمودید قرائت میشد پیشنهادی که هیئت دولت کرده است یکی راجع بماده (۷۰) و دیگری راجع بماده (۷۲) میباشد که در موقع قرائت میشود و یک فقره هم راجع بماده (۳۹) است که در شور دوم خوانده خواهد شد در ماده ۶۹ گویا دیگر مخالفی نباشد (مخالفی نشد) ماده (۷۰) پیشنهاد مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امنا مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه معین میشود ولی در صورتی که وزیر مالیه با پیشنهاد خزانه داری موافقت نداشته باشد تجدید پیشنهاد خواهد شد

حاج شیخ اسدالله - بنظر بنده این چندین عیب دارد اینکه بفرمائید خزانه داری به وزارت مالیه پیشنهاد بنمایند و وزیر مالیه تصویب میکنند و بعد فرمان همایونی صادر میشود این فرمایشات صحیح است عبارت است و لیکن یک عبارت پردازی فشنکی است و خلاصه معنیش اینست که پیشنهاد و امنا مالیه را خزانه داری باید معین بکند زیرا که در آخر ماده میگوید اگر وزیر مالیه آن کسی را که خزانه داری پیشنهاد میکند تصویب نکند تا آنجا باید خزانه داری معین نماید منتهی اگر در دفعه اول پیشنهاد کرده و رد شد دفعه ثانی پیشنهاد معین میکنند و این مطلب باید معلوم شود و نوری باشد که اختیار را بدست خزانه داری ندیم بنظر بنده قانونی نوشته میشود باید قانون گذار با نظری راجع با اجرای آن قانون داشته باشد یعنی مناسبات مملکتی و ملاحظاتی محلی و مجری تماماً را در ضمن وضع آن قانون بسنجند باین معنی که مقنن باید به بنده این قانون را که وضع میکنند و می نویسد بدست کسی باید بدهد و مجری آن کسی خواهد بود و برای چه مملکتی وضع میشود و باید تمام مناسبات آن قانون را با مقتضیات مملکتی ببیند و بسنجد آن وقت قانون را وضع کند و با آن سوابقی که از برای مردم نسبت بمأمورین بلژیکی پیش آمد و نظر بآن صدماتی که دیده اند بنده و سایر آقایانی که هم عقیده بنده هستند از این اختیاراتی که به خزانه داری داده می شود و شاید دولت هم در نظر داشته باشد که خزانه داری بلژیکی باشد مقتضیات مخالف هستیم بواسطه اینکه اختیارات را که بدست خزانه داری دادیم و خزانه دار هم بلژیکی شد آن وقت نظر باختیار نامه که دارد هر نوعی که خواهد نسبت بمعاصله مملکت رفتار میکنند و مأمورین مالیه هم طبقاً مطیع میل و اراده و حکم خزانه داری خواهند شد و نسبت بمعاصله هم نمیتوانند صورت نهند و اگر در یک موقعی بخواهند از آنها جلوگیری کنند ممکن است خزانه داری یک دستوری بآنها بدهد که صورت مآخوذی و عایدات خودشان را ندهند و معاکاتی هم که باید با آنها بشود یک ترتیب و در ضمن یک موادی است که نمیتوانند مأمورین خارجه را مثل مأمورین داخله کاملاً در تحت معاکه بیآورند اینست که بنده عرض میکنم باید اختیارات را از دست خزانه داری گرفت و وزارت مالیه داد و خزانه داری باید مأموریت او فقط جمع آوری و

بیشکاران و امنا مالیه را پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه موکول نموده است و این ترتیب در واقع همان ترتیبی است که در سابق هم معمول بوده و در این صورت وزارت مالیه ابتدا نمودی در ایالات و ولایات نخواهد داشت از این جهت بنده با این مطلب مخالف هستم و تصور میکنم باید پیشنهاد بکاران و امنا مالیه بر حسب پیشنهاد اداره پرسنل (که در تحت امر وزارت مالیه است) و حکم وزارت معین شوند تا اینکه در واقع تفویضات مالیه در نه مملکت برقرار باشد

منتصر السلطان - این قسم اظهاراتیکه نماینده محترم فرمودند گمان میکنم در این باب اشتباهی کرده بواسطه اینکه سابقاً که پیشنهاد بکاران و امنا مالیه از طرف خزانه داری معین میشدند تعیین آنها محتاج بصورت فرمان از طرف امیرالمختار همایونی و حکم وزیر مالیه نبود بلکه بموجب قانون (۲۴) جوزا خود خزانه داری معین میکرد و مقررستاد ولی وقتی که به پیشنهاد مالیه بر عرض همایونی میرساند و جریان آنرا صادر میکنند و آنچه راجع بامنا مالیه میباشد که در درجه دوم است خود وزیر حکم میکنند و محتاج بفرمان همایونی نخواهد بود و اینکه اظهار کردند نفوذ قدرتی برای وزیر مالیه در مملکت باقی نخواهد ماند بنده عرض میکنم بطور نیست زیرا حکم و دستور فرمان و عزل و انفصال آنها چنانکه در ماده ۷۶ ذکر شده تماماً راجع بوزیر مالیه است پس امنا و بیشکاران مالیه کاملاً در تحت حکم وزیر مالیه خواهند بود و اما اینکه چرا باید خزانه داری پیشنهاد بکند بواسطه این است چنانکه در ماده راجع بحدود و وظائف خزانه داری ذکر شده مرکزیت و جمع آوری کل عایدات توسط خزانه داری میشود همانطوریکه در آنجا ذکر شده مأمورین مالیه که بولایات میروند مایات را جمع آوری میکنند و بعد از نادیه مخارج مصوبه مازاد آن را باید به

مآخوذی و عایدات را از آن مأمورین بگیرد بدون این که به ترتیب معاملات معالی نظری داشته باشد زیرا آن وظیفه وزیر مالیه است و مسئولیت آن پیشنهاد بکاران و امنا مالیه میباشد ولی هیئتقدر که ما اختیارات را بخزانه داری دادیم یعنی او را مأمور تعیین پیشنهاد بکاران و امنا مالیه کردیم آن وقت بواسطه اختیار فوق العاده که دارد هر نوع فشاری که بخواهد بمأمورین مالیه نسبت بمآخوذی و عایدات آنها می آورد در حالی که باید مأمورین مالیه از روی صورت جز و جمعی که از طرف اداره تشخیص عایدات مطابق دستوری که بآنها داده میشود عایدات را گرفته بخزانه بدهند و اگر از آن دستور تخلفی کردند آن وقت نظر بآن مواد قانونی که در تشکیلات مرکزی نوشته شده مجازات مقرر در باره آنها بموقع اجراء گذاشته شود

حاج مراد ملك - برعکس اظهارات آقای حاج شیخ اسدالله بنده عرض می کنم که در وضع قانون نباید ملاحظه اختصاص را کرد بلکه باید ملاحظه نمود که از روی ترتیبات اداری برای اصلاحات یک وزارت خانه چه اداراتی لازم داریم و اختیارات و حدود آن ادارات چه اندازه و بجه ترتیب باید باشد بوزیر مالیه که ما داریم باید اختیاراتی داده شود یا نه - وجه نحو اختیاراتی باید بوداد - همین ملاحظاتی و احساسات بود که ما را واداشت قانون ۲۳ جوزا را نوشتیم و دچار آن اشکالات شدیم و همه آقایان در نظر دارند ترتیبات آموختن طوری بود که مجلس حق داشت در آن موقع همچو قانونی وضع کند زیرا ترتیب یک شکلی بود که لازم بود قرار جدیدی داده شود و در موقع وضع قانون ۲۳ جوزا یکی دو نفر از آقایان نمایندگان مخالفت میکردند و میگفتند نماینتی این اختیارات را یک نفر خزانه دار داد نه تنها بنده بلکه همه آقایان نمایندگان گفتند این اختیارات که سهل است یک اختیارات زیاد تری هم باید بخزانه داری داد تا امور مالیه مملکت ما را مرتب کند باینواسطه اختیارات را دادیم و حالا مجبور شده ایم که آن اختیارات را بگیریم و حالا که این اختیارات را از روی احساساتی که هست میکنیم چون آن نتیجه را که از خزانه داری میخواستیم نبرده ایم حالا باید به بینیم یک وزیر بطوری که سابقاً معمول بود باید اختیارات را بدهیم و او را در تشکیلات طوری مختار کنیم که بخیالات شخصی خودش در هر کاری بتواند اقدام کند ببقیه بنده این ترتیب مناسب با ترتیبات اداری نیست و اینکه بفرمائید این اختیارات باید از خزانه داری گرفته شود گرفته شده است زیرا اداره تشخیص و اداره محاسبات و کمیسیون تطبیق حوالجات همه را از یکدیگر جدا کرده ایم و این ماده که میگوید بیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امنا مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه معین میشوند در این موضوع بنده عرض میکنم صرف نظر از این که باید این اختیار را از دست خزانه داری گرفت یا نگرفت از نقطه نظر اداری هیچ نمیتوان تصدیق کرد که تعیین بیشکاران و امنا مالیه را بدون